





رهیافت ۱۶، احکام تقلید

تهیه و تدوین: اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تنظیم و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

به‌کوشش: محمد سلحشور، مجید داورزنی

ویراستاران: سیدحمید حیدری‌ثانی، جواد کاظمی

طرح جلد: گرافیک آسمان

صفحه‌آرا: محمود کریم‌پور

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، صحن جمهوری اسلامی،

اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱ - ۳۲۰۲۰ - ۰۵۱۱ - ۲۲۴۰۶۰۲ - ۰۵۱۱

رایانامه: eppasokh@aqrazavi.org



رہیافت احکام؛ احکام تقلید

ویژہ استادان
پاسخگویی بہ سؤالات شرعی

فهرست

پیشگفتار	۱۱
درآمد	۱۳

فصل اول:

احکام الهی	۱۵
۱.۱. تعریف احکام	۱۷
۲.۱. نیاز بشر به احکام	۱۷
۳.۱. لازمه پذیرفتن هر دین	۱۸
۴.۱. وظیفه انسان در قبال احکام الهی	۱۸

فصل دوم:

اجتهاد	۲۱
۱.۱. تعریف	۲۳
۲.۲. منابع فقه	۲۳
۳.۲. عقل و اجماع	۲۳
۱.۳.۲. چرایی اختلاف فتوا	۲۳
۴.۲. چند مسئله درباره اجتهاد	۲۷
۱.۴.۲. وجوب اجتهاد	۲۷
۲.۴.۲. فتوادادن کسی که مجتهد نیست	۲۷
۳.۴.۲. فتوادادن مجتهد غیر جامع شرایط	۲۸
۴.۴.۲. مجتهد شدن بانوان	۲۸

فصل سوم:

احتیاط	۲۹
۱.۳. تعریف	۳۱
۲.۳. نحوه احتیاط	۳۳
۳.۳. احتیاط به یکی از روش‌های زیر است:	۳۳
۴.۳. رعایت آرای فقیهان گذشته در احتیاط	۳۴

فصل چهارم:

تقلید	۳۵
۱.۴. تعریف	۳۷
۲.۴. ضرورت تقلید	۳۷
۳.۴. تقلید و عقل	۳۷
۴.۴. محدوده تقلید	۴۴
۵.۴. آشنایی با اصطلاحات	۴۵
۱.۵.۴. فتوا	۴۵
۲.۵.۴. الفاظ دال بر فتوا	۴۶



۴۷	 ۳. ۵. ۴ احتیاط واجب
۴۸	 ۱. ۳. ۵. ۴ الفاظ دال بر احتیاط واجب یا در حکم احتیاط واجب
۵۰	 ۲. ۳. ۵. ۴ فرق فتوا و احتیاط واجب
۵۴	 ۳. ۳. ۵. ۴ تفاوت «فتوای به احتیاط» یا «احتیاط در فتوا»
۵۴	 ۴. ۵. ۴ احتیاط مستحب
۵۴	 ۱. ۴. ۵. ۴ احتیاط بعد از فتوا یا قبل از فتوا
۵۵	 ۲. ۴. ۵. ۴ فرق مستحب با احتیاط مستحب
۵۵	 ۳. ۴. ۵. ۴ الفاظ احتیاط مستحب
۵۶	 ۵. ۵. ۴ وجه اختلاف تعبیر در عبارات فقها
۵۶	 ۶. ۵. ۴ فرق علم و اطمینان
۵۷	 ۷. ۵. ۴ جاهل مقصر و جاهل قاصر
۵۹	 ۷. ۵. ۴ فرق حکم و فتوا
۵۹	 ۸. ۵. ۴ فرق «جایز نیست» با «حرام است»
۵۹	 ۶. ۴ ضروریات دین
۶۰	 ۷. ۴ اهل خبره
۶۰	 ۸. ۴ معنای اورعیت
۶۱	 ۹. ۴ مراد از امور حسبیه
۶۱	 ۱۰. ۴ تفاوت موضوعات با احکام
۶۱	 ۱۱. ۴ حد گمان و یقین در مسائل
۶۱	 ۱۲. ۴ معنای رجاء
۶۲	 ۱۳. ۴ فرق واجب و لازم
۶۲	 ۱۴. ۴ معنای مکروه بودن
۶۳	 ۱۵. ۴ معنای مجزی بودن عمل به رساله عملیه
۶۳	 ۱۶. ۴ فرق اجتهاد کامل و متجزی
۶۴	 ۱۷. ۴ مراد از علم اجمالی منجز
۶۶	 ۱۸. ۴ مراد از حجت اجمالی

فصل پنجم:

۶۹	 مسائل مربوط به مجتهد
۷۱	 ۱. ۵ تقلید از غیر مجتهد
۷۱	 ۲. ۵ مجتهد جامع الشرایط چه کسی است؟
۷۳	 ۱. ۲. ۵ اختلاف فتاوا
۷۴	 ۳. ۵ عدالت مرجع تقلید
۷۴	 ۱. ۳. ۵ به چه کسی عادل می گویند؟
۷۶	 ۲. ۳. ۵ راه های ثابت شدن عدالت
۷۶	 ۱. ۲. ۳. ۵ یقین
۷۷	 ۲. ۲. ۳. ۵ بینة
۷۷	 ۳. ۲. ۳. ۵ حسن ظاهر
۷۹	 ۴. ۲. ۳. ۵ زائل شدن عدالت

۴.۵. علمیت مرجع تقلید..... ۸۰

۸۱. ۱.۴.۵. آیا می توان از غیراعلم تقلید کرد؟
۸۳. ۲.۴.۵. اگرچند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟
۸۴. ۳.۴.۵. رابطه شلوغی درس خارج با علمیت.....
۸۵. ۴.۴.۵. از چه راه هایی مجتهداعلم شناخته می شود؟ ...
۸۹. ۵.۴.۵. تعارض شهادت اهل خبره درباره علمیت مجتهدان.....
۹۰. ۶.۴.۵. اگرشناختن علم مشکل باشد، از چه کسی تقلید کنیم؟
۹۴. ۷.۴.۵. علم اجمالی به علمیت یکی از دو مجتهد ..
۹۷. ۸.۴.۵. وظیفه عامی درمسئله وجوب و عدم وجوب تقلید ازاعلم.....
۹۸. ۹.۴.۵. تقلید از مرجعی که عدول به اعلم را حرام می داند
۹۸. ۱۰.۴.۵. تبعیض در تقلید
۹۹. ۱۱.۴.۵. تبعیض در تقلید درصورت تساوی دو مجتهد ..
۱۰۱. ۱۲.۴.۵. تبعیض در تقلید در عمل واحد.....
۱۰۳. ۱۳.۴.۵. تقلید از اعلم غیرعادل.....
۱۰۳. ۱۴.۴.۵. تقلید از عالمِ عدل، یا عادلِ اعلم؟
۱۰۳. ۱۵.۴.۵. داشتن علومی دیگر غیر از فقه و اصول.....
۱۰۳. ۱۶.۴.۵. علمیت در علم اصول

۵.۵. خاتمه..... ۱۰۴

۱۰۴. ۱.۵.۵. فتوادادن غیرمجتهد یا مجتهد غیر جامع الشرایط
۱۰۴. ۲.۵.۵. اطلاع مجتهد از اوضاع زمان و مکان
۱۰۴. ۳.۵.۵. آگاهی سیاسی مرجع
۱۰۵. ۴.۵.۵. رابطه رساله عملیه با مرجعیت
۱۰۵. ۵.۵.۵. تقلید از علمای کشورهای دیگر
۱۰۵. ۶.۵.۵. مجتهد متجزی
۱۰۷. ۷.۵.۵. طرح مسائل قومی و نژادی در باب مرجعیت ..
۱۰۷. ۸.۵.۵. انتخاب مرجع توسط طلبه های سال اول طلبگی ..
۱۰۷. ۹.۵.۵. فحص از مجتهد اعلم
۱۰۸. ۱۰.۵.۵. عوض کردن مرجع در صورت نداشتن رساله ..

۵.۶. مسائل انتخاب مرجع..... ۱۰۹

۱۰۹. ۱.۶.۵. وظیفه والدین درانتخاب مرجع برای فرزندان تازه بالغ.....
۱۱۰. ۲.۶.۵. وکالت در تحقیق مرجع اعلم.....
۱۱۰. ۳.۶.۵. نظر بزرگ قوم در انتخاب مرجع
۱۱۰. ۴.۶.۵. اختیار زن در انتخاب مرجع تقلید

۵.۷. مسائل مربوط به مجتهد..... ۱۱۲

۱۱۲. ۱.۷.۵. تقلید مجتهد از دیگری
۱۱۲. ۲.۷.۵. خطا در نقل فتوا.....
۱۱۳. ۳.۷.۵. اعلام تغییر فتوا
۱۱۴. ۴.۷.۵. نظر مرجع تقلید در موضوعات محضه یا صرفه ...
۱۱۵. ۵.۷.۵. اعلام ازدست دادن شروط مرجعیت

- ۸.۵. مسائل مربوط به پاسخ گو ۱۱۵
- ۱.۸.۵. وظیفه پاسخ گو در پاسخ گفتن ۱۱۵
- ۱.۱.۸.۵. جواب دادن طبق مرجع خودش ۱۱۵
- ۲.۱.۸.۵. وجوب ارشاد جاهل به حکم ۱۱۷
- ۳.۱.۸.۵. وجوب ارشاد جاهل به موضوع ۱۱۹
- ۲.۸.۵. عوض شدن فتوای مجتهد ۱۲۰
- ۳.۸.۵. اشتباه گفتن فتوای مجتهد ۱۲۲
- ۹.۵. مسائل مربوط به مقلد ۱۲۳
- ۱.۹.۵. شروط مقلد ۱۲۳
- ۲.۹.۵. شک در جامع الشرایط بودن مرجع ۱۲۴
- ۱.۲.۹.۵. در صورت شک (ساری) در جامع الشرایط بودن مجتهد ۱۲۴
- ۲.۲.۹.۵. شک در فوت مجتهد یا تبدیل رأی یا زائل شدن شروط مرجعیت ... ۱۲۵
- ۳.۲.۹.۵. شک در جامع الشرایط بودن مجتهدی بعد از فوت ۱۲۶
- ۴.۲.۹.۵. مجتهد مجهول الحال ۱۲۶
- ۳.۹.۵. تقلید ناصحیح ۱۲۷
- ۱.۳.۹.۵. تقلید از مجتهدی که جامع الشرایط نیست .. ۱۲۷
- ۲.۳.۹.۵. فاقد شدن شروط مرجعیت ۱۲۷
- ۳.۳.۹.۵. اعمالی که بدون تقلید انجام داده ایم ۱۲۸
- ۴.۲.۹.۵. حکم جاهل به مقدار اعمالی که بدون تقلید انجام شده است ۱۳۲
- ۵.۳.۹.۵. اعمال کسی که در انتخاب مرجع اعلم اشتباه کرده است ۱۳۲
- ۶.۳.۹.۵. احراز صلاحیت مرجع بعد از مدتی تقلید ... ۱۳۵
- ۷.۳.۹.۵. تقلید کردن از کسی که اهلیت فتوا ندارد . ۱۳۶
- ۸.۳.۹.۵. در صورت تقلید اشتباهی از مرجع دیگر ۱۳۷
- ۹.۳.۹.۵. عمل بدون توجه به تقلید ۱۳۸
- ۱۰.۳.۹.۵. رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت رجوع ۱۳۹
- ۱۱.۳.۹.۵. تقلید از میت با لزوم تقلید از حی ۱۴۱
- ۴.۹.۵. راه های دستیابی به فتوای مجتهد ۱۴۱
- ۱.۴.۹.۵. احتمال تغییر فتوای مرجع ۱۴۳
- ۲.۴.۹.۵. تعارض در گفتن فتوای مجتهد ۱۴۴
- ۳.۴.۹.۵. وظیفه مقلد، در صورتی که مرجع در مسئله ای فتوا نداشته باشد ۱۵۰
- ۴.۴.۹.۵. توقف و تردد مجتهد در مسئله ۱۵۱
- ۵.۴.۹.۵. تقلید در احکام پنج گانه ۱۵۱
- ۶.۴.۹.۵. ندانستن حکم مسئله ۱۵۴
- ۷.۴.۹.۵. وظیفه مقلد در صورت تبدیل رأی مجتهد . ۱۵۵
- ۸.۴.۹.۵. اجرای اصالة البرائه و... برای مقلد ۱۵۵
- ۹.۴.۹.۵. آیا ظن در نقل فتوا حجت است ؟ ۱۵۶
- ۱۰.۴.۹.۵. وقتی حکم مجتهد را نمی دانیم و مجتهد در دسترس نیست ... ۱۵۶
- ۱۱.۴.۹.۵. ظهور و اطلاق کلام مجتهد ۱۶۴
- ۱۲.۴.۹.۵. توهم مطابق نبودن فتاوای مرجع ۱۶۴

۵. ۹. ۵. مسائلی که یادگرفتن آنها واجب است ... ۱۶۵
 ۵. ۹. ۱. حکم جاهل بودن به مسئله‌ای که در نماز اتفاق ... ۱۶۸
 ۵. ۹. ۶. شک در صحت تقلید ۱۶۹
 ۵. ۹. ۱. شک در صحت تقلید اعمال گذشته ۱۶۹
 ۵. ۹. ۲. شک در انجام دادن اعمال از روی تقلید ... ۱۶۹
 ۵. ۹. ۷. تقلید بچه ممیز ۱۷۰
 ۵. ۹. ۱. تقلید صبی ۱۷۰
 ۵. ۹. ۲. انتخاب مرجع تقلید توسط بچه ممیز قبل از بلوغ ۱۷۱
 ۵. ۹. ۸. عبادت جاهل قاصر و مقصر ۱۷۲
 ۵. ۹. ۹. وظیفه انسان تا زمان انتخاب مرجع ۱۷۶
 ۵. ۹. ۱۰. وظیفه عامی تا زمان مشخص شدن حکم شرعی ۱۷۶
 ۵. ۹. ۱۱. وظیفه وکیل و وصی در انجام اعمال ۱۷۷
 ۵. ۹. ۱۱. وکیل و اجیر و وصی چگونه اعمال خود را انجام دهند؟ ۱۷۷
 ۵. ۹. ۱۱. ۲. وظیفه نایب در انجام اعمال عبادی ۱۸۱
 ۵. ۹. ۱۲. وظیفه مکلف در عقود درجایی که فتوای مرجع طرفین ... ۱۸۱
 ۵. ۹. ۱۱. ۱. اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو طرف متفاوت بود ۱۸۱
 ۵. ۹. ۱۲. تفاوت نظر مرجع تقلید طرفین در کارهای مشترک ۱۸۲
 ۵. ۱۰. ملاک تقلید ۱۸۴

فصل ششم:

مسائل مربوط به فوت مجتهد ۱۸۷

۱. ۶. بقای بر میت ۱۸۹
 ۱. ۱. ۱. حکم بقا بر تقلید میت ۱۸۹
 ۱. ۱. ۱. ۱. دامنه بقا ۱۹۲
 ۱. ۱. ۲. بقا بر میت ۱۹۵
 ۱. ۱. ۳. بقا بر میت، بدون رجوع به زنده ۱۹۵
 ۱. ۱. ۴. اجازه از اعلم در بقای بر میت ۱۹۷
 ۱. ۱. ۵. اجازه بقا بر میت با فوت مرجع دوم ۱۹۸
 ۱. ۱. ۶. تقلید از همه مراجع در مسئله جواز بقای در تقلید ... ۲۰۱
 ۱. ۱. ۷. بقای بر تقلید درباره احتیاط بین دو نفر ... ۲۰۲
 ۱. ۱. ۸. بقا بر میت در خصوص احتیاط واجب ۲۰۲
 ۲. ۶. فوت مجتهد ۲۰۳
 ۳. ۶. تقلید ابتدایی میت ۲۰۳
 ۴. ۶. اجازه و اذن و وکالت، بعد از فوت ۲۰۴
 ۱. ۴. ۱. با فوت مرجع، اجازه او از بین می‌رود ۲۰۴
 ۲. ۴. ۲. اذن و وکالت مجتهد بعد از فوت ۲۰۴
 ۵. ۶. اعمال مقلد بعد از فوت ۲۰۶
 ۱. ۵. ۶. صحیح بودن اعمال گذشته با فوت مجتهد .. ۲۰۶
 ۲. ۵. ۶. در صورت عدول به مرجع بعد و تعارض فتوا ۲۱۱

- ۳.۵.۶. اعمالی که به فتوای مرجع بعد درست باشد ۲۱۱
- ۴.۵.۶. عمل به احتیاط پس از فوت مرجع ۲۱۳
- ۶.۶. تقلید میت بعد از تقلید از زنده ۲۱۳
- ۷.۶. وجوهات بعد از فوت ۲۱۵
- ۱.۷.۶. آیا پرداخت وجوهات به مجتهدی که فوت کرده ۲۱۵

فصل هفتم:

عدول از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر در مسائل اختلافی ... ۲۱۷

- ۱.۷. عدول بدون مجوز ۲۲۱
- ۲.۷. قصد عدول به زنده و بازگشت به میت ۲۲۱
- ۳.۷. رجوع بعد از عمل ۲۲۲
- ۴.۷. اگر از روی اشتباه به مرجع بعد رجوع کند ۲۲۳
- ۵.۷. وظیفه پسر در انجام تکالیف والدین ۲۲۳

فصل هشتم:

ولایت فقیه ۲۲۵

- ۱.۸. معنای ولایت فقیه ۲۲۷
- ۲.۸. ضرورت ولایت فقیه ۲۲۷
- ۳.۸. قلمرو ولایت فقیه ۲۲۸
- ۱.۳.۸. امر ولی فقیه ۲۲۸
- ۲.۳.۸. احکام ولایی ولی فقیه ۲۲۸
- ۳.۳.۸. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت ۲۲۹
- ۴.۳.۸. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید .. ۲۲۹
- ۴.۸. حکم حاکم ۲۳۰
- ۱.۴.۸. مقصود از حاکم شرع ۲۳۰
- ۲.۴.۸. حکم حاکم جامع شرایط ۲۳۰
- ۳.۴.۸. تشخیص حاکم در مرافعات ۲۳۲
- ۴.۴.۸. تعارض قوانین و فتوای مرجع تقلید ۲۳۳
- ۱.۴.۴.۸. تعارض قوانین با فتوا ۲۳۳
- ۲.۴.۴.۸. تعارض حکم و فتوا ۲۳۴
- ۵.۴.۸. شروط حاکم شرع ۲۳۴
- ۱.۵.۴.۸. اعلیت در امور حسبیه ۲۳۴
- ۵.۸. رعایت قوانین ۲۳۷
- ۱.۵.۸. رعایت قوانین و مقررات ۲۳۷

فصل نهم:

مسائل متفرقه ۲۳۹

- ۱.۹. کتاب‌های فقهی مراجع ۲۴۱
- ۲.۹. استفتائات کتبی خصوصی ۲۵۳
- کتابنامه ۲۴۸



پیشگفتار

قال الرضا عليه السلام: رحم الله عبداً أحيأ أمرنا فقلت له: وكيف يحيي أمركم؟ قال: يتعلم علومنا و يعلمها الناس ...^۱

عبدالسلام می گوید از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: «خداوند رحمت کند هر آن کس را که امر ما را زنده می کند.» به ایشان گفتم: «چگونه امر شما را احیا می کند؟» فرمود: «علوم ما را فرا می گیرد و آن را به مردم تعلیم می دهد...»

«اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی» مفتخر است در راستای رسالت خود مبنی بر اشاعه فرهنگ تشیع و پاسخ گویی به سؤالات شرعی مردم در این حوزه گسترده از دین، محتوای پیش رو را به استادان فرهیخته تقدیم کند. در این نوشتار تلاش کرده ایم علاوه بر دادن اطلاعات و محتوای غنی، پاسخی مناسب با محتوایی یکسان در اختیار استادان قرار دهیم تا از تعدد جواب و تشویش خاطر مراجعان و سؤال کنندگان جلوگیری شود.

تلخیص کتاب های تخصصی موجود در این حوزه و جمع بندی جواب ها و بی نیاز کردن استادان از رجوع به منابع پرشمار در هنگام پاسخ گویی، از اهداف اصلی تهیه و تنظیم این قبیل نوشتارهاست. برای رسیدن به این مهم، کارگروهی از استادان و کارشناسان فرهیخته

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۶۹.

این اداره موضوع پیشنهادی را موشکافانه بررسی می‌کنند و محصول تلاش خویش را به داوری و نظارت هیئت علمی می‌گذارند.

این مجموعه کتاب‌ها در چهار دسته موضوعی تدوین و ارائه می‌شود: رهیافت احکام، رهیافت اعتقادی، رهیافت تربیتی و رهیافت ترکیبی (مربک از هر سه موضوع). بی‌شک بررسی دقیق و نگاه نقادانه شما فرهیخته گران قدر، ما را در جهت بهبود این مجموعه یاری خواهد کرد.

جبهه خضوع به درگاه قدسی احدیت می‌ساییم که توفیق خدمت در بارگاه ملکوتی و سراسر نور حضرت رضا علیه السلام را ارزانی مان فرمود. امید است بتوانیم به پاس این افتخار و با استعانت از آن امام همام علیه السلام، به مصداق روایت نورانی فوق، جرعه‌ای از علم حقیقی بنوشیم و به تشنگان راستین آن بنوشانیم.

اداره پاسخ‌گویی به سوالات دینی

درآمد

مجموعه پیش رو با عنوان «احکام تقلید»، در قالب رهیافت احکام تقدیم می‌شود. مستنداتی که در این کتاب از آن‌ها استفاده شده و استادان را از مراجعه به آن‌ها بی‌نیاز کرده است، عبارت‌اند از: العروة الوثقی، تحریر الوسيلة، منهاج الصالحین، توضیح المسائل و استفتائات مراجع عظام تقلید: حضرت امام، رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خویی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله فاضل، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله صافی، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله وحید، آیت‌الله نوری همدانی و آیت‌الله شبیری زنجانی. تمامی استفتائات از کتاب‌ها یا سایت‌های معتبر مراجع عظام استفاده شده است. در صورت نیاز به استفتای جدید نیز هیئت علمی این استفتا را انجام داده و استفتائات یادشده، در این واحد موجود است.

این کتاب حاصل تلاش استادان و اعضای هیئت علمی اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی، حجت‌الاسلام محمد سلحشور و حجت‌الاسلام مجید داورزنی بوده و با نظارت حجت‌الاسلام والمسلمین محمد قاضی انجام شده است. سپاسمند تلاش این عزیزان بوده و امیدواریم خداوند در سایه لطف خویش، توفیق خدمت بیشتر را به ایشان عنایت فرماید.

هیئت علمی اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی



فصل اول:
احكام الهى



۱.۱. تعریف احکام

احکام در لغت، جمع حکم است و به معنای فرمان و دستور به کار می‌رود. این واژه در اصطلاح فقهی احکام، همه دستورهای عملی و فروع دین اسلام در تمام ابعاد آن است و تمامی دستورهای عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود.

۱۷



فصل اول / احکام الهی

۲.۱. نیاز بشر به احکام

هدف از آفرینش انسان، تکامل فردی و اجتماعی در امور مادی و معنوی و اخلاقی و در نتیجه رسیدن به مقام جانشینی خدا در زمین است. رسیدن به کمال مطلق هدف و مقصد آدمی است: ﴿وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ﴾^۱. عشق به کمال و رسیدن به الله، جامع همه کمالات است. این عشق در فطرت و نهاد هر انسانی است و تا خود را به آن نرساند، آرامش نمی‌یابد؛ چون‌که ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمَنُ الْقُلُوبُ﴾^۲. بنابراین، بشر به وجود قوانینی کامل و همه‌جانبه نیاز حیاتی دارد. او با این قوانین به راه مستقیم هدایت می‌شود تا بتواند خود را به کمال برساند و آرامش یابد.

قوانین بشری، گذشته از نواقص بسیار، به امور مادی و دنیوی محدود می‌شود و اغلب بر اثر خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و عادات به انحراف کشیده می‌شود یا باعث می‌شود انسان

۱. نجم، ۴۲.

۲. رعد، ۲۸.

سراب‌ها را آب و دریا بپندارد و به آن دل ببندد و از اقیانوس کمال باز بماند؛ از این رو خداوند برای هرامتی رسالت و شریعت و منهاج فرستاده است: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجاً﴾^۱.

۳.۱. لازمه پذیرفتن هر دین

هر مکتبی (مادی یا الهی) قوانین و مقرراتی دارد. هرکس به مکتبی گرایش پیدا می‌کند، به‌طور مجمل می‌داند آن مکتب تکالیفی را بر دوش او خواهد گذاشت که باید به آن ملتزم باشد. براساس این اصل کلی، هر مسلمان از لحظه‌ای که با اراده و انتخاب، دین مبین اسلام را برمی‌گزیند و به این آیین مقدس و آسمانی می‌گردد، به‌طور سربسته می‌داند این مکتب الهی تکالیف و دستورهای را از جانب خداوند عالم بر عهده او می‌گذارد و در صورت مخالفت با آن تکالیف، مستحق عقوبت اخروی خواهد شد؛ از این رو برای اینکه از سقوط در پرتگاه مخالفت با تکالیف اجتناب کند، لازم است تکالیف و احکام الهی را فرا بگیرد.

۴.۱. وظیفه انسان در قبال احکام الهی

انسان باید احکام را به‌گونه‌ای انجام دهد تا دیگر وظیفه و تکلیفی بر عهده‌اش نباشد. سه راه برای برداشتن تکلیف بیان شده است: ۱. اجتهاد؛ ۲. احتیاط؛ ۳. تقلید.

مسلمان باید در احکام^۱ دین،^۲ یا مجتهد باشد و بر طبق اجتهاد خودش عمل کند یا از مجتهد تقلید کند؛ یعنی به دستور او رفتار کند، یا در صورتی که به کیفیت احتیاط آشناست، به احتیاط عمل کند؛ به طوری که یقین کند تکلیف خویش را انجام داده است (مراجع).^۳

-
۱. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، فصل ۲، «غیر ضروری دین»، احکام اجتهاد و تقلید، م ۱؛ توضیح المسائل، م ۱؛ نوری، توضیح المسائل، تقلید، غیر ضروری دین، م ۱.
 ۲. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، کسی که قطع ندارد، تقلید، مسئله ۱؛ احکام الشرعیه، تقلید، م ۱۰.
 ۳. سید علی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۷؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۱؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی: «و رفتار روزمره اش»؛ ناصر مکارم شیرازی: «و سایر اعمال»؛ محمدرضا گلپایگانی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین؛ جواد تبریزی؛ سید محمود شاهرودی: «و سایر افعال و تروکش»، ج ۱، تقلید، م ۱؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی: «و سایر اعمال و تروکش»، ج ۲، تقلید م ۱؛ هدایة العباد، لطف الله صافی گلپایگانی، «و سایر اعمال»، ج ۱، تقلید م ۱؛ جامع المسائل، لنکرانی، محمد فاضل موحّدی، ج ۲، س ۹؛ الاحکام الواضحه، تقلید م ۹؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، تقلید؛ حسین نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۱؛ لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۱؛ محمد علی اراکی، توضیح المسائل، م ۱؛ سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد؛ لطف الله صافی گلپایگانی، ج ۱، م ۱.



فصل دوم: اجتهاد



۱.۲. تعریف

«اجتهاد» در لغت به معنای تلاش تا سرحد توانایی است؛ به گونه‌ای که با تحمل رنج همراه باشد. در اصطلاح فقه عبارت است از: به کارگرفتن تلاش خویش در راه به دست آوردن احکام شرعی از راه‌ها و منابع مربوط به آن.

۲.۲. منابع فقه

۱. قرآن؛

۲. سنت: قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام؛

۳. عقل؛

۴. اجماع: اتفاق نظر فقها بر حکمی از احکام

شرعی.

۳.۲. عقل و اجماع

اگر برای حکمی از احکام، دلیلی از قرآن و سنت نیابیم، آنچه عقل بشری بدان حکم کند یا فقه‌های شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، به طوری که حاکی از رضایت معصوم باشد، می‌توان مطابق آن فتوا داد و وظیفه مکلفان را مشخص کرد.

۱.۳.۲. چرایی اختلاف فتوا

پیش از بررسی ریشه‌ها و علل اختلاف فتوا، اشاره به چند نکته بایسته است:

یکم: در مسائل نظری هر رشته‌ای، متخصصان و دانشمندان آن، در برخی مسائل با یکدیگر اختلاف نظر دارند. دانش فقه و



اجتهاد نیز این چنین است. مجتهد باید در تمامی احکام و مبادی آن، تلاش کند و به نقطه فکری و اجتهادی خاصی برسد. طبیعی است که نمی توان انتظار داشت در صدها مسئله فقهی، بین دو یا چند نفر وحدت نظر کاملی وجود داشته باشد. حتی در علوم تجربی مانند «رشته پزشکی» نیز که مبتنی بر حس و آزمایش است، اختلاف نظر و تفاوت تشخیص، طبیعی است. دوم: اختلاف فتوای مجتهدان، به هوا و هوس و منافع شخصی آنان باز نمی گردد و اگر مرجع تقلید براساس منافع شخصی فتوایی صادر کند، صلاحیت مرجعیت را از دست خواهد داد.

سوم: اختلاف فتاوا مسئله ای نیست که در این عصر پیدا شده باشد؛ بلکه این امر در زمان ائمه اطهار علیهم السلام نیز در میان اصحاب و شاگردان به چشم می خورد. در روایت عمر بن حنظله آمده است: امام صادق علیه السلام برای رفع کشمکش ها میان مردم، آنان را به فقیهان ارجاع داده است: هرگاه دو یا چند نفر از آنان در فهم روایات و استنباط احکام اختلاف نظر داشتند، به کسی مراجعه کنید که اعلم و باتقوا تر است.^۱ در اینجا بدون اینکه حضرت اختلاف نظر میان آنان را سرزنش کند، آن را امری بدیهی تلقی می کند. چهارم: مجتهدان در بسیاری از مسائل فقهی از جمله مسائل ضروری و قطعی دین (مانند وجوب نماز و روزه و احکام وضو) و نیز در بسیاری

۱. وسائل الشیعه، کتاب القضاء، باب ۹، حدیث ۱.

از احکام فرعی اتفاق نظر دارند و حوزهٔ اختلاف، تنها در بعضی از احکام فرعی است.

پنجم: خداوند متعال در هر مسئله‌ای، بیش از یک حکم ندارد و فقیهان به دنبال یافتن حکم خدا هستند. اگر برخی فقیهان اشتباه کنند، حکم خدا تغییری نمی‌کند و متعدد نمی‌شود؛ اما مجتهد و مقلدان، چون تلاش کرده و به وظیفهٔ خود عمل کرده‌اند، از لطف و ثواب الهی بهره‌مند می‌شوند.

پس از این مقدمات، اکنون به بررسی ریشه‌ها و عوامل اختلاف فتاوا می‌پردازیم. دانش فقه و اجتهاد بر مجموعه‌ای از مبادی و اصول فکری مبتنی است و اختلاف در فتوا از آنجا سرچشمه می‌گیرد. آن اصول عبارت‌اند از:

۱. اصول فقه: یکی از مبادی مهم و اساسی فقه، علم اصول است. این علم به شناخت مسائلی همچون اوامر، نواهی، مفاهیم، اجماع، خبر واحد و متواتر، تعارض، استصحاب، برائت و... می‌پردازد و مجتهد برای استنباط احکام فقهی، از نتیجهٔ آن سود می‌جوید. هریک از این موضوع‌ها، اندیشه‌های گوناگونی را در خود دارد و تأثیر این اختلاف، در تفاوت فهم حکم الهی نمایان می‌شود.

۲. ادبیات عرب: این علم شامل صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت می‌شود و یکی از مقدمات اجتهاد به شمار می‌رود. گاهی اختلاف فقیهان، به اختلاف در مسائل نحوی و صرفی باز می‌گردد.

۳. درایه: شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست. گاهی تفاوت فتوا، از اختلاف در شناخت معانی و مفاهیم الفاظ نشئت می‌گیرد.

۴. علم رجال: در زمان معصومان علیهم‌السلام سند و مدرک روایات و شناخت راویان و ناقلان احادیث، کمتر لازم بود؛ زیرا احادیث و احکام را یا از خود معصوم می‌پرسیدند یا راوی را به علت نزدیکی زمانی با معصوم، می‌شناختند. اما در زمان‌های بعد احادیث با واسطه‌های بسیاری نقل می‌شد و عده‌ای در این میان، به دروغ روایاتی را جعل می‌کردند. از این رو در زمان غیبت، شناسایی راویان سالم از غیر آن‌ها ضروری شد و به همین جهت علم رجال پایه‌گذاری شد. در این علم، روایات را به معتبر و غیرمعتبر تقسیم می‌کنند و براساس آن گاهی یک روایت نزد مجتهدی، معتبر شناخته شده و نزد دیگری ضعیف محسوب می‌شود. این امر عامل بسیار مهمی برای پیدایش اختلاف فتاوا به شمار می‌رود.

۵. منطق: علم درست‌اندیشیدن و استدلال کردن.

۶. تفسیر و علوم قرآن و حدیث.

۷. آشنایی با محاورات عرفی و زبان مردمی که مخاطب قرآن و سنت بوده‌اند.

۸. آشنایی با گفته‌ها و نظریات پیشینیان، برای پرهیز از واقع‌شدن در خلاف شهرت و اجماع.

۹. بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص

در مواضع تعارض اخبار.

۱۰. تلاش درجهت استنباط احکام و تمرین در

آن؛ به حدی که ملکه استنباط حاصل شود.^۱

با فراگیری علومى که گفته شد و با وجود

شروط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه

استنباط کرده است، عمل کند و چنانچه در

استنباط خود اشتباه کند، معذور است.^۲

۲۷



فصل دوم / اجتهاد

۴.۲. چند مسئله درباره اجتهاد

۲.۴.۱. وجوب اجتهاد

اجتهاد، واجب کفایى است و اگر فردی

(به قدر کفایت) بر این امر اقدام کردند،

تکلیف از دیگران ساقط است (حضرت امام و

آیت الله بهجت).^۳

۲.۴.۲. فتوادادن کسی که مجتهد نیست

کسی که اهلیت فتوادادن ندارد (غیرمجتهد)،

فتوادادن بر او حرام است (حضرت امام و

آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، تبریزی،

بهجت، مکارم، شاهرودی، اراکی، گلپایگانی و

نوری).^۴

۱. سیدروح الله خمینی، الرسائل، ج ۲، ص ۹۶.

۲. سیدروح الله خمینی، الرسائل، ج ۲، ص ۹۹.

۳. سیدروح الله خمینی، آموزش فقه، ص ۲۱؛ محمدتقی بهجت، جامع المسائل.

ج ۱، احکام اجتهاد و تقلید، س ۱.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۴۳؛ محمدعلی اراکی؛

محمدرضا گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدعلی سیستانی، منهاج

الصالحین؛ جواد تبریزی؛ سیدمحمد شاهرودی، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ حسین

وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲۱؛

محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، احکام اجتهاد و تقلید، فصل ۲، س ۳۰.



کسی که اهلیت فتوادادن ندارد، بنا بر احتیاط واجب، فتوادادن بر او حرام است (آیت الله فاضل).^۱

۳.۴.۲. فتوادادن مجتهد غیر جامع الشرایط

برای مجتهدی که سایر شروط مرجعیت را ندارد، فتوادادن به قصد عمل کردن غیر خودش به آن، حرام است (آیات عظام سیستانی، وحید، تبریزی و خویی).^۲

۴.۴.۲. مجتهد شدن بانوان

اجتهاد به مردان اختصاص ندارد. بانوان نیز می توانند در این رشته علمی تحصیل کنند و به مرحله اجتهاد برسند (حضرت امام و آیات عظام مکارم و نوری، آیت الله فاضل: باید به اجتهاد خودش عمل کند).^۳

بر هر مکلفی، در عبادات و معاملاتش واجب است مجتهد یا محتاط یا مقلد باشد (مشهور مراجع).^۴

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۴۳.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین؛ سید علی سیستانی، ج ۱، م ۲۱؛ سید ابوالقاسم

خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۱، م ۲۱.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۱؛ ناصر مکارم شیرازی،

استفتائات، ج ۱، س ۲۴؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۱۰؛ محمد فاضل لنکرانی،

جامع المسائل، ج ۳، س ۲۹ و ج ۳، س ۳۰؛ سید روح الله خمینی، استفتائات،

ج ۱، س ۵۴.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۱؛ سید روح الله خمینی؛

محمد فاضل لنکرانی؛ «و رفتار روزمره اش»؛ ناصر مکارم شیرازی؛ «و سایر

اعمال»؛ حسین نوری همدانی؛ محمد رضا گلپایگانی؛ محمد علی اراکی؛

سید علی سیستانی، منهاج الصالحین؛ جواد تبریزی؛ سید محمود شاهرودی،

ج ۱، تقلید، م ۱؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی؛

«و سایر اعمال و تروکش»، ج ۲، تقلید، م ۱؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة

العباد، «و سایر اعمال»، ج ۱، تقلید، م ۱.



فصل سوم:
احتياط



۱.۳. تعریف

احتیاط این است که شخص اعمال خود را به نحوی انجام دهد که یقین کند مطابق وظیفه خود عمل کرده و تکلیف خود را انجام داده است (آیت الله فاضل).^۱

سؤال: چه کسی می تواند احتیاط کند؟ پاسخ: عمل به احتیاط برای همه جایز است؛ ولی باید مواضع احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این مواضع را می شناسند؛ چون شناخت آن ها کار دشواری است و مستلزم اطلاع کامل درباره کیفیت آن (در احتیاط، انسان باید مجتهد باشد یا در همین احتیاطش، تقلید کند) (حضرت امام و آیات عظام اراکی و گلپایگانی، آیت الله صافی متن داخل پرانتز را ندارد).^۲

چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی مواضع و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر این است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند (رهبر معظم انقلاب).^۳

کسی که می خواهد احتیاط کند، باید مجتهد

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۳.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲ و م ۶۶؛ محمد علی اراکی؛ محمد رضا گلپایگانی؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۱؛ آیت الله گلپایگانی: «پرسش: علما فرموده اند باید مکلف یا مجتهد باشد یا محتاط یا مقلد. ظاهراً حصر عقلی است و صورت چهارمی ندارد. پس اینکه بعضی فرموده اند در نفس عمل به احتیاط هم باید تقلید کند، یعنی چه؟ پاسخ: نفس عمل به احتیاط یکی از موضوعات است و اگر به اجتهاد نتواند حکم آن را استنباط کند، باید تقلید کند. در خود این موضوع، احتیاط ممکن نیست؛ مگر به ترک آن» (مجمع المسائل، ج ۱، س ۳۴)؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۱.

۳. سید علی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲ و تحریر المسائل، م ۱۱.



باشد یا در اصل جواز عمل به احتیاط و عدم آن از مجتهد تقلید کند (آیات عظام فاضل و مکارم).^۱

از آنجا که شرط عمل به احتیاط در احکام شرعی، آگاهی کامل به مواضع احتیاط است که فقط عدّه اندکی از آن اطلاع دارند، تقلید برای عموم مردم بهتر است (آیات عظام بهجت).^۲ اقوا جواز ترک تقلید و عمل به احتیاط است؛ ولی معرفت مواضع احتیاط غالباً برای عوام متعذر یا متعسر است (آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، شاهرودی و تبریزی).^۳

عمل به احتیاط اگر موجب عسر و حرج نباشد، راجح است؛ ولی باید به این مطلب توجه کرد که در بسیاری از مواضع در خودِ عمل به احتیاط نیز باید یا مجتهد باشد یا تقلید کند (آیت الله نوری).^۴

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲، محمد فاضل لنکرانی در عروه: «او یحتاج فی کیفیه ایضاً»: ناصر مکارم شیرازی: «اما با وجود رسیدن به حکم شرعی به وسیله اجتهاد یا تقلید، احتیاط خوب نیست»؛

محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۲، و ج ۱، س ۳.

۲. محمد تقی بهجت، استفتانات، ج ۱، س ۴۳ و وسیلة النجاه، ج ۱، تقلید.

۳. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲؛ آیت الله خویی: «در احتیاط، انسان باید یا مجتهد باشد یا در همین احتیاطش تقلید کند»؛ آیت الله سیستانی: «یا با علم وجدانی احتیاط کند»؛ آیت الله تبریزی: «در عمل به احتیاط باید کیفیت احتیاط را بداند و اصل جواز آن را باید تقلید کند و در تقلید اگر به نحو صحیح باشد، مجزی است»؛ جواد تبریزی، استفتانات، ج ۲، س ۲۰ و منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، م ۱۷ و توضیح المسائل، م ۱.

۲.۳. نحوه احتیاط

مراد از احتیاط در مواضع آن، رعایت همه احتمالات فقهی است؛ به طوری که مکلف مطمئن شود به وظیفه خود عمل کرده است (رهبر معظم انقلاب).^۱

پرسش: برای شخص محتاط آیا حدود دایره احتیاط در احکام بین فقهاست و آیا واجب است فتاوی فقهی گذشته را داخل کرد یا خیر؟ پاسخ: بلی لازم است (آیت الله نوری).^۲

۳۳

فقه
احکام

فصل سوم / احتیاط

۳.۳. احتیاط به یکی از روش‌های زیر

است:

- انجام دادن عملی؛
- ترک عملی؛
- جمع کردن دو عمل؛ مانند جمع بین نماز ظهر و جمعه، جمع بین قصر و اتمام؛
- تکرار عمل؛ مانند به چند جهت نماز خواندن در جایی که قبله معلوم نیست؛
- ترک احتیاط: مثلاً در تسبیحات اربعه احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود؛ اما در صورتی که وقت تنگ باشد و به علت سه مرتبه گفتن، بعض نماز خارج از وقت خوانده شود، احتیاط، بلکه لازم، ترک این احتیاط است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، سیستانی، مکارم، خویی، بهجت، گلپایگانی، اراکی و نوری).^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۳ و تحریر المسائل، م ۹.

۲. حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۸.

۳. عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳ و ۶۶؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛

۴.۳. رعایت آرای فقیهان گذشته در

احتیاط

در احتیاط، اگر غرض احتیاط‌کننده احراز حجت فعلیه باشد، رعایت آرای فقیهان گذشته لازم نیست؛ به‌خلاف اینکه غرض احراز واقع باشد (آیت‌الله بهجت).^۱

کسی که به احتیاط عمل می‌کند، اگر مقصودش احتیاط مطلق است، باید همه اقوال را ببیند و اگر هدفش احتیاط بین محتمل المرجعیه‌هاست، تنها آگاهی از اقوال علمای زنده برای او کافی است (آیت‌الله مکارم).^۲ پرسش: برای شخص محتاط، آیا داخل کردن فتاوی فقه‌های گذشته هم لازم است؟ پاسخ: بلی، برای رعایت احتیاط کامل، باید فتاوی علمای جامع‌الشرایط تقلید در گذشته نیز ملاحظه شود (آیت‌الله صافی).^۳

۳۴



احکام تقلید

سیدعلی سیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدعلی اراکی؛ محمدرضا گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، تقلید، م ۱ و استفتائات، ج ۱، س ۴۵ و ۴۶ و ۴۸.

۱. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، تقلید، م ۱ و استفتائات، ج ۱، س ۴۵ و ۴۶ و ۴۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۰.

۳. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۲.



فصل چہارم:
تقلید



۱.۴. تعریف

تقلید به معنای دنباله‌روی است و در اصطلاح فقهی، یعنی عمل کردن به آنچه مجتهد در مسائل شرعی فتوا می‌دهد.

افکار عمومی تقلید را به معنای پیروی بدون چون و چرا نمی‌پذیرند؛ اما در آموزه‌های فرهنگ اسلامی، مقلد کسی است که از حاصل تلاش علمی مجتهد استفاده می‌کند و مسئولیت درستی و نادرستی استنباط احکام را بر عهده مجتهد می‌گذارد.

۲.۴. ضرورت تقلید

تقلید به معنای رجوع غیرمتخصص به متخصص است. به همان دلیل است که در مسائل طبی به طبیب و در مسائل ساختمانی به مهندس ساختمان و در سایر کارها به اهل خبره آن مراجعه می‌کنیم. در احکام اسلام نیز باید به فقیه مراجعه کنیم. فقیه متخصص در دین است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (= اگر چیزی را نمی‌دانید، از اهل اطلاع سؤال کنید).

۳.۴. تقلید و عقل

اینکه احکام شرعی خود را با توجه به عقل و منطق انجام می‌دهیم، یعنی چه؟ مثلاً شما چگونه از راه عقل می‌فهمید مبطلات روزه چیست؟ کفاره روزه عمد چیست؟ زکات فطره چه مقدار باید باشد؟ نمازهای یومیه چند تا

و چند رکعت است و چه اجزا و شروطی دارد؟
حقوق دریاها و فلات قاره از نظر دینی چیست؟
و صدها و هزارها مسئله دیگر.

واقع مطلب این است که هیچ یک از ما
نمی‌توانیم احکام دینی خود را مستقلاً از طریق
عقل به دست آوریم و انجام دهیم؛ بلکه در
همان اموری که به گفته خود تقلید نمی‌کنیم،
مقلد هستیم؛ ولی به جای اینکه مثلاً رساله
مجتهدی را برداریم و مطابق با آن عمل کنیم،
براساس آنچه از دیگران دیده و با آن خو
گرفته‌ایم، عمل کرده و از عرف و عادت عمومی
تقلید می‌کنیم. یعنی در واقع به جای اینکه
مستقیماً از متخصص و کارشناس، مسائل دینی
را بیاموزیم، با واسطه از غیرمتخصص می‌گیریم.
گاه نیز ممکن است بنا به پندارهای خود و
به سبب ندانستن دلایل و منابع حکم، با آن
بستیزیم و آن را خلاف عقل به حساب آوریم؛
در حالی که با اندکی جست‌وجو و با مراجعه
به کارشناسان دین در خواهیم یافت که
دانش ما در این زمینه ناقص بوده است. در
چنین زمینه‌هایی، همان عقل و منطق که
مستند برخی از مدعیان روشن‌فکری است،
حکم می‌کند انسان باید از طریق دین‌شناس و
متخصص، احکام دین را فرا بگیرد و ناشیانه و
با پندار، به بیراهه نرود.

به عبارت دیگر می‌توان گفت عقل دو گونه
است:

الف. عقل ورزیده و کارشناختی: این همان

عقل و دانش تخصصی است و عقلای بشر همواره در اموری که از آن آگاهی ژرف ندارند، به اندیشه و دانش کارشناس مراجعه می‌کنند.

ب. عقل خام و بالقوه: چنین عقلی در مرحلهٔ پیش از تخصص است. کسی که در چنین مرحله‌ای قرار دارد، همواره به متخصص نبودن خویش اعتراف می‌کند و چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه در امور به متخصص مراجعه کند. البته راه دراز دیگری نیز وجود دارد و آن، عمری زحمت علمی برای یافتن تخصص است. این نیز روشی نیکوست؛ ولی تا پیش از رسیدن به آن، چاره‌ای جز پیروی از کارشناس نیست.

ناگفته نماند گاهی قدرت تشخیص عقل و حکم عقل با فرایند برخی اندوخته‌های فکری انسان که حاصل تأثیرپذیری از محیط و تجربیات بشری و خواسته‌های شخص است، اشتباه می‌شود و آدمی تشخیص شخصی خود را حکم عقل به شمار می‌آورد. اینجا همان لغزشگاهی است که بسیاری گرفتارش می‌شوند. آنگاه که تشخیص شخصی خود را با احکام دینی در تضاد می‌بینند، فکر می‌کنند دین و عقل ناسازگارند یا انتظار دارند احکام دینی با تشخیص خودشان منطبق باشد. درحالی‌که حکم عقل در شناخت بدیهیات است که خطاپذیری در آن راه ندارد. چنین حکم عقلی با حکم شرع منافات ندارد. همچنین گفته‌ها و روش و منش عاقلان به دور از هرگونه قومیت و رنگ و نژاد، بیانگر فطرت مشترک انسان‌هاست. این مسئله در تشخیص

احکام شرعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و با شرع ناسازگار نیست.

آنچه عقل حکم می‌کند، زشتی ناهنجاری و سیاهی ظلم است. اما اینکه چه چیزهایی موجب ناهنجاری و ظلم می‌شود، عقل به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست؛ به‌ویژه اگر در گستره ابعاد ناهنجاری علاوه بر جسم و روان، معنویت نیز ملاحظه شود.

پیشینه تقلید

مراجعه به فقیه و اسلام‌شناس برای آگاهی از احکام الهی و اطمینان به درستی اعمال، در تاریخ صدر اسلام و عصر ائمه علیهم‌السلام ریشه دارد و طبق نظر برخی از بزرگان، دو آیه در این زمینه نازل شده است؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱ (=... اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید). «اهل ذکر» در روایات به امامان علیهم‌السلام تفسیر شده است که مصداق بارز و کامل آیه هستند؛ با وجود این، شأن نزول و مورد، کلیت آیه را تخصیص نمی‌زند و به آنان محدود نمی‌سازد و شامل هر اهل خبره‌ای می‌شود. فقیهان نیز از جمله این اهل خبره هستند.

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۲ (= شایسته نیست

۱. انبیاء، ۲۱.

۲. توبه، ۱۲۲.

مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند. چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند [و طایفه‌ای بمانند] تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را انذار کنند تا [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند؟) تردیدی نیست که «فقّه» در این آیه، مفهومی گسترده دارد و شامل معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع دین، می‌شود. از سوی دیگر مردم به پذیرش سخنان این گروه دعوت شده‌اند که در حوزه دین تربیت و پرورش یافته‌اند. این همان رجوع به فقیه و اهل خبره است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برخی از صحابه را برای تبلیغ و تعلیم احکام دین به سرزمین‌های اطراف می‌فرستاد. مصعب بن عمیر و معاذ بن جبل از نمونه‌های بارز این افراد به شمار می‌آیند. آن حضرت می‌فرمود: «از افتای بدون علم خودداری کنید که لعن فرشتگان را به دنبال خواهد داشت.»^۱ این امر نشانگر این است که فتوادادن از سوی مفتی و فقیه و تقلید و پیروی کردن از طرف مردم، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطرح بوده و رجوع به فقیه پس از رحلت آن حضرت نیز همانند گذشته ادامه داشته است تا اینکه در دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام فزونی گرفت. فقیهان بی‌شماری در مکتب آن دو بزرگوار تربیت و پرورش یافتند و به منظور احیا

۱. محمد حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۴ و ۷.

و تعلیم احکام، به شهرهای مختلف کوچ کردند و بسیاری از مردم که شیفته و تشنه معارف و احکام الهی بودند و در نقاط دوردست زندگی می کردند و دستشان از اهل بیت کوتاه بود، به سراغ آنان می رفتند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند و از علم بی کران ائمه علیهم السلام سیراب می شدند. این همان «تقلید» است. اکنون به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. حضرت باقر علیه السلام به ابان بن تغلب می فرماید: «اجلس فی مسجد المدینه و افت الناس فائی احب ان اری فی شیعتی مثلك.» (= در مسجد مدینه بنشین و به مردم فتوا بده؛ زیرا دوست دارم در میان شیعیانم کسانی همچون تو باشند).^۱

۲. شعیب عرقوقی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «رُبما اُختَجنا ان نَسألَ عَنِ الشَّيْءِ فَمَنْ نَسألُ؟» (= گاهی می خواهیم سؤال و مشکل دینی خود را از کسی بپرسیم [و به شما به جهت دوری راه یا حالت تقیه و دسترسی نداریم]. به چه کسی باید رجوع کنیم و سخن او را بپذیریم؟) حضرت در جواب فرمود: «عَلَيْكَ بِالْأَسَدِيِّ يَعْنِي أبا بَصِير.» (= می توانید به ابوبصیر مراجعه کنید).^۲

این امر به همین شکل در عصر امامان بعد نیز تا زمان غیبت صغرای حضرت مهدی S ادامه یافت.

۱. میرزا حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، باب ۱۱.

۲. محمد حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۱۱.

۳. حسن بن علی بن یقطین می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «لا اکادُ اصِلُ إِلَيْكَ اسْأَلُكَ عَنْ كُلِّ مَا احتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي. اَفَيُؤْنَسُ بِنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ ثِقَةً أَخَذُ مِنْهُ مَا احتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي؟» (=نمی توانم درباره همه مشکلات دینی که برایم پیش می آید، از شما سؤال کنم. آیا یونس بن عبدالرحمان ثقه خود را از او دریافت کنم؟) امام علیه السلام فرمود: «نَعَمْ».^۱

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در توقیع شریف و معروف خود به اسحاق بن یعقوب به عنوان قاعده ای کلی، این چنین می نگارد: «و اما الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ احَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ و اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».^۲ (=در پیشامدهایی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما (فقه) مراجعه کنید. آن ها حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر ایشان.)

براساس این توقیع و دیگر روایات، مسئله رجوع به فقیه در عصر غیبت کبرا، شکل دیگری به خود گرفت و دوره «اجتهاد» و «تقلید» باز شد و فقیهان و مجتهدان جامع شرایط، مسئولیت افتا و پاسخ گویی را به عهده گرفتند و خلأ و مشکل نداشتن دسترسی به امام معصوم را با حضور خود در عرصه اجتماع پر کردند. این امر تاکنون ادامه دارد و خواهد داشت؛ چنان که شیخ

۱. محمد حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۱۱.

۲. محمد حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۱۱.

طوسی می‌گوید: «شیعه امامی را از زمان حضرت علی علیه السلام تاکنون (قرن پنجم هجری) این‌گونه یافتیم که پیوسته سراغ فقیهان خود می‌رفتند و در احکام و عبادات خود از آنان استفتا می‌کردند. بزرگان آنان نیز پاسخ و راه عمل به فتوا را به آنان نشان می‌دادند.»^۱

۴.۴. محدوده تقلید

از چه کسی؟ از مجتهد جامع الشرایط. تقلید در اصول دین جایز نیست (اجماع).^۲
در چه چیزی؟

۱. ضروریات دین؛ مانند اصل وجوب نماز و روزه؛ نیاز نیست (اجماع).^۳ در فروع دین
۲. غیر ضروریات دین؛ برای غیر مجتهد واجب است (اجماع).^۴

۱. شیخ طوسی، عدة فی اصول الفقه.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۷۶؛ سید روح الله خمینی، ناصر مکارم شیرازی، محمد فاضل لنکرانی، سید علی سیستانی، سید ابوالقاسم خویی، «محل تقلید و مورد آن، احکام فرعیة عملیه است؛ پس تقلید در اصول دین و نه در مسائل اصول فقه و نه در مبادی استنباط جاری نمی‌شود؛ مثل نحو و صرف و مانند این دو و نه در موضوعات مستنبطه عرفیه یا لغویه و نه در موضوعات صرفه. پس هرگاه مقلد مثلاً در مایعی شک کرد که آیا خمر است یا سرکه و مجتهد گفت که آن خمر است، تقلید او جایز نیست» (سید روح الله خمینی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۴۱۰)؛ توضیح المسائل مراجع، م ۱؛ سید روح الله خمینی، استفتانات، ج ۱؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، مجاز و غیر مجاز، س ۴؛ آیات عظام تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، اراکی، نوری همدانی و زنجان، توضیح المسائل، م ۱؛ جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، س ۵۹.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، س ۳.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱؛ محمد تقی بهجت، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۶۸؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۱؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۱ و استفتانات، ج ۱، س ۵۹.

۳. تقلید در واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات و مباحات واجب است (مشهور مراجع) (البته تفصیلاتی دارد که در بحث «تقلید در احکام پنجگانه» بیان می‌شود).^۱

۴. در موضوعات به عهده خود مکلف است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت، وحید، مکارم و تبریزی)^۲ (تفصیلی دارد که در بحث «نظر مرجع تقلید در موضوعات محضه یا صرفه» ذکر شده است).

۴.۵. آشنایی با اصطلاحات

۴.۵.۱. فتوا

فتوا بیان حکم کلی الهی است که آن را مجتهد استنباط کرده است. البته تطبیق آن بر موضوعات و مصادیق آن، بر عهده مقلد است. مثال: اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست. یا: در صورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد، حق فسخ معامله را دارد.

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹، سید روح الله خمینی، ناصر مکارم شیرازی، محمد علی اراکی، سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱؛ هدایة العباد، ج ۱، م ۱؛ منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱؛ محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۶۶.

۲. سید روح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید، م ۴۱۴۰؛ محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۰۲۶۹؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س ۱۰۲؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۵۹.



۴. ۵. ۲. الفاظ دال بر فتوا

۱. بعید نیست.^۱
 ۲. الاقوی ذلك و ان لم یخل عن اشکال.^۲
 ۳. بنا بر اقوا.^۳
 ۴. یجب علی اشکال.^۴
 ۵. لا اشکال فیه.^۵
 ۶. اقوا.^۶
 ۷. اظهر آن است.^۷
 ۸. اقوا آن است.^۸
 ۹. حرام است.^۹
 ۱۰. جایز است، جایز نیست.^{۱۰}
- الفاظ زیر فقط در جامع المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:
۱. محل اشکال، بل عدم الاعتبار لا یخلو من قوة.
 ۲. بعید است.
 ۳. لا تخلو من الاشکال و ان لا تخلو من قوة.
 ۴. لازم است.

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹؛ سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل مراجع، م ۷؛ جواد تبریزی، استفتانات جدید، ج ۱، م ۴۸.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۰؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۲۷.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹؛ سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۳۱.

۵. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۶. سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج ۱، تقلید، م ۴۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۱؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۷. سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل مراجع، م ۷؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۸. سیدموسی شبیری زنجان، توضیح المسائل مراجع، م ۷.

۹. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۱۰. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۷.

۵. بنا بر اظهر.
۶. الاحوط کذا، بل لا یبعد ذلك.
۷. فيه نظر بل منع.
۸. محل نظر بل منع.
۹. بل الظاهر العدم.
۱۰. کفایتها لا تخلو عن قوة.
۱۱. لا یبعد.
۱۲. باید.
۱۳. فيه نظر بل منع.
۱۴. خالی از وجه نیست.
۱۵. بل لا یخلو عن قوة.
۱۶. الاشتراط لا یخلو عن وجه بل عن قوة.
۱۷. فيه اشکال بل منع.
۱۸. هو الاقرب.
۱۹. وان كان في غاية البعد
۲۰. يجب على تأمل.
۲۱. ظاهراً.
۲۲. فی ثبوتها بالعدل الواحد اشکال بل منع.^۱

۴. ۵. ۳. احتیاط واجب

اگر دلیل مسئله‌ای شرعی، به طور صددرصد برای مجتهد روشن باشد، درباره آن مسئله به صراحت فتوا می‌دهد؛ ولی گاه به عللی از فتوا و نظردادن خودداری کرده و در مسئله احتیاط می‌کند. این عمل یا به جهت این است که دلیل مسئله به خوبی و به طور صددرصد

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲ و ۳۹ و ۴۰ و ج ۲، س ۳۱ و ج ۱، س ۳۱.



برای او روشن نیست یا اینکه نظر او با همه یا بیشتر فقها تفاوت دارد و به منظور رعایت احتیاط و تقوا، به خلاف آنان فتوا نمی‌دهد و احتیاط می‌کند یا به جهت عوامل دیگری که در کتاب‌های استدلالی ذکر شده است. این نوع خودداری از فتوادادن را «احتیاط واجب» گویند. در این زمینه، مقلد یا باید به این احتیاط عمل کند یا به فتوای مجتهدی عمل کند که بعد از او اعلم است.

۴.۵.۳.۱. الفاظ دال بر احتیاط واجب یا در حکم

احتیاط واجب

۱. محل تأمل.^۱

۲. محل اشکال.^۲

۳. فیه تأمل، فیه اشکال، المشهور کذا، قیل

کذا.^۳

۴. خالی از اشکال نیست.

۵. هو مشکل.

۶. وجوبه مبنی علی الاحتیاط.

۷. فیه اشکال، مشکل، لا یخلو من اشکال.^۴

۸. مشکل کذا.

۹. فی قوته اشکال.

۱۰. القوة ممنوعة.

۱. رساله مراجع، م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲.

۲. رساله مراجع، م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲.

۳. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی

و سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ ج ۱، تقلید، م ۳۱.

۴. سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۵۰ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۱۱. مشکل، فيه اشکال^۱ اشکال دارد.^۲
 ۱۲. الاحوط وجوباً (احتیاط واجب).^۳
 ۱۳. الاحوط لزوماً (احتیاط لازم).^۴
 ۱۴. بنا بر احتیاط، بنا بر احوط.^۵
- این الفاظ در جامع المسائل آیت الله فاضل ذکر شده است:

۱. مشکل و کذا فی الثانی بل هو اشد اشکالاً.
 ۲. محل تأمل و اشکال.
 ۳. لا یخلو من الاشکال.
 ۴. علی اشکال فیها.
 ۵. فی کفایت اشکال.
 ۶. و فی ایجاب لکذا اشکال و الاحوط کذا.
 ۷. فی اطلاقه اشکال.
 ۸. اشتراط هذا الامر مشکل.
 ۹. محل نظر و اشکال.
 ۱۰. تشکل صحتها.
 ۱۱. محل تأمل و الاحوط فيه الاعادة.
 ۱۲. العفو لا یخلو عن وجه.
 ۱۳. لا یخلو عن تأمل.^۶
- استثنا (احتیاط واجب هایی که نزدیک به فتوا هستند و به عالمی دیگر نمی توان رجوع کرد):

۱. سیدروح الله خمینی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۴۷ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، تقلید، س ۳۱.

۳. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۸.

۴. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، م ۸.

۵. سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد.

ج ۱، م ۳۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹ و ۴۲ و ج ۲،

س ۳۱ و ۳۳.

۶. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۹ و ۴۲ و ج ۲، س ۳۱ و ۳۳.

هذا هو الاحوط لو لم يكن اقوى، لا يخلو
من قرب (آيات عظام فاضل، خویی و تبریزی؛
آیت الله سیستانی: در حکم احتیاط واجب
است).^۱

الاحوط لو لم يكن اقوى، الاحوط لو لم يكن او
اظهر (آیت الله تبریزی: فتواست).^۲

۴.۵.۳.۲. فرق فتوا و احتیاط واجب

عمل به فتوا واجب است و نمی توان از آن
رجوع کرد؛ اما در احتیاط واجب می توان به
مجتهد بعد که عالم تر^۳ از بقیه مراجع است،
رجوع کرد (اجماع، غیر از آیت الله شبیری
زنجان).^۴

اگر مجتهد اعلم در مسئله ای فتوا دهد، مقلد

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲؛ آیات عظام خویی و تبریزی؛
آیت الله فاضل، صراط النجاه، ج ۱، ص ۱۸، س ۲۱؛ آیت الله سیستانی، استفتای
کتبی خصوصی.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳۱.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۳؛
سید ابوالقاسم خویی: این زمانی است که به مخالفت فتوا علم داشته باشیم؛
و گرنه مراعات الاعلم فالاعلم واجب نیست.

۴. رساله مراجع، م ۷؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳۴؛
سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۳، محمد
فاضل لنکرانی؛ سید علی سیستانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛
محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛
استفتائات، سید روح الله خمینی، ج ۱، تقلید، س ۵۱؛ سید ابوالقاسم خویی،
استفتائات، تقلید، س ۲۳ و ۲۴؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل،
م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۱۷؛ سایت، ناصر
مکارم شیرازی، «رجوع به مساوی هم جایز است؛ اما به میت نمی توان رجوع
کرد»، تقلید، اصطلاحات فقهی، س ۲ و بقای بر تقلید، میت، س ۱۰ و تقلید،
میت، س ۵؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۷ و استفتائات، ج ۱، س ۴۰؛
توضیح المسائل، سید ابوالقاسم خویی، م ۷؛ توضیح المسائل، محمد علی
اراکي، م ۷؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۷ و
مجمع المسائل، ج ۱، س ۲۲؛ لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۷؛
حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، س ۱۱.

آن مجتهد نمی‌تواند در آن مسئله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند. گفتنی است علاوه بر مسائلی که بدون هیچ قیدی ذکر شده است، مسائلی که در آن عباراتی نظیر «اقوا آن است»، «بنا بر اقوا»، «اظهر آن است» و «بعید نیست» به کار رفته است، فتواست.

احتیاط بر سه قسم است:

۱. احتیاط مستحب: در جایی است که قید «استحبابی» یا «مستحب» همراه احتیاط آمده است؛ مثل اینکه گفته شود: «احتیاط مستحب این است که پیش از نماز، اذان و اقامه گفته شود.» عمل به احتیاط مستحب، واجب نیست؛ بلکه شایسته است.

۲. احتیاط واجب: در جایی است که قید «وجوبی» یا «واجب» همراه احتیاط، ذکر شده باشد؛ مثل اینکه گفته شود: «بنا بر احتیاط واجب باید برای قضای نماز آیات غسل کرد.» عمل به این‌گونه احتیاط، واجب است و نمی‌توان در آن به فتوای مجتهد دیگر رجوع کرد.

۳. احتیاط مطلق: در جایی است که احتیاط، بدون هیچ قیدی به کار رفته است؛ مثل اینکه گفته شود: «بنا بر احتیاط باید از آب خیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب‌کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود، اجتناب کرد.» در احتیاط مطلق، مقلد می‌تواند به احتیاط عمل نکند؛ بلکه مطابق فتوای مجتهد دیگر، با رعایت

شرط اعلمیت نسبی رفتار کند. عبارت «محل اشکال است» نیز در احتیاط مطلق به کار می‌رود (آیت‌الله شبیری زنجانی).^۱

در احتیاط واجب، قبل از عمل و بعد از عمل می‌توان رجوع کرد. حالا این رجوع می‌تواند به فتوا باشد یا احتیاط واجب دیگر (با رعایت الاعلم فالاعلم) (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم و سیستانی).^۲

در احتیاط واجب مکلف می‌تواند به مجتهد دیگری که در مسئله احتیاط ندارد، بلکه فتوای صریح دارد، با مراعات الاعلم فالاعلم رجوع کند (رهبر معظم انقلاب و آیت‌الله وحید).^۳

در صورت تساوی مراجع از نظر علم یا ممکن نبودن تشخیص اعلم، مخیر هستید در احتیاط‌های واجب به هر کدام رجوع کنید؛ مگر اینکه یکی از آن‌ها اورع باشد. در این صورت بر دیگران مقدم است (آیت‌الله بهجت).^۴

در احتیاط واجب نمی‌توان به فتوای مجتهد میت رجوع کرد؛ بلکه باید به مجتهد زنده الاعلم فالاعلم رجوع کند یا به احتیاط عمل کند و در احتیاط، رجوع بعد از عمل هم مانعی ندارد (آیت‌الله تبریزی).^۵

۱. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۷.

۲. سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۳۴؛ سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۲۴؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید از چند مرجع، س ۷؛ سید علی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، استفتائات تقلید، س ۵ و ۶.

۳. سید علی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۳۹؛ حسین وحید خراسانی، مناسک حج، اصطلاحات، احتیاط واجب، ص ۳۵۰.

۴. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۸۵.

۵. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۲۸ و ۶.

پرسش: در مسائلی که حضرت آیت‌الله گلپایگانی احتیاط می‌کرد، بنده به حضرت آیت‌الله اراکی رجوع می‌کردم. حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. چه باید بکنم؟ پاسخ: در مسائلی که به مرحوم آیت‌الله آقای اراکی رحمته‌الله رجوع کرده‌اید، می‌توانید به تقلید ایشان باقی بمانید (آیت‌الله صافی).^۱

پرسش: درباره بقای بر تقلید مجتهد متوفی فرموده‌اید: اگر فرد در زمان حیات مجتهد، ملتزم شده است که به فتوای آن مجتهد عمل کند، برای بقای بر تقلید او بعد از فوت کافی است. حال شخصی در بعضی از مسائلی که احتیاط واجب یا احتیاط لازم داده‌اید به فالاعلم معین رجوع می‌کرده و ملتزم بوده است که تمامی مسائل احتیاطی را در صورت احساس نیاز به رجوع، به همان فالاعلم معین مراجعه و تقلید کند. هم‌اکنون مجتهد فالاعلم فوت کرده است. آیا بعد از فوت او باز هم می‌توان مسائل احتیاطی را که جدیداً محلّ ابتلای او می‌شود و قبلاً مراجعه نکرده است، به فالاعلم فوت شده مراجعه کند؟ پاسخ: بلی، به نظر این جانب می‌تواند (آیت‌الله سیستانی).^۲

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۳.

۲. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، استفتائات تقلید، س ۱.

۳.۳.۵.۴. تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط

در فتوا»

فتوای به احتیاط این است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد؛ مثلاً بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد و می دانی یکی از آن دو نجس است، اما نجس را نمی شناسی، باید احتیاط کرده و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلاً بگوید: «اکتفا به یک تسبیح اربعه در رکعت سوم و چهارم اشکال دارد و احتیاط این است که سه مرتبه بخوانی» (آیت الله مکارم).^۱

۴.۵.۴. احتیاط مستحب

در جایی است که مجتهد فتوای صریحی دارد؛ مثلاً گفته است یک بار تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کفایت می کند و با وجود آن احتیاط می کند و می گوید: «احتیاط این است که سه مرتبه بگویند.» این را «احتیاط مستحب» می گویند. عمل به این احتیاط واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

۱.۴.۵.۴. احتیاط بعد از فتوا یا قبل از فتوا

اگر مجتهد اعلم بعد از اینکه در مسئله فتوا داده است، احتیاط کند، مثلاً بفرماید «ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود، اگرچه احتیاط این است که سه مرتبه بشویند» مقلد او نمی تواند در آن مسئله

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۱۲، سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی،

به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند؛ بلکه باید یا به فتوا عمل کند یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب می‌گویند؛ (مگر اینکه فتوای مجتهد دیگر نزدیک‌تر به احتیاط باشد) (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، «وحید، خویی»^۱، سیستانی،^۲ نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، مکارم، اراکی، گلپایگانی و فاضل).^۳

۲.۴.۵.۴. فرق مستحب با احتیاط مستحب

مستحب سنت پیامبر و ائمه معصوم علیهم‌السلام است و انجام آن ثواب دارد؛ اما احتیاط مستحب احتمال به واقع رسیدن است.

۳.۴.۵.۴. الفاظ احتیاط مستحب

يجوز علی اشکال، يجوز علی تأمل (آیات عظام سیستانی و خویی و وحید).^۴
 ۱. و ان كان الاحتياط لا ينبغي تركه. ۲. ينبغي (آیات عظام فاضل و گلپایگانی و صافی).^۵

۱. حسین وحید خراسانی و سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، تقلید، م ۷ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۲۱.

۲. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۸؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۴؛ متن داخل پرانتز را آیات عظام محمد تقی بهجت و ناصر مکارم شیرازی ندارند؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، تقلید، م ۱۰ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س ۳؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳۱؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۷.

۴. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی و سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۳۱.

۵. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۴۲، ش ۱۷؛ سید محمد رضا موسوی، هدایة العباد؛ لطف الله صافی گلپایگانی، ج ۱، م ۳۷.

الاولی و الاحوط کذا، الاحوط الاولی کذا (آیات
عظام گلیایگانی و صافی).^۱

۴. ۵. ۵. وجه اختلاف تعبیر در عبارات فقها

وجه اختلاف تعبیرها، اختلاف ادله و فهم و
استنباط فقیه از مفاد آنهاست؛ مثلاً در جایی
که دلالت ادله بر حکم مسئله، صریح و قطعی
نیست، اما به نظر فقیه حکم آن روشن و دلالت
دلیل بر آن قوی است، تعبیر به «اقوا» می
کنند و در جایی که حکم مسئله روشن است،
به گونه ای که فقیه را به اظهار فتوا متمایل
می کند (هرچند دلالت دلیل قوی نیست)،
تعبیر به «بعید نیست» یا «ظاهراً چنین است»
می کنند. در جایی که دلالت ادله بر حکم،
به طوری ظهور دارد که فقیه را در مرز فتوا قرار
می دهد (گرچه حتمی نیست)، شبهه قوی بر
وجوب یا حرمت وجود دارد. در این حالات تعبیر
به «احتیاط واجب...» می کنند و اگر شبهه قوت
ندارد، تعبیر به «احوط» یا «احتیاط» (به نحو
مطلق) می کنند و هکذا (آیت الله فاضل).^۲

۴. ۵. ۶. فرق علم و اطمینان

در علم، احتمال خلاف وجود ندارد. در
اطمینان احتمال خلاف وجود دارد؛ ولی ضعیف
و در حدی که عقلاً به آن اعتنا نمی کنند

۱. سید محمد رضا موسوی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۷.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۵.

(آیت الله فاضل).^۱

اطمینان و علم مساوی هستند مطلقاً
(آیت الله خویی).^۲

در غیر مرافعات و بعض موارد حکم حاکم،
اطمینان در حکم یقین است (آیت الله تبریزی).^۳

۴. ۵. ۷. جاهل مقصر و جاهل قاصر

جاهل قاصر: کسی است که اصلاً ملتفت
جهلش نیست یا اگر ملتفت باشد، به طرق رفع
جهل، علم ندارد.

جاهل مقصر: کسی است که ملتفت جهلش
است و طرق ممکن رفع جهل را هم می داند؛
اما در پیمودن آن طرق کوتاهی می کند (رهبر
معظم انقلاب).^۴

ملاک، التفات داشتن و احتمال بطلان و شک
در صحت و عدم صحت عمل است؛ به این معنا
که اگر کسی احتمال بطلان عمل خاصی را بدهد
و در صحت آن شک داشته باشد و در عین حال
سؤال نکند، جاهل مقصر محسوب می شود و
معذور نیست؛ اما اگر به جهل خود توجه نداشته
باشد و احتمال بطلان ندهد و عمل را صحیح
بداند، جاهل قاصر محسوب می شود و معذور
است (آیت الله فاضل).^۵

در هر عصری تفسیر و تبیین مصادیق جاهل

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۲۸.

۲. سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۱۱.

۳. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۶۵.

۴. سید علی خامنه ای، تحریر المسائل، م ۳۸.

۵. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۶.

قاصر، به عرف همان عصر مربوط می‌شود
(آیت‌الله بهجت).^۱

جاهل قاصر ممکن است در کنار حوزه‌های
علمیه هم وجود داشته باشد و آن، کسی است
که مسئله‌ای را اشتباه فهمیده است یا اصلاً به
ذهنش نمی‌آمده که چنین مسئله‌ای وجود
داشته باشد یا اهل مطالعه بوده و در مطالعه
به خطا رفته است. همه این‌ها جاهل قاصر
هستند (آیت‌الله مکارم).^۲

جاهل قاصر فردی است که از روی عذر، حکم
شرعی را نمی‌داند و در فراگیری آن کوتاهی
نکرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در
ندانستن حکم شرعی معذور است و در فعل یا
ترک چیزی به دلیل و حجتی استناد می‌کرده
است؛ هرچند که خطای آن بعداً آشکار شود.
جاهل مقصر فردی است که امکان آموختن
مسائل را داشته؛ ولی در فراگیری آن کوتاهی
کرده است و به تعبیر دیگر، کسی است که در
ندانستن حکم شرعی معذور نیست؛ مانند
کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی کرده
باشد.

فردی که در حکم شرعی عملی شک دارد و
به فراگیری آن قادر نیست، وظیفه‌اش احتیاط
است و چنانچه با امکان احتیاط، عمداً عمل
مطابق با احتیاط را ترک کند، مقصر محسوب
می‌شود و داخل در عنوان جاهل قاصر به

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۵۲.

۲. سایت، تقلید، متفرقه.

حساب نمی‌آید؛ بلکه جاهل مقصر محسوب می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۱

۴.۵.۷. فرق حکم و فتوا

فتوا در احکام کلی است و حکم، در موضوعات (آیات عظام بهجت و مکارم).^۲

فتوا عبارت است از بیان حکمی کلی که مجتهد آن را از کتاب و سنت استفاده کرده است؛ ولی حکم، انشا و دستوری است در موضوع خاص جزئی که مجتهد جامع‌الشرایط صادر می‌کند (آیت‌الله صافی).^۳

۴.۵.۸. فرق «جایز نیست» با «حرام است»

تفاوتی ندارد (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت و مکارم).^۴

در مقام عمل فرقی بین آن‌ها نیست (آیات عظام فاضل و سیستانی).^۵

۴.۶. ضروریات دین

هر چیزی که جمیع مسلمانان آن را قبول دارند و جزء دین اسلام می‌شمارند و نیز حکمش برای همه آنان روشن است، «ضروری دین»

۱. استفتای کتبی خصوصی (تصویر استفتا در پایان کتاب آمده است).

۲. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، س ۵۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، س ۲۲.

۳. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، س ۱۱ و سایت، تقلید، اصطلاحات فقهی، س ۷؛ محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، س ۵۰؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، س ۵۱ و تحریر المسائل، م ۴۰.

۵. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۴؛ سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، استفتانات تقلید، س ۳.

نامیده می‌شود. اصل وجوب نماز، روزه، زکات و خمس ضروری اسلام است. حکم ضروریات، به صراحت در آیات و روایات ذکر شده است (آیت الله فاضل).^۱

۷.۴. اهل خبره

اهل خبره عالمانی‌اند که قدرت تشخیص مقام علمی و استعداد و صلاحیت مرجع تقلید را دارند و صلاحیت را با شرکت در بحث‌های خارج فقه و اصول او یا با مطالعه و بررسی کتاب‌های علمی وی احراز می‌کنند.

لازم نیست اهل خبره، خود مجتهد باشند؛ ولی باید در حدی از مرتبه علم باشند که بتوانند مجتهد را از غیرمجتهد و اعلم را از غیراعلم تشخیص دهند (اجماع).^۲

۸.۴. معنای اورعیت

مراد از اورعیت این است که به واسطه مزید قوّت ایمان، مسامحه شخص در فحوص لازم در استنباط، کمتر بوده و اولی به محافظه‌کاری در این مقام باشد (آیت الله بهجت).^۳

اورعیت یعنی شخص در اموری که در فتوادادن و استنباط نقش دارد، بیشتر احتیاط کند و اهل تحقیق و بررسی باشد (آیت الله سیستانی).^۴

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۴۶ و ۴۷.

۲. جواد تبریزی، استفتائات، س ۵۶ و ج ۲، س ۱۸؛ آیت الله نوری، توضیح المسائل، ج ۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، ج ۳؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۲۴ و ۲۵؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۳؛ سیدابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۷؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۸.

۳. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۲.

۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، تقلید، م ۸.

۹.۴. مراد از امور حسبیه

امور حسبیه کارهایی هستند که مشروعیت آن‌ها حتمی است و از نظر شرع مقدس اسلام باید انجام شوند و مسئولیت آن هم متوجه شخص خاصی نیست؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر و امثال آن (آیت‌الله فاضل).^۱ به اقدامات ضروری‌ای گفته می‌شود که حاکم شرع یا وکیل او در حفظ جان، ناموس، مال و حقوقی که در معرض خطر است، انجام می‌دهد (آیت‌الله بهجت).^۲

۱۰.۴. تفاوت موضوعات با احکام

حکم، قانونی است که شارع گذاشته است و موضوع چیزی است که این حکم در آن پیاده می‌شود و استنباط حکم، وظیفه مجتهد و تشخیص موضوع، وظیفه مکلف است (آیت‌الله بهجت).^۳

۱۱.۴. حد گمان و یقین در مسائل

امر عرفی معروف مراد است (آیت‌الله بهجت).^۴

۱۲.۴. معنای رجاء

رجاء به معنای امید و آرزوست. «عملی را رجاء به جا بیاورند»، یعنی عمل را به امید رسیدن به هدفی انجام دهند. در شرع، جایی

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، تقلید س ۳۷.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۵.

۳. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۶۹.

۴. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۳.



گفته می‌شود که معلوم باشد فلان عمل یا فلان دعا حرام نیست؛ ولی وجوب و استحباب آن هم ثابت نیست. عمل در چنین جایی قهراً یا واجب است یا مستحب یا مباح یا مکروه. از این رو فرموده‌اند انسان می‌تواند این عمل یا دعا و ذکر را رجاء یعنی به امید این انجام دهد که شاید واجب یا مستحب باشد و ثواب داشته باشد (آیت الله فاضل).^۱

۱۳.۴. فرق واجب و لازم

لازم و واجب معمولاً به یک معناست؛ ولی گاهی لازم مفهوم وسیع‌تری دارد و بر غیر احکام تکلیفی نیز اطلاق می‌شود (آیت الله مکارم).^۲

۱۴.۴. معنای مکروه بودن

مکروه یعنی ناپسند، نامطلوب، آنچه انجام آن حرام نیست؛ ولی ترکش اولی است (آیت الله مکارم).^۳

کراهت در عبادات به معنای کم شدن ثواب است (حضرت امام و آیات عظام بهجت، فاضل، خویی، نوری، اراکی و گلپایگانی).^۴ کراهت در عبادت به معنای کم شدن ثواب است و نیز ممکن است به سبب امری عارضی

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، اصطلاحات فقهی، س ۹.

۳. ناصر مکارم شیرازی، سایت، اصطلاحات فقهی، س ۱۶.

۴. محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۲۱۲، سید روح الله خمینی، استفتانات، ج ۱، ص ۲۷۸، س ۴۸۰؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، کتاب صوم، مقدمه، ص ۵؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا گلپایگانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی.

به معنای مرجوح بودن باشد. همچنین ممکن است به این معنا باشد که این مستحب مرجوح با مستحبی که افضل از آن است، مزاحمت کند (آیات عظام سیستانی و مکارم).^۱

۴. ۱۵. معنای مجزی بودن عمل به رساله عملیه

۱. تصریح به جواز عمل به رساله، دلیل بر نفی دیگران نیست؛ بلکه ممکن است دیگران هم در وضعیت مساوی و هر دو یا هر چند نفر جایزالتقلید باشند. آری اگر کسی در اول رساله خود بنویسد عمل به این رساله متعین است و عمل به غیر آن جایز نیست، مفهومش نفی دیگران است؛ درحالی که هرگز ندیده ایم احدی در مقدمه رساله چنین چیزی بنویسد.

۲. درست است که قدرت بیان باعث معرفی شخص است؛ اما اگر کسی بیانی نداشت و مقام علمی او مجهول ماند و بعد از فحص نیز مقام علمی او روشن نشد، مردم در برابر او وظیفه ای ندارند؛ مانند گنجی که شناخته نشده است و کسی در برابر آن گنج وظیفه ای ندارد (آیت الله مکارم).^۲

۴. ۱۶. فرق اجتهاد کامل و متجزی

اجتهاد کامل و مطلق این است که فقیه در تمام ابواب فقه قدرت استنباط داشته باشد.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، کتاب صوم، مقدمه، ص ۵؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، راه های شناخت اعلم، ص ۷.

اجتهاد ناقص و متجزی این است که فقیه در برخی از ابواب فقه قدرت استنباط داشته باشد (آیت الله نوری).^{۱۰}

۴. ۱۷. مراد از علم اجمالی منجز

مراد از علم اجمالی، جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم دارد؛ ولی مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست. در این صورت چنانچه مصداق تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند نماز شکسته و نماز کامل، علم اجمالی منجز می شود و مکلف بنا بر احتیاط موظف می شود مطابق با احتیاط رفتار کند. برای مثال، مجتهد اول درباره نماز دانشجو در شهری که در حد مسافت شرعی از وطنش قرار دارد و آن را مقر دانشجویی خویش انتخاب کرده است، می فرماید: «در مقر مذکور نماز کامل است، هرچند فرد قصد ده روز نداشته باشد.» مجتهد دوم که مساوی یا در حکم مساوی با مجتهد اول محسوب می شود، می فرماید: «نماز شکسته است؛ مگر اینکه فرد قصد ده روز داشته باشد.» در این حال در ایامی که دانشجوی مذکور نمی خواهد ده روز در آنجا بماند، به هنگام اذان ظهر علم دارد که نماز ظهر بر او واجب است؛ ولی نمی داند نماز کامل واجب است یا نماز شکسته؛ از این رو اصل تکلیف برای او روشن است؛ ولی مورد تکلیف برایش مجمل است. در این فرض مراعات مقتضای احتیاط، این است

که نماز ظهر را هم شکسته و هم کامل به جا آورد.

اما چنانچه مورد از مصادیق علم اجمالی نباشد، مثل جایی که مکلف به اصل تکلیف علم ندارد و اصل تکلیف مشکوک است، رعایت این احتیاط در فرض مسئله لازم نیست. برای مثال درباره مالی که به مکلف هدیه داده شده است و وی از آن تا انتهای سال خمسی اش استفاده نکرده است، مجتهد اول می فرماید: «مال مذکور خمس ندارد» و مجتهد دوم می فرماید: «مال مذکور خمس دارد.» بنابراین مکلف در اصل تکلیف شک دارد. در این فرض چنانچه دو مجتهد مذکور در رتبه علمی و دقت نظر، مساوی یا در حکم مساوی باشند، آن چنان که توضیح آن در متن آمد، فرد می تواند از مجتهدی تقلید کند که می گوید هدیه خمس ندارد. از این رو لازم نیست مطابق با احتیاط عمل کند و خمس هدیه را بپردازد.

همچنین اگر مورد از مصادیق علم اجمالی باشد، ولی علم اجمالی منجز نباشد، رعایت احتیاط لازم نیست؛ مثل جایی که تکلیف، بین دو امری که اقل و اکثر هستند، مردد باشد. در این حالت دو مثال ذکر می شود:

۱. اگر مجتهدی بگوید: «بر نمازگزار واجب است تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم سه بار بگوید» و مجتهد دیگر بفرماید: «یک بار کافی است»، در این حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف

می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که یک بار تسبیحات اربعه را کافی می‌داند.

۲. اگر مجتهدی بگوید: «در وضو، مسح پا از سَرِ یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی است» و مجتهد دیگر بگوید: «مسح پا از سَرِ یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا کافی نیست و علاوه بر آن، باید روی پا تا مفصل مسح شود»، در این حال چنانچه دو مجتهد مذکور مساوی یا در حکم مساوی باشند، مکلف می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که مسح پا را تا برآمدگی روی پا کافی می‌داند.

۴.۱۸. مراد از حجت اجمالی

مراد از حجت اجمالی جایی است که مکلف به اصل تکلیف علم و یقین ندارد؛ ولی اصل تکلیف به حجت شرعی بر عهده او ثابت است و مورد تکلیف (مکلف به) اجمال دارد و به تفصیل معلوم نیست.

حال چنانچه مورد تکلیف یکی از دو امر متباین باشد، مانند روزه گرفتن و صدقه دادن، حجت اجمالی منجز می‌شود و مکلف بنا بر احتیاط، موظف می‌شود که مطابق با احتیاط رفتار کند.

مثل اینکه فردی به حج مشرف شده و مُحَرَّم خاصی از محرمات احرام را در اثنای مناسک حج انجام داده است. حال دو مجتهد فتوا می‌دهند به اینکه فرد مذکور لازم است کفاره بدهد و کفاره مذکور هم براساس هر دو فتوا تعیینی

است، نه تخییری. اما دو مجتهد در مقام تعیین نوع کفاره اختلاف دارند و در فتوای مستقل دیگری یکی از دو مجتهد می‌گوید: «لازم است مکلف سه روز روزه بگیرد» و دیگری می‌گوید: «باید صدقه بدهد.» در این حالت چنانچه مورد کفاره از قطعیات فقهی نباشد، مکلف، به اینکه تکلیفی بر عهده او آمده است، یقین و علم ندارد؛ ولی براساس گفتار دو مجتهد که در رتبه علمی و دقت نظر مساوی یا در حکم مساوی هستند، اصل وجوب کفاره بروی ثابت می‌شود؛ ولی نمی‌داند سه روز روزه است یا صدقه دادن به فقرا. از این رو مورد تکلیف برای او مجمل است. در این فرض، مراعات مقتضای احتیاط، این است که فرد، هم سه روز روزه بگیرد و هم صدقه بپردازد.

گفتنی است برای اینکه مثال مذکور از مصادیق حجّت اجمالی محسوب شود، چنین فرض شده است که درباره کفاره مذکور سه دسته روایت رسیده باشد. دسته اول می‌گوید فلان محرم خاص از محرمات احرام کفاره دارد. دسته دوم می‌گوید کفاره فلان محرم خاص از محرمات احرام، فقط سه روز روزه گرفتن است. دسته سوم می‌گوید کفاره فلان محرم خاص از محرمات احرام، فقط صدقه دادن است. در این حال دسته دوم روایات با دسته سوم روایات تعارض دارد و تساقط می‌کنند و دسته اول روایات اصل ثبوت کفاره را بر ذمه مکلف ثابت می‌کند (آیت‌الله سیستانی).^۱

۱. سیدعلی سیستانی، رساله جامع، ج ۱، تقلید، م ۱۲.



فصل پنجم:
مسائل مربوط به مجتهد



۱.۵. تقلید از غیرمجتهد

تقلید از غیرمجتهد جایز نیست، هرچند از اهل علم باشد؛ همچنان که بر غیرمجتهد واجب است تقلید (یا احتیاط) کند، هرچند از اهل علم باشد (حضرت امام و آیات عظام گلپایگانی، صافی، فاضل، خویی، مکارم و سیستانی).^۱

۲.۵. مجتهد جامع الشرایط چه کسی

است؟

از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده^۲ و زنده و عادل بوده و از مجتهدان دیگر اعلم^۳ باشد

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۹؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدروح الله خمینی؛ محمدفاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ محمدفاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۲.

۲. آیت الله سیدمحمود شاهرودی: «بنا بر احتیاط واجب حلال زاده باشد» (توضیح المسائل، م ۲).

۳. حضرت امام: «در صورت اختلاف بین فتوای اعلم و غیراعلم، اعلمیت شرط است.» آیت الله فاضل: «یا علم به مخالفت یا احتمال مخالفت، از اعلم تقلید کند.» آیت الله اراکی: «بنا بر احتیاط واجب، در مسائلی که می داند فتوای اعلم با غیراعلم اختلاف دارد و همچنین در مسائل محدودی که می داند در یکی یا بعضی از آن ها اختلاف فتوا دارند (شبهه محصوره)، باید از اعلم تقلید کند.» آیات عظام گلپایگانی و صافی: «مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، در صورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیر، بنا بر احتیاط واجب باید غیر، اعلم از او نباشد؛ مگر اینکه فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد.» آیت الله صافی: «یا فتوای اعلم شاذ باشد. در این صورت باید به قولی عمل کند که احوط است.» آیات عظام خویی و تبریزی و سیستانی: «در صورتی که اختلاف فتوای مجتهدان در مسائل محل ابتلا هرچند اجمالاً معلوم باشد، لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، اعلم باشد.» آیت الله تبریزی: «در احکام شرعی الزامی باید از مجتهد اعلم تقلید کرد.» آیت الله نوری: «بنا بر اقوا در صورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیر در مسائل مبتلا، او باید اعلم باشد؛ مگر اینکه فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد.» آیت الله تنجانی: «در صورتی که احتمال اختلاف فتوا بین مجتهدان در مسائل را بدهد.» آیت الله ناصر مکارم شیرازی: «تقلید از اعلم در صورت امکان، واجب است زمانی که



(حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، فاضل، سیستانی، مکارم، وحید، شاهرودی، صافی گلپایگانی، نوری، گلپایگانی، اراکی و زنجانی).^۱

۱. بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهدی تقلید کرد که به دنیا حریص نباشد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، نوری).^۲

۲. سابقه فسق معروفی بین مردم نداشته باشد (آیات عظام تبریزی و شاهرودی؛ آیت الله تبریزی: به گونه ای که مراجعه به او در احکام،

علم تفصیلی به مخالفت فتوای به علم و غیراعلم داشته باشیم یا علم اجمالی به مخالفت در موارد ابتلا داشته باشیم که در غیر این دو، تقلید غیراعلم جایز است. بنابراین در این صورت اخیر، دلیلی برای وجوب فحص از اعلم نیست و در دو صورت اول فحص واجب است. «آیت الله بهجت: «اظهر، وجوب تقلید اعلم است در صورت عدم لزوم عسر شخصی در تشخیص اعلم یا در وصول به فتاوی او در جمیع مسائل و فرق آنها. «آیت الله وحید: «در صورتی که به اختلاف بین مجتهدان در فتوا درباره مسائل محل ابتلا، اگرچه اجمالاً علم داشته باشد، باید اعلم باشد. «رهبر معظم انقلاب: «در مسائلی که فتوای اعلم با فتوای غیراعلم اختلاف دارد، بنا بر احتیاط واجب از اعلم تقلید کند.»

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲؛ سید ابوالقاسم خویی و حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ سید روح الله خمینی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید علی سیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۵ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۸؛ سید علی خامنه ای، اجوبة الاستفتانات، س ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و توضیح المسائل آموزشی، تقلید، درس ۲، ص ۱۵؛ تحریر المسائل، م ۲۹؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۳؛ جامع المسائل، ج ۱، شرایط مرجع تقلید؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۳؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۶ و استفتانات، ج ۲، س ۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۵ و ۶.

۲. حضرت امام و آیات عظام فاضل لنکرانی و نوری: «و بنا بر اقوا در صورت علم به مخالفت فتوای او با فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد» (توضیح المسائل، م ۲)؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۸؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳.

وهن مذهب محسوب شود).^۱

۱.۲.۵. اختلاف فتاوا

۳. آزاد باشد (آیت الله بهجت).^۲

۴. بنا بر احتیاط واجب، عادل و زنده باشد و در مسائلی که مجتهدان اختلاف نظر دارند، باید از «اعلم» تقلید کند (آیت الله مکارم).^۳

۵. بنا بر احتیاط واجب، بالغ و اعلم باشد؛ مگر اینکه قول غیراعلم مطابق با احتیاط باشد (آیت الله وحید).^۴

۶. بنا بر احتیاط واجب (آیت الله اراکی: فتوا) به دنیا حریص نباشد (رهبر معظم انقلاب و آیت الله اراکی).^۵

۷. حافظه متعارف داشته باشد (آیات عظام سیستانی و خویی و تبریزی).^۶

۸. به دنیا حریص نباشد؛ البته به اندازه‌ای که حرمت داشته باشد (آیت الله گلپایگانی).^۷

۱. توضیح المسائل، جواد تبریزی، م ۲ و منهاج الصالحین، ج ۱، م ۶؛ سید محمود شاهرودی هاشمی، توضیح المسائل، م ۲.

۲. محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱ و وسیلة النجاه، ج ۱، م ۳.

۳. توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲ و ۹.

۴. وحید، توضیح المسائل، م ۲ و منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۶.

۵. سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۲؛ توضیح المسائل آموزشی، تقلید، درس ۲، ص ۱۵؛ تحریر المسائل، م ۱۹؛ محمد علی اراکی، توضیح المسائل، م ۲.

۶. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۶؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۶؛ سید ابوالقاسم خویی: «حافظه متعارف به معنای این است که به نسیان مبتلا نباشد؛ به طوری که متذکر مدارک حکمش نباشد» (استفتائات، تقلید، س ۵)؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۶.

۷. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۲.

۹. حریص به دنیا نباشد؛ به گونه ای که مضر به عدالتش باشد (آیت الله خویی).^۱
۱۰. موثق باشد؛ یعنی اشتباهش از متعارف بیشتر نباشد و کسی که به دنیا حریص باشد، غالباً موثق نیست (آیت الله شبیری).^۲

۵. ۳. عدالت مرجع تقلید

۵. ۱. ۳. به چه کسی عادل می گویند؟
۱. عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود (رهبر معظم انقلاب).^۳
۲. عادل کسی است که (حضرت امام و آیت الله گلپایگانی: با ملکه عدالت) کارهایی را که بر او واجب است، به جا آورد و کارهایی را که بر او حرام است، ترک کند (حضرت امام و آیات عظام تبریزی و وحید و شاهرودی).^۴
۳. عادل کسی است که حالت خداترسی باطنی دارد که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می دارد (آیت الله مکارم).^۵

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛

سید ابوالقاسم خویی، ج ۲: توضیح المسائل، م ۲.

۲. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۲.

۳. سید علی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۱۳؛ تحریر المسائل، م ۲۰.

۴. توضیح المسائل، م ۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱،

تقلید، م ۲۳؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م ۲۸؛ حسین وحید

خراسانی، توضیح المسائل، م ۲ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۸؛ «عدالتی

که در مرجع تقلید، معتبر است، عبارت است از استقامت در طریق شریعت

مقدس و عدم انحراف از آن و این مطلب حاصل نمی شود، مگر به اینکه

مرتکب معصیت صغیره یا کبیره نشود و بدون عذر شرعی کار حرامی انجام

نهد و واجبی را ترک نکند؛» جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۲.

۵. توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱،

تقلید، م ۲۳.

۴. مقصود از عدالت این است که قدرت نفسانیه‌ای بر انجام واجبات و ترک گناهان کبیره داشته و علاوه بر این‌ها مروت داشته باشد (آیت‌الله فاضل).^۱

۵. عدالت عبارت است از ملکه‌ای که به واسطه آن شخص از گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره اجتناب کند (آیت‌الله بهجت).^۲

۶. عدالت عبارت است از استقامت در مسیر شرع و نداشتن انحراف از آن (آیات عظام خویی و تبریزی).^۳

۷. عدالت عبارت است از استقامت عملیه در مسیر شرع که غالباً از ترس راسخ در نفس ناشی می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۴

۸. عدالت عبارت است از ملکه انجام واجبات و ترک محرمات (آیات عظام نوری، اراکی، گلپایگانی و زنجانی).^۵

۹. عادل کسی است که با ملکه عدالت کارهایی که بر او واجب است، به جا آورد و کارهایی که حرام است، ترک کند (آیات عظام صافی و گلپایگانی).^۶

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبائی

یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ الاحکام الواضحه، م ۹.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۴.

۳. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛

سید ابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، م ۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین،

ج ۱، ۲۹.

۴. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۵. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ حسین

نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛

توضیح المسائل مراجع، م ۲.

۶. لطف‌الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۲.

۱۰. عدالت عبارت است از ملکهٔ راسخ در نفس که باعث رعایت تقوا می‌شود. تقوا عبارت است از ترک محرمات و انجام واجبات (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۱

۲.۳.۵. راه‌های ثابت شدن عدالت

۱.۲.۳.۵. یقین

علم وجدانی یا اطمینانی که منشأ عقلانی داشته باشد؛ مانند اختبار (آیت‌الله سیستانی).^۲ علمی که به وسیلهٔ اختبار یا غیر آن ثابت شده است (آیات عظام خویی و وحید و تبریزی).^۳ شهرتی که مفید علم یا اطمینان باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید، نوری و بهجت).^۴ شهرتی که مفید علم باشد (آیات عظام اراکی و گلپایگانی و صافی).^۵

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۱.

۲. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰.

۳. سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، تقلید، م ۲۰؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ سید روح‌الله خمینی؛ سید علی سیستانی؛ حسین نوری همدانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۲۰؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۹؛ محمد تقی بهجت، «علم یا اطمینان باشد»، وسیلة النجاه، م ۲۹.

۵. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۰.

۵.۳.۲.۲. بیّنه

شهادت دو نفر عادل (حضرت امام و آیات
عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید،
بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۱
شهادت دو نفر عادل؛ بلکه بعید نیست ثبوت
آن به شهادت یک نفر عادل، بلکه به شهادت
مطلق ثقه ثابت می شود (آیت الله تبریزی).^۲

۷۷

فتاوی

فصل پنجم / مسائل مربوط به مجتهد

۵.۳.۲.۳. حسن ظاهر

حسن ظاهر کاشف تعبدی است؛ به این معنا
که شارع آن را راه تشخیص دانسته است؛ هرچند
از آن برای مکلف، ظن یا علم به عدالت حاصل
نشود (حضرت امام).^۳

حسن ظاهر کاشف طریقی است؛ به این معنا
که شارع آن را راه تشخیص دانسته است؛
هرچند از آن برای مکلف ظن به عدالت حاصل
نشود (آیت الله اراکی).^۴

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛
سید روح الله خمینی؛ سید علی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل
لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ حسین وحید خراسانی؛ محمد علی اراکی؛
سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ در مسئله ۴۴
عروه عدالت قاضی اضافه شده است؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛
حسین وحید خراسانی؛ «که دو عادل دیگر معارض وی نباشند و بعید نیست
ثبوت آن عدالت به شهادت یک نفر، هرچند یک نفر ثقه باشد»؛ خویی و وحید،
ج ۲، تقلید، م ۲۰؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۸؛
محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۹؛ محمد تقی بهجت،
وسيلة النجاه، م ۲۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی
گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۳۰.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، س ۲۰.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ سید روح الله
خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، تقلید، م ۲۷.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ محمد علی
اراکي.



مراد از آن حسن ظاهر و حسن معاشرت و سلوک دینی است (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، وحید و تبریزی).^۱

حسن ظاهر و مواظبت ظاهری شخص در شرعیات و طاعات که عبارت است از حضور در جماعات و غیر آن از چیزهایی که کاشف علمی یا ظنی از ملکه و حسن باطن هستند؛ بلکه حسن ظاهر شخص کفایت می‌کند، هرچند موجب ظن به ملکه نشود (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۲

مراد از آن، حسن ظاهر و حسن معاشرت و سلوک دینی است و بنا بر احتیاط واجب، باید موجب علم یا اطمینان یا گمان به وجود ملکه تقوا در فرد شود (آیت‌الله بهجت).^۳

حسن ظاهری که موجب علم یا ظن مفید و ثوق و اطمینان باشد (آیت‌الله نوری).^۴

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۵۶۲؛ تحریر المسائل، م ۲۰؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی: «به‌گونه‌ای که اگر دیگران از حالش سؤال کنند، بگوئیم جز خیر ندیدیم» (ج ۲، تقلید، م ۲۰)؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی: «حسن ظاهری که کاشف علمی یا ظنی از عدالت باشد»؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۹؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۰.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۰.

۳. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۳۰؛ جامع المسائل، ص ۱۹.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۵.۳.۲.۴. زائل شدن عدالت

صفت عدالت به ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر گناهان صغیره زائل می‌شود (آیات عظام بهجت و صافی و گلپایگانی).^۱

حکم عدالت با ارتکاب هریک از گناهان کبیره یا اصرار بر گناهان صغیره از بین می‌رود؛ بلکه احتیاط این است که بگوییم با ارتکاب هریک از گناهان صغیره نیز از بین می‌رود. این حکم برمی‌گردد به شرطی که در مسئله گذشته ذکر شد؛ یعنی اینکه ملکه عدالت باقی باشد (حضرت امام).^۲

عدالت، با ترک واجب یا فعل حرام بدون عذر شرعی از بین می‌رود. در معاصی فرقی بین صغیره و کبیره نیست (آیات عظام سیستانی، خویی، وحید و تبریزی).^۳

نکته:

عدالت با توبه و پشیمانی برمی‌گردد (حضرت امام و آیات عظام صافی، بهجت، تبریزی، وحید، خویی و سیستانی؛ آیت‌الله گلپایگانی: اگر ملکه راسخ در نفس باقی باشد).^۴

۱. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۳۱؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۳۲.

۲. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۹.

۳. سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، تقلید، م ۲۹؛ سیدعلی سیستانی و جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۹.

۴. منهاج الصالحین، تقلید، م ۳۰؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۳۱؛ هداية العباد، سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ج ۱، م ۳۲؛ سیدروح‌الله خمینی، وسیلة النجاه، تقلید، م ۲۹.

۴.۵. علمیت مرجع تقلید

۱. یعنی در فهمیدن حکم خدا، از تمام مجتهدان زمان خود استادتر باشد (حضرت امام و آیات عظام نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).^۱

۲. ملاک علمیت این است که آن مرجع در مقایسه با دیگر مراجع، قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از ادله استنباط کند و همچنین دربارهٔ اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد (رهبر معظم انقلاب).^۲

معنای اعلم: ۳. یعنی در استنباط احکام الهی توانا تر باشد (آیات عظام بهجت^۳ و سیستانی^۴ و فاضل^۵).

۴. یعنی در فهمیدن حکم خدا (آیت‌الله وحید: و وظایف مقرر شده به حکم عقل و شرع) از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد (آیات عظام تبریزی و خویی و وحید).^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲؛ منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۰؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛ سید روح‌الله خمینی: حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی.

۲. سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۱۶ و تحریر المسائل، م ۲۳. ۳. توضیح المسائل، م ۱.

۴. توضیح المسائل، م ۲؛ منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸؛ سید علی سیستانی: توضیحات بیشتر؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۷.

۵. توضیح المسائل، محمد فاضل لنکرانی، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛ استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۹؛ «مراد از علمیت، آشنایی بیشتر و قدرت کامل‌تر در استنباط احکام الهی از منابع معتبر است»؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۵.

۶. توضیح المسائل، جواد تبریزی، سید ابوالقاسم خویی، حسین وحید خراسانی، م ۲؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛

۵. ۴. ۱. آیا می‌توان از غیراعلم تقلید کرد؟

در مسائلی که فتوای غیراعلم مخالف فتوای اعلم نباشد یا فتوای اعلم مخالف با احتیاط و فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد، رجوع به غیراعلم اشکال ندارد (رهبر معظم انقلاب)^۱.
در مسائلی که فتوای غیراعلم مطابق فتوای اعلم است و بلکه در مسائلی هم که نمی‌داند فتوای آن دو مخالف یکدیگر است، مکلف می‌تواند به فتوای غیراعلم عمل کند (حضرت امام)^۲.

در صورتی که مجتهد غیراعلم و اعلم در مسائل محل ابتلا، اختلاف در فتوا نداشته باشند، تقلید از غیراعلم جایز است (آیات عظام سیستانی، تبریزی، مکارم و وحید)^۳.
در صورت موافقت فتوا، جایز است و در صورتی که علم به مخالفت بعد از فحص ممکن نداشته باشیم. اما با احتمال مخالفت در صورت امکان دسترسی به فتاوای اعلم و عدم عسر شخصی، احوط لزومی، تقلید از اعلم است (آیت الله بهجت)^۴.

سید ابوالقاسم خویی؛ استفتانات، جواد تبریزی، «ملاک، بهتر فهمیدن حکم شرعی است»، ج ۱، س ۴.

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۴۵ و تحریر المسائل، م ۲۴ و ۳۳.

۲. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۰.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۱۹؛ جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، س ۴۳؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتانات، تقلید، س ۱۶؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۴؛ سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، م ۲.

۴. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۷۵.

۵. ۴. ۲. اگر چند مجتهد مساوی باشند،

تکلیف چیست؟

اگر چند نفر در نظر مقلد، اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، از هریک از آنان می‌تواند تقلید کند (حضرت امام، شاهرودی، نوری و اراکی).^۱

اگر چند نفر در نظر مقلد اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، از هریک از آنان می‌تواند تقلید کند؛ اما در صورتی که بین دو نفر مردد باشد و احتمال علمیت یکی از آن دو را بدهد، باید از همان شخص تقلید کند (آیات عظام صافی و گلپایگانی).^۲

اگر یکی اورع بود، تقلید از او واجب است و اگر مساوی بودند، مخیر است (آیات عظام گلپایگانی و سیستانی؛ آیت‌الله سیستانی: مگر در مصادیق علم اجمالی منجز یا حجت اجمالی منجز در خصوص مسئله‌ای که بنا بر احتیاط واجب، باید در عمل جمع کند).^۳

در صورتی که دو مجتهد از نظر علمی مساوی

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۴؛ سیدروح‌الله خمینی: بنا بر احتیاط مستحب، از اورع تقلید کند و همچنین تبعیض در تقلید جایز است؛ حتی در احکام عمل واحد؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمود شاهرودی: «ولی چنانچه یکی از آنان پرهیزکارتر باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید از او تقلید کند»؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۵؛ هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۳ و ج ۲، س ۴.

۲. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی: «ولی چنانچه یکی پرهیزکارتر باشد، بهترین است که از او تقلید کند» (توضیح المسائل، م ۴).

۳. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی.

باشند، احتیاط لازم این است که از کسی تقلید کند که اتقی و اورع است. اگر با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند و جایز است تبعیض در تقلید؛ حتی در احکام عمل واحد (آیت الله فاضل).^۱

اگر دو مجتهد مساوی بودند، در صورتی که به اختلاف فتوای دو مجتهد علم داشته باشیم، به فتوای کسی عمل می‌کنیم که به احتیاط نزدیک‌تر باشد؛ وگرنه مخیر هستیم (آیت الله مکارم).^۲

اگر دو مجتهد در فضیلت مساوی بودند، بین آن دو در صورت عدم علم به مخالفت فتوا، مخیر هستیم؛ وگرنه بین آن دو احتیاط می‌کنیم؛ هرچند یکی از آن دو اورع باشد (آیت الله خویی).^۳ اگر دو مجتهد در علم مساوی بودند یا بعد از جست‌وجو اعلم از آن دو مشخص نشد، بین آن دو مخیر است؛ مگر اینکه یکی از آن دو معیناً اورع یا اعدل باشد. در این صورت باید از آن معین تقلید کند. زمانی که مردد باشد بین دو شخص و احتمال اعلیّت یکی از آن دو (معین) دون آخر را بدهد، باید از معین تقلید کند (آیت الله بهجت).^۴

در صورتی که در فتاوای محل ابتلا، به

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی

یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۴.

۲. توضیح المسائل، م ۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳.

۳. سید ابوالقاسم خویی، منهج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳.

۴. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۵ و ۶ و ۸.

اختلاف ایشان، اگرچه اجمالاً علم داشته باشد و علم یا حجتی شرعی بر تساوی آن‌ها در علم داشته باشد، باید به فتوای کسی عمل کند که فتوای او مطابق با احتیاط است. چنانچه فتوای هیچ‌یک از آنان مطابق با احتیاط نباشد، مثل اینکه یکی به قصر فتوا داده و دیگری به تمام فتوا بدهد، احتیاط کند به جمع بین آن دو. اگر احتیاط ممکن نباشد، مثل اینکه یکی به وجوب عملی فتوا داده و دیگری به حرمت آن فتوا بدهد، یا مشقت داشته باشد، بنا بر احتیاط، به فتوای کسی عمل کند که ورع او در فتوادادن بیشتر است. اگر در این جهت هم مساوی‌اند، مخیر است و می‌تواند به هریک از ایشان رجوع کند (آیت‌الله‌وحدید).^۱

اگر دو نفر از مجتهدان اعلم بوده و با یکدیگر مساوی باشند، مقلد مخیر است از هر کدام از آن‌ها تقلید کند (آیت‌الله‌تبریزی).^۲

۵. ۴. ۳. رابطه شلوغی درس خارج با علمیت

از آنجاکه ملاک اعلم بودن، فهم بهتر حکم الهی است و این مطلب با نحوه بیان و چگونگی تدریس ملازمه‌ای ندارد، شلوغی درس خارج نمی‌تواند ملاک اعلم بودن مجتهد محسوب شود (آیت‌الله‌بهجت).^۳

می‌تواند یکی از قرائین باشد؛ ولی به تنهایی دلیل قطعی نیست (آیت‌الله‌مکارم).^۴

۱. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸ و سایت، تقلید، س ۱۴.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۹؛ استفتائات، ج ۱، س ۳.

۳. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۸۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۹، سایت، راه‌های شناخت اعلم، س ۳.

۵.۴.۴. از چه راه‌هایی مجتهد اعلم شناخته

می‌شود؟

۱. خود انسان یقین کند؛ مثل اینکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد (اجماع).^۱

۲. دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، فاضل، مکارم، نوری، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).^۲

اگر یک مرد عادل خبر دهد، بنا بر احتیاط واجب باید احتیاط کند (آیت‌الله زنجانی).^۳

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵؛ «احراز اجتهاد و اعلمیت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین، هر چند از شهرت مفید علم یا اطمینان یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد»؛ تحریر المسائل، م ۲۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۳ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۹؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۶؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۹؛ جامع المسائل، ج ۱، تقلید، شیوه اعلمیت؛ هدایة العباد، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ج ۱، م ۲۲.

۲. توضیح المسائل، م ۳؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، م ۵؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۴ و ۲۵ و ۲۷؛ «اگر بینة شرعی بر اعلمیت مجتهد جامع الشرایط اقامه شود، تازمانی که بینة شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینة حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود؛ اگرچه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد. در این صورت جست‌وجو از بینة معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.» و تحریر المسائل، م ۳۰ و ۲۹؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۶؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۹؛ هدایة العباد، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ج ۱، م ۲۲.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۳.

۱.۲. دو نفر عالم و عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم و عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند. ظاهر این است که اجتهاد یا علمیت کسی به گفته یک نفر که موثق باشد نیز ثابت می‌شود (آیت‌الله سیستانی).^۱

۲.۲. دو نفر عالم و عادل که می‌توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم و عادل دیگر با گفته آنان مخالفت کنند و در صورت اختلاف، خبره بودن هر کدام بیشتر باشد، قول او مقدم است؛ بلکه به گفته یک نفر عالم خبره موثق نیز اجتهاد یا علمیت ثابت می‌شود (آیت‌الله تبریزی).^۲

۳.۲. دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط اینکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند و (آیت‌الله وحید: اقوا) ثبوت اجتهاد و علمیت به گفته ثقه خبر است (آیت‌الله وحید: در صورتی که

۱. توضیح المسائل، م ۳؛ منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ «اگر دو عادل با دو عادل دیگر معارضه کردند، قول کسی را اختیار می‌کنیم که خبره‌تر است؛ به حدی که موجب ازین رفتن شک حاصل از معارضه شود.»

۲. توضیح المسائل، م ۳؛ «پرسش: آیا بر من واجب است که بعد از احراز علمیت مجتهدی، به وسیله شهادت عدلین، از اشخاص خبره دیگر نیز تحقیق کنم؟ پاسخ: چنانچه احتمال می‌دهید که قول دو شاهدی که از اهل خبره هستند و علمیت مجتهد را خبر داده‌اند، با قول بقیه اهل خبره معارض نیست، تحقیق و فحص از اهل خبره دیگر لازم نیست. و الله العالم» (تبریزی، استفتائات جدید، ج ۲، س ۲۵ و ۳۴).

ظن بر خلاف گفته او نباشد. آیت الله خویی: یا شهرتی که مفید اطمینان است).^۱

۳. عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن و اعلم بودن کسی را تصدیق کنند (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، خویی، سیستانی، نوری، وحید، صافی گلپایگانی، شاهرودی، گلپایگانی و اراکی).^۲

۱.۳. عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن و اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ بلکه از هراهی که انسان به اعلم بودن کسی اطمینان پیدا کند، بنا بر اظهر می تواند به همان اکتفا کند (آیت الله بهجت).^۳

۲.۳. اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت، برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام فاضل و مکارم).^۴

۳.۳. برای شناختن مجتهد حائز شرایط، باید خود مکلف اطمینان پیدا کند؛ چه از راه شهرت فراگیر مردم و چه از راه تجربه شخصی و چه از راه دیگر، یا باید دو نفر خبره عادل به این

۱. توضیح المسائل، م ۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۸؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۳ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۹.

۲. توضیح المسائل، م ۳؛ توضیح المسائل، حسین وحید خراسانی، م ۳ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۹؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰.

۳. توضیح المسائل، م ۳؛ وسیلة النجاه، م ۱۹.

۴. توضیح المسائل، م ۵؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۶.

مطلب شهادت دهند؛ هرچند موجب اطمینان نشود (رهبر معظم انقلاب).^۱

۴.۳. از راهی برای خود انسان یا برای نوع مردم، در این شروط اطمینان حاصل شود؛ مثلاً عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اهل علم و واجد شرایط را تشخیص دهند، واجد شرایط بودن کسی را تصدیق کنند و از گفته آنان برای شخص انسان یا نوع مردم اطمینان پیدا شود (آیت‌الله زنجانی).^۲

اعلمیت از راه آزمایش هم ثابت می‌شود (حضرت امام).^۳

شیاع مفید علم یا اطمینان (آیات عظام بهجت و نوری).^۴

شیاع مفید علم (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۵

پرسش: شخصی به گفته دو نفر عادل که خبره بودن آنان معلوم نیست، به مجتهدی رجوع کرده است. آیا این رجوع صحیح است؟ پاسخ: چنانچه از اهل خبره نباشند، شهادت آن‌ها اعتبار ندارد (آیت‌الله فاضل).^۶

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵.

۲. سیدموسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۳.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۹.

۴. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۹؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی،

عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ حسین نوری همدانی.

۵. سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد،

ج ۱، م ۲۲.

۶. محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۶.

۵. ۴. ۵. تعارض شهادت اهل خبره درباره

اعلمیت مجتهدان

در صورت تعارض شهادت اهل خبره درباره
اعلمیت مجتهدان، مقلد مخیر است از هر کدام
خواست، تقلید کند (آیات عظام فاضل و مکارم
و گلپایگانی).^۱

در صورتی که یقین انسان به اعلم بودن فرد
دیگری، بر اساس موازین ذکر شده باشد، عمل
به یقین مقدم است و در صورت تعارض نظرهای
علماء، اگر مرجحات دیگر همچون اورعیت در
یکی از آنان بود، باید از وی تقلید کرد و در صورت
یأس از ترجیح یکی از آن دو بر دیگری، فرد
اختیار دارد از هریک از آن دو مجتهد تقلید کند
(آیت الله بهجت).^۲

در صورت تعارض شهادت اهل خبره درباره
اعلمیت مجتهدان، هر دو بینه از درجه اعتبار
ساقط می شود. اگر واجد حجیت بوده باشند،
پس باید به احوط از دو قول و احوط از دو فتوا
اخذ کرد. در صورت تعارض شیاع و بینه، اگر
شیاع افاده علم یا اطمینان کند، بر بینه مقدم
است و اگر افاده علم یا اطمینان نکند، بینه بر
شیاع مقدم است (آیت الله خویی).^۳

در اثبات اعلمیت مرجع از راه شیاع، اگر
تعارض شد و اهل خبره تعارض کردند، هر کدام

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۸؛ ناصر مکارم شیرازی،

استفتائات، ج ۳، س ۸؛ سایت، راه های شناخت اعلم، س ۴؛ مجمع المسائل،

سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ج ۱، س ۲۱۷.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۷۹.

۳. سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۱۰۹.

خبرویت زیادتر دارند، ترجیح با آنها می‌شود
(آیت‌الله تبریزی).^۱

در صورت تعارض اهل خبره، شهادت گروهی پذیرفته است که خبرویت بیشتری دارند؛ به طوری که احتمال اصابت واقع در شهادت آن گروه از اهل خبره، از احتمال اصابت واقع در شهادت گروه دیگر قوی‌تر باشد و دودلی ناشی از تعارض گفتار دو گروه از اهل خبره، تنها به یک طرف منصرف شود و گفتار گروه دیگر در مقایسه با گروه معارض، عرفاً خالی از تردید محسوب شود (آیت‌الله سیستانی).^۲

۵. ۴. ۶. اگر شناختن اعلم مشکل باشد، از

چه کسی تقلید کنیم؟

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، به احتیاط واجب (آیات عظام اراکی و نوری: فتوا) باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، به احتیاط واجب باید از او تقلید کند (حضرت امام و آیات عظام بهجت، نوری، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).^۳

۱. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۴۷ و ج ۲، س ۵ و توضیح المسائل، م ۳ و منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۰.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۰.

۳. توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ سید روح‌الله خمینی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۴؛ «ولی بهتر است در این صورت به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد.»

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی بدهد که کسی اعلم است و احتمال اعلم بودن دیگری را ندهد، باید از همان کس تقلید کند. همین طور اگر اعلم داشته باشد که مثلاً دو نفر یا مساوی در اعلم هستند یا یکی از آن‌ها به طور معین، احتمالاً اعلم است و احتمال اعلمیت دیگری را ندهد، باید از آن شخص معین تقلید کند (آیت‌الله فاضل).^۱

اگر اختلاف مجتهدان هرچند اجمالاً معلوم شود و شناختن اعلم مشکل باشد، لازم است از کسی تقلید کند که او با دیگران مساوی بوده یا از آن‌ها اعلم باشد. در صورت احتمال اعلمیت در هر کدام، کافی است از یکی از آن‌ها تقلید کند. گمان به اعلمیت معتبر نیست (آیت‌الله تبریزی).^۲

اگر اختلاف دو مجتهد، هرچند اجمالاً معلوم شود و شناختن اعلم مشکل باشد، هرچند به اعلمیت یکی گمان پیدا کنیم، لازم است احتیاط کنیم. در صورتی که احتیاط ممکن نباشد، باید از کسی تقلید کنیم که به اعلم بودن او گمان داریم؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهیم که کسی اعلم است و بدانیم دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کنیم (آیت‌الله خویی).^۳

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۷.
 ۲. جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۴ و استفتائات، ج ۱، س ۳ و ۳۵ و ۵۸.
 ۳. توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱.



اگر اختلاف دو مجتهد یا بیشتر در مسائل محل ابتلا، هرچند اجمالاً معلوم باشد، ولی شناختن شخص اعلم میسر نباشد یا مساوی باشند، چنانچه اورعیت یکی از آن‌ها ثابت شود، باید از او تقلید کند و اگر اورعیت هم ثابت نشود، مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق کند؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف. در این صورت بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید هر دو فتوا را رعایت کند (آیت الله سیستانی).^۱

هرگاه شناختن اعلم به طور قطع ممکن نشود، احتیاط این است از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد. در صورت شک میان چند مجتهد و عدم ترجیح آن‌ها، از هر کدام که بخواهد، می‌تواند تقلید کند (آیت الله مکارم).^۲

اگر بین دو مجتهد یا بیشتر در فتاوی مبتلا به، علم به اختلاف باشد، اگرچه اجمالاً، در صورتی که بداند یا حجت شرعی بر تساوی آنان در علم باشد، باید به فتوای کسی عمل کند که فتوای او مطابق با احتیاط است. چنانچه فتوای یکی از آنان مطابق با احتیاط نباشد یا مشقت داشته باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای کسی عمل کند که ورع او در فتوادادن بیشتر است. اگر در این جهت هم مساوی‌اند،

۱. منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم

طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل جدید، ج ۴۵، م ۶؛ سید محمد کاظم

طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۱ و استفتائات، ج ۱، س ۱۷ و ج ۲،

س ۱۵ و سایت، تقلید از چند مرجع، س ۴.

مخیر است. همچنین است در غیر این صورت؛ چه وجود اعلم معلوم باشد، ولی معین نباشد یا وجود اعلم محتمل باشد، اگر احتیاط ممکن بوده و مشقت نداشته باشد. اگر احتیاط ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد، در صورتی که وجود اعلم معلوم باشد، ولی معین نباشد، چنانچه احتمال اعلیت در یک طرف بیشتر باشد، باید به فتوای او عمل کند و اگر مساوی باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای او رع در فتوا عمل کند. اگر در این جهت هم مساوی اند، مخیر است. در صورتی که وجود اعلم محتمل باشد، بنا بر احتیاط باید به فتوای کسی عمل کند که گمان دارد یا احتمال می دهد اعلم است یا احتمال اعلیت در او اقواست. اگر نه، بنا بر احتیاط، باید به فتوای او رع در فتوا عمل کند. اگر در این جهت هم مساوی اند، مخیر است (آیت الله وحید).^۱

اگر شناختن اعلم مشکل باشد، می تواند از کسی تقلید کند که به اعلم بودن دیگران از او، یقین نداشته باشد یا مخالفت فتوای او با فتوای اعلم، معلوم نباشد (آیت الله صافی گلپایگانی).^۲ اگر انسان اختلاف بین مجتهدان را در مسائل محل ابتلا احتمال دهد و یقین داشته باشد که یکی از مجتهدان از دیگران اعلم است، ولی نتواند اعلم را تشخیص دهد، باید در صورت

۱. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۴ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۴۳۸.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۴ و جامع الاحکام، ج ۱، س ۸.

امکان احتیاط کند و اگر احتیاط ممکن نیست، از کسی تقلید کند که به اعلم بودن وی گمان داشته باشد. اگر گمان نداشته باشد، از هرکسی که احتمال اعلم بودن او را بدهد، می تواند تقلید کند.

اگر یقین نداشته باشد که یکی از مجتهدان از دیگران اعلم است، باید از کسی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد و احتیاط کردن لازم نیست؛ بلکه اگر احتمال اعلم بودن یکی را بدهد و بداند دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کند؛ اگرچه گمان داشته باشد که مساوی اند و اگر هیچ یک از افراد در احتمال اعلم بودن بر دیگری ترجیح نداشته باشد، از یکی از آنها تقلید کند (آیت الله زنجانی).^۱

۷.۴.۵. علم اجمالی به علمیت یکی از دو

مجتهد

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است (آیت الله گلپایگانی: که اگر احتمال تساوی هم نباشد، در صورت تساوی مخیر هستند)، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد،^۲ اگر احتیاط بین دو قول ممکن باشد، بنا بر احتیاط واجب باید احتیاط کند و اگر احتیاط ممکن نبود، مخیر است (حضرت امام و آیات عظام مکارم،

۱. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۴.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸؛ ناصر مکارم شیرازی: «اگر به اختلاف در مسائلی که محل ابتلاست، علم داشته باشد، پس اگر احتیاط ممکن باشد»؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

گلپایگانی، اراکی و صافی).^۱

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد به اینکه هرکدام از آن دو محتمل‌الاعلمیه باشد، در اینجا مخیر هستیم (آیت‌الله فاضل)^۲

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد و اختلاف دو مجتهد یا بیشتر در مسائل محل ابتلا، هرچند اجمالاً معلوم باشد، در مصادیق علم اجمالی منجز، احتیاط واجب است و در دوران امر بین محذورین، محلی برای احتیاط نیست؛^۳ بلکه با تساوی احتمال اعلمیت، مخیر است. اما اگر احتمال اعلمیت یکی از دو مجتهد بیشتر از مجتهد دیگر باشد، باید از همان مجتهد معین تقلید کرد. اما در غیر این دو حالت، تفصیلی دارد که در منهاج مسئله ۹ ذکر شده است (آیت‌الله سیستانی).^۴

اگر بدانیم که یکی از این دو مجتهد اعلم است، ولی معین کردن اعلم ممکن نباشد، اگر به مخالفت فتوای بین دو مجتهد علم نداشته باشیم، از همان ابتدا مخیر هستیم؛ اما اگر علم

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸؛ سیدروح‌الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۶؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۸.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمد فاضل لنکرانی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸.

۳. مثل اینکه مجتهدی به وجوب عملی و دیگری به حرمت همان عمل فتوا بدهد.

۴. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۹؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸.

به مخالفت داشته باشیم، اگر احتیاط ممکن باشد، به احوط القولین عمل می‌کنیم و اگر احتیاط ممکن نباشد، از مظنون‌الاعلمیه تقلید می‌کنیم. در صورتی که ظن به اعلمیت نداشته باشیم، مخیر هستیم اگر احتمال اعلمیت هر دو مجتهد را بدهیم؛ وگرنه باید از محتمل‌الاعلمیه تقلید کنیم (آیات عظام خویی و وحید).^۱

اگر اعلم منحصر در دو فرد باشد و امکان تعیین وجود نداشته باشد، در صورتی که احتمال تساوی آن دو باشد، اقوا تخییر است مطلقاً و در غیر این صورت، بنا بر احتیاط واجب، باید بین دو قول احتیاط کند و در صورت ممکن نبودن احتیاط، مخیر است (آیت‌الله نوری).^۲

در صورتی که بدانیم یکی از این دو مجتهد اعلم است، اگر به مخالفت فتوای بین دو مجتهد علم نداشته باشیم، از همان ابتدا مخیر هستیم؛ اما در صورت علم به مخالفت، فحص از اعلم واجب است. در صورت عجز از شناخت اعلم، مخیر هستیم از هر کدام از آن‌ها ابتدا تقلید کنیم. این مطلب زمانی است که بدانیم یکی از آن دو به صورت غیرمعین اعلم است؛ اما اگر احتمال اعلمیت یکی از آن دو معین باشد به اینکه بدانیم آن دو یا مساوی هستند یا یکی از آن‌ها معیناً اعلم است، پس تقلید از همان فرد

۱. سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۹؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸. حسین وحید خراسانی در منهاج الصالحین: «اگر یکی از آن دو در فتوا اورع بودع بنا بر احتیاط واجب به قول ایشان عمل کند.»

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۸؛ حسین نوری همدانی.

معین واجب است (آیت الله تبریزی).^۱

۵. ۴. ۸. وظیفه عامی در مسئله وجوب و عدم

وجوب تقلید از اعلم

بر عامی واجب است در مسئله وجوب و عدم وجوب تقلید از اعلم، از مراجع اعلم تقلید کند و جایز نیست از غیراعلمی تقلید کند که به عدم وجوب تقلید از اعلم فتوا داده است. اگر مرجع اعلم به عدم وجوب تقلید اعلم فتوا بدهد، می توان طبق آن عمل کرد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۲

بر عامی واجب است که در مسئله وجوب و عدم وجوب تقلید از اعلم، از مراجع اعلم تقلید کند و جایز نیست که از غیراعلمی تقلید کند که فتوای به عدم وجوب تقلید از اعلم داده است و اگر مرجع اعلم به عدم وجوب تقلید اعلم فتوا بدهد، نمی توان طبق آن عمل کرد (آیت الله بهجت).^۳

۱. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۹؛ استفتائات، ج ۲، س ۴.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۶؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ سید علی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۷؛ استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۶؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۹.

۳. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۷.

۹.۴.۵. تقلید از مرجعی که عدول به اعلم

را حرام می‌داند

اگر از مجتهدی تقلید کند که عدول به اعلم را حرام می‌داند، سپس اعلم از آن مجتهد پیدا شود، احوط عدول به اعلم است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، مکارم، سیستانی، خویی و نوری؛ آیت‌الله نوری: در صورتی که مجتهد اعلم عدول را واجب بداند، عدول واجب است. آیت‌الله مکارم: عدول به اعلم واجب است. آیات عظام سیستانی و خویی: عدول به اعلم با علم به مخالفت فتوا واجب است مطلقاً).^۱

اگر از مجتهدی تقلید کند که عدول به اعلم را حرام می‌داند، سپس اعلم از آن مجتهد پیدا شود، احوط عدول به اعلم است؛ هرچند مرجع اول قائل به جواز باشد؛ مگر اینکه مرجع اعلم عدول را واجب نداند (آیات عظام گلپایگانی و اراکی).^۲

۱۰.۴.۵. تبعیض در تقلید

تبعیض یعنی تقلید را قسمت قسمت کردن و در هر قسمت از احکام، از مجتهد آن قسمت تقلید کردن.

اگر دو مرجع تقلید باشند که یکی مثلاً در عبادات و دیگری در معاملات اعلم باشند، در اینجا تبعیض در تقلید واجب است (حضرت امام

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۴؛ محمد فاضل

لنکرانی؛ سید علی سیستانی؛ سید روح‌الله خمینی؛ حسین نوری همدانی.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۴؛ محمد علی

اراکي؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

و آیات عظام مکارم، خویی، سیستانی، بهجت، نوری، گلپایگانی و اراکی؛ آیت‌الله‌فاضل: بنا بر احتیاط واجب از اعلم تقلید کند).^۱

مقلد می‌تواند هر قسمت از احکام شرعی را از مجتهدی تقلید کند که در آن قسمت تبحر و مهارت بیشتری دارد؛ مثلاً عبادت را از مجتهدی و معاملات را از مجتهد دیگری تقلید کند یا احکام فردی را از یکی و احکام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را از دیگری تقلید کند؛ بلکه اگر اعلیت هر یک از مجتهدان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند، محرز شود، بنا بر احتیاط (واجب)، تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائلی که مقلد به آن نیاز دارد، واجب است (رهبر معظم انقلاب).^۲

۵. ۴. ۱۱. تبعیض در تقلید در صورت تساوی دو

مجتهد

در صورتی که دو مجتهد مساوی باشند، مقلد مخیر است از هر کدام خواست، تقلید کند. تبعیض در مسائل هم جایز است (حضرت امام و آیت‌الله‌اراکي).^۳

در صورتی که دو مجتهد از نظر علمی مساوی

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۷؛ سید روح‌الله خمینی: «بنا بر احتیاط لازم واجب است»؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی: «بنا بر احتیاط واجب، واجب است»؛ سید ابوالقاسم خویی؛ سید علی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۵۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۱۶ و ۱۷.
۲. سید علی خامنه‌ای، رساله آموزشی، تقلید، ص ۱۷ و اجوبة الاستفتائات، س ۱۸ و تحریر المسائل، م ۲۸.
۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۳۳ و ۶۵.

باشند، احتیاط لازم این است: از کسی تقلید کند که اتقی و اورع است. اگر با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند. تبعیض در تقلید هم جایز است؛ حتی در احکام عمل واحد (آیت الله فاضل).^۱

در صورت تساوی مراجع تقلید، تبعیض در تقلید در مسائلی که هنوز به فتوای مرجعی عمل نکرده باشد، جایز است (آیات عظام نوری و تبریزی).^۲

در صورت تساوی، تبعیض در تقلید جایز است؛ ولی در مسائلی که تقلید یکی از متساویین محقق شده است، احتیاط، خودداری از رجوع است (آیت الله صافی گلپایگانی؛ آیت الله گلپایگانی؛ که در حقیقت قدر متیقن تخییر بدوی است، نه استمراری و فرق ندارد که اول تکلیف باشد یا نه).^۳

در صورت تساوی دو مجتهد (در صورت علم به اختلاف فتوایین دو مجتهد) تبعض در تقلید جایز است (تخییر به صورت استمراری است)؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف که بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵ و ۱۳۶؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۳۳ و ۶۵؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۱.

۲. حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۴ و ج ۲، س ۱۱؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۲۴ و ۴۲، ج ۲، س ۴۳.

۳. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۳؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۴ و ۱۶؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۰.

هر دو فتوا را رعایت کند (آیت الله سیستانی).^۱
 در صورتی که دو مجتهد مساوی بودند، تبعض
 در تقلید جایز است. در صورتی که به اختلاف
 فتوای دو مجتهد علم داشته باشیم، باید به
 فتوای کسی عمل کنیم که به احتیاط نزدیک تر
 باشد (آیت الله مکارم).^۲

۵. ۴. ۱۲. تبعیض در تقلید در عمل واحد

جایز است تبعیض در تقلید حتی در احکام
 عمل واحد؛ ولی اگر به گونه ای است که به قول
 هر دو، عمل باطل باشد، (آیت الله نوری: بنا بر
 احتیاط واجب) صحیح نیست (حضرت امام و
 آیات عظام فاضل، گلپایگانی، اراکی، نوری و
 تبریزی).^۳

تبعیض در تقلید، در صورت تساوی دو مجتهد
 مانعی ندارد؛ ولی در عمل واحد از یک نفر تقلید
 کند؛ زیرا در بعضی از مسائل مبتلابه اشکال
 می شود (آیت الله مکارم).^۴
 نمازگزاری از دو مجتهد تقلید می کند،
 در حالی که یکی از آن دو، سوره را در نماز مستحب

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۳۳ و ۶۵؛

سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، م ۸.

۲. توضیح المسائل، م ۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱،
 تقلید، م ۱۳ و ۶۵.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۶۵؛
 سید روح الله خمینی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛
 حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۴؛ الاحکام
 الواضحه، تقلید، م ۱۴؛ استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۲؛ جواد تبریزی، استفتائات،
 ج ۱، س ۲۴ و ۴۲، و ج ۲، س ۴۳؛ سید روح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید،
 س ۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۲.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۱۱ و سایت، تقلید، تقلید از چند
 مرجع، س ۱.

می‌داند و جلسه استراحت را واجب؛ اما مجتهد دیگر به عکس، سوره را در نماز واجب و جلسه استراحت را مستحب می‌داند، این شخص در یک نماز نمی‌تواند از هر دو تقلید کند؛ به گونه‌ای که هم سوره و هم جلسه استراحت را ترک کند؛ زیرا با هر دو مخالفت کرده است و به نظر هر دو، نماز او از جهتی باطل است (آیت الله بهجت).^۱

در صورت تساوی دو مجتهد، مقلد در صورت عدم علم به مخالفت، مخیر است به هر کدام عمل کند؛ وگرنه به احتیاط عمل کند. حکم تبعیض هم همین است (آیت الله خویی).^۲

در فرض تساوی دو مجتهد و عدم علم به اختلاف بین دو مجتهد در مسائل محل ابتلا، مقلد اجمالاً مخیر است به فتوای هر کدام از دو مجتهد عمل کند؛ اما اگر اختلاف بین دو مجتهد در مسائل محل ابتلا، هر چند اجمالاً معلوم باشد، چنانچه اورعیت یکی از آن‌ها ثابت شود، باید از او تقلید کند و اگر اورعیت هم ثابت نشود، مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق کند؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا حجت اجمالی بر تکلیف که بنا بر احتیاط واجب، مکلف باید هر دو فتو را رعایت کند (آیت الله سیستانی).^۳

اگر چند عالم در یک سطح باشند، شخص می‌تواند بعضی از مسائل را از یکی و مسائل

۱. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۱۴۵.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۵.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۳ و ۳۳ و ۶۵.

سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، م ۸.

دیگر را از دیگری تقلید کند (آیت‌الله صافی
گلیایگانی).^۱

۱۳.۴.۵. تقلید از اعلم غیر عادل

تقلید از غیر عادل جایز نیست؛ اگرچه اعلم
باشد (آیت‌الله خویی).^۲

۱۴.۴.۵. تقلید از عالمِ عادل، یا عادلِ اعلم؟
عادلِ اعلم مقدّم است (آیات عظام مکارم و
صافی).^۳

۱۵.۴.۵. داشتن علومی دیگر غیر از فقه و
اصول

داشتن علومی دیگر غیر از فقه و اصول سبب
ترجیح فقیه‌ی بر فقیه دیگر نمی‌شود؛ مگر
علومی که در فهم احکام یا تنقیح موضوعات،
مؤثر باشد (آیت‌الله مکارم).^۴

۱۶.۴.۵. اعلیت در علم اصول

اگر انسان بتواند تشخیص دهد که فلان
مرجع از نظر مبانی اصولی قوی‌تر است، این
تشخیص نمی‌تواند ملاک اعلیت باشد؛ چون
اعلم بودن تنها به آگاهی و اعلیت در علم
اصول حاصل نمی‌شود؛ بلکه شروط دیگری نیز
دارد (آیت‌الله مکارم).^۵

۱. لطف‌الله صافی گلیایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۳.

۲. سید ابوالقاسم خویی، استفتانات، تقلید، س ۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۲، س ۱۰ و سایت، تقلید، شرایط مرجع

تقلید، س ۳؛ لطف‌الله صافی گلیایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۶.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، س ۱، سایت، راه‌های شناخت اعلم، س ۵.

۵. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، س ۸، سایت، راه‌های شناخت اعلم، س ۶.

۵.۵. خاتمه

۵.۵.۱. فتوادادن غیرمجتهد یا مجتهد غیر

جامع الشرایط

فتوادادن غیرمجتهد مطلقاً حرام است؛ اما کسی که مجتهد است، ولی جامع الشرایط نیست، اگر به این قصد فتوا بدهد که دیگران عمل کنند، حرام است (آیات عظام سیستانی، وحید و خویی).^۱

۱۰۳



احکام تنبیه

۵.۵.۲. اطلاع مجتهد از اوضاع زمان و مکان

اطلاع از زمان و مکان صدور آیه یا روایت، فی الجمله در استظهار و استفاده از آن‌ها دخالت دارد و اطلاع از زمان و مکان خود در تطبیق حکم بر موضوع، نافع است (آیت الله بهجت).^۲

۵.۵.۳. آگاهی سیاسی مرجع

آگاهی سیاسی می‌تواند در حکم مرجع تقلید دخالت داشته باشد (آیت الله بهجت).^۳

تقلید از مجتهدی که از مسائل روز جامعه و سیاست داخلی و خارجی کشور آگاه نیست، ولی شروطی دارد که در رساله عملیه ذکر شده است، جایز است؛ به شرط اینکه فتاوی او موجب مفسده‌ای در جامعه اسلامی نشود (آیت الله مکارم).^۴

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ حسین وحید خراسانی و

سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ ج ۲، تقلید، م ۲۱.

۲. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۹.

۳. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۶۰.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲۱.

۵. ۴. ۵. رابطهٔ رسالهٔ عملیه با مرجعیت

تصدی مقام مرجعیت یا داشتن رساله، شرط جواز تقلید نیست؛ ولی مقلد باید بتواند به یکی از راه‌های ذکرشده در رساله، به آرا و فتاویٰ مرجع خود دسترسی پیدا کند (آیت‌الله بهجت).^۱

۵. ۵. ۵. تقلید از علمای کشورهای دیگر

در تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف یا ساکن در محل سکونت او باشد (رهبر معظم انقلاب).^۲

در صورت وجود شروط از جمله اعلیت، جایز است؛ اما اگر دسترسی به آرا و فتاویٰ او به‌طور کلی امکان ندارد، باید با رعایت موازین ذکرشده و با رعایت اعلیت و اورعیت، به مجتهد دیگر مراجعه کند (آیت‌الله بهجت).^۳

۵. ۶. ۵. مجتهد متجزی

تقلید از مجتهد متجزی در موضوعی که اجتهاد دارد، جایز است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام بهجت، گلپایگانی، نوری و شبیری زنجانی).^۴

مجتهد متجزی می‌تواند به فتوای خودش

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۶۱.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱.

۳. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۶۲.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ سیدروح‌الله خمینی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ توضیح‌المسائل مراجع، سیدموسی شبیری زنجانی؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۵۸؛ سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، «به احتیاط مستحب از مجتهد متجزی تقلید نکند»، م ۲۲.



عمل کند و برای دیگران هم در صورتی که مقدار معتدبه از احکام را بداند، عمل به فتوای ایشان جایز است؛ مگر اینکه علم پیدا کنیم فتوای ایشان مخالف مجتهد اعلم یا مخالف فتوای کسی است که با ایشان مساوی است (آیات عظام سیستانی، وحید، خویی و اراکی).^۱

تقلید از مجتهد متجزی جایز نیست (آیت الله مکارم).^۲

در صورتی که مجتهد متجزی از دیگران اعلم باشد، تقلید از ایشان اشکال ندارد (آیت الله فاضل).^۳

مجتهد متجزی می تواند به فتوای خودش عمل کند؛ بلکه اگر مقدار درخور اعتنایی از احکام را بشناسد، جایز است غیر ایشان هم از او تقلید کنند؛ مگر با علم به مخالفت فتوای او با فتوای افضل (آیت الله تبریزی).^۴

استنباط احکام شرعی، مقدماتی دارد که اگر شخص در یک باب مهارت پیدا کند، در ابواب دیگر هم مهارت خواهد داشت. فرض اینکه شخص در یک باب اعلم باشد و در ابواب دیگر اعلم نباشد، امر بعیدی است (آیت الله تبریزی).^۵

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۲۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمدعلی اراکی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲، ناصر مکارم شیرازی؛ در استفتائات، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، ج ۱، س ۲۳، سایت شرایط مرجع تقلید، س ۵.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و محمد فاضل لنکرانی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲.

۴. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۲.

۵. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۵۸ و ۵۹.

پرسش: آیا تقلید از مجتهد متجزی جایز است؟ پاسخ: باید از مجتهد اعلم یا محتمل‌الاعلمیه تقلید کرد (آیت‌الله تبریزی).^۱

۵.۵.۷. طرح مسائل قومی و نژادی در باب

مرجعیت

مرجعیت هیچ ارتباطی با مسائل قومی و نژادی ندارد. شروط و ضوابط آن در رساله‌های عملیه نوشته شده است (آیت‌الله مکارم).^۲

۱۰۷



فصل پنجم / مسائل مربوط به مجتهد

۵.۵.۸. انتخاب مرجع توسط طلبه‌های سال

اول طلبگی

طلبه‌هایی که سال‌های اول طلبگی را می‌گذرانند، نمی‌توانند با استفاده از معیارهای فکری خودشان، مجتهد اعلم را انتخاب کنند؛ بلکه لازم است از افراد سابقه‌دار حوزه که موثق هستند، سؤال کنند (آیت‌الله مکارم).^۳

۵.۵.۹. فحص از مجتهد اعلم

بنا بر احتیاط واجب، فحص از مجتهد اعلم واجب است و اگر رسیدن به اعلم میسر نباشد، در صورت امکان از اعلم بعدش تقلید کند و اگر ممکن نبود، در اطراف شبهه مخیر است (آیت‌الله بهجت).^۴

۱. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۵۸ و ۵۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲، سایت، شرایط مرجع تقلید، س ۲.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۷؛ سایت، تقلید، راه‌های شناخت اعلم، س ۲.

۴. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۵.

فحص از مجتهد اعلم واجب است (حضرت امام و آیات عظام خویی، فاضل، سیستانی، مکارم، گلپایگانی، اراکی، نوری و تبریزی).^۱

۵. ۵. ۱۰. عوض کردن مرجع در صورت نداشتن رساله

در صحت تقلید مجتهد جامع الشرایط، نوشتن رساله شرط نیست؛ بنابراین زمانی که مکلف مجتهد جامع الشرایط را شناخت، در تقلید از او اشکالی نیست؛ هر چند رساله نداشته باشد یا تصدی مرجعیت نکرده باشد. همچنین شرط نیست در مجتهد جامع الشرایط که از اهل وطن مکلف یا ساکنان شهرش باشد (رهبر معظم انقلاب).^۲

نمی شود از یک مرجع تقلید به علت نداشتن رساله فارسی به دیگری عدول کرد و در تمام مسائل، تقلید از اعلم واجب است (آیت الله بهجت).^۳

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۲؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید روح الله خمینی؛ سید علی سیستانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۲۰.

۲. تحریر المسائل، سید علی خامنه ای، م ۲۶.

۳. محمد تقی بهجت، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۱۶۲؛ «پرسش: آیا می شود از یک مرجع تقلید به علت نداشتن توضیح المسائل فارسی به دیگری عدول کرد؟ پاسخ: در تمام مسائل، تقلید از اعلم واجب است.»

۵. ۶. مسائل انتخاب مرجع

۵. ۶. ۱. وظیفه والدین در انتخاب مرجع برای

فرزندان تازه بالغ

اگر بچه‌ای به سن تکلیف می‌رسد و درک مسئله تقلید برای او دشوار است و به تنهایی نمی‌تواند وظیفه شرعی خود را در انتخاب مرجع تشخیص دهد، وظیفه والدین راهنمایی اوست (رهبر معظم انقلاب)^۱.

پرسش: اگر بچه‌ای به سن بلوغ برسد، ولی به سبب نداشتن رشد کافی، هنوز نتواند مرجع تقلیدش را بشناسد، والدین او در قبال وی چه وظیفه‌ای دارند؟ پاسخ: سیره مؤمنان بر ارشاد این دسته افراد و تحقیق برای آنهاست (آیت الله بهجت)^۲.

اطفالی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند و قدرت شناخت مرجع تقلید و اعلم را ندارند، اگر از معلم یا والدین خود سؤال کرده و از گفته آنها اطمینان حاصل و مطابق گفته آنها عمل کنند، کفایت می‌کند (آیت الله فاضل)^۳.

لازم است والدین برای تعیین مرجع تقلید دختری که به نه سالگی رسیده است، او را راهنمایی کنند و اطلاعاتشان را در اختیار وی بگذارند و اگر دختر از سخن والدین اطمینان پیدا کرد، می‌تواند عمل کند (آیت الله مکارم)^۴.

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۴ و تحریر المسائل، م ۲۷.

۲. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۸۷.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۲۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، سایت، راه‌های شناخت اعلم، س ۱.



۲.۶.۵. وکالت در تحقیق مرجع اعلم

پرسش: آیا وکالت در تحقیق مرجع اعلم درست است؛ مثل وکالت پسر برای پدر و زن برای شوهر؟ پاسخ: چنانچه پدر اطمینان دارد که پسر به طریق شرعی تحقیق کرده و اعلم را تشخیص داده است، می‌تواند به گفته او عمل کند. درباره زن و شوهر نیز همین‌طور است (آیت‌الله تبریزی).^۱

۳.۶.۵. نظر بزرگ قوم در انتخاب مرجع

اگر بزرگ قوم یا عشیره یا خانواده از فردی تقلید کند، افراد دیگر نمی‌توانند به تبعیت از او از همان مجتهد تقلید کنند؛ مگر اینکه او توانایی تشخیص مجتهد و اعلم را داشته باشد و به واسطه گفتار وی، درباره اجتهاد و علمیت آن فرد، برای دیگران علم یا اطمینان پیدا شود (آیت‌الله بهجت).^۲

در انتخاب مرجع تقلید، افراد خانواده مختارند و می‌توانند همه یک مرجع داشته یا اگر تشخیص‌هایشان متفاوت باشد، مرجع تقلید متفاوت داشته باشند (آیت‌الله نوری).^۳

۴.۶.۵. اختیار زن در انتخاب مرجع تقلید

زن در انتخاب مرجع تقلید، مستقل است. اگر زن از مجتهدی تقلید کند که کاری را واجب

۱. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۲۹.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۸۳.

۳. حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۴.

یا حرام می‌داند و شوهر از مجتهدی تقلید کند که آن کار را واجب یا حرام نمی‌داند، در اینجا شوهر نمی‌تواند همسر خود را به مخالفت با فتوای مرجع تقلیدش وادار کند؛ بلکه بر زن واجب است طبق فتوای مرجع خود عمل کند (آیت‌الله فاضل).^۱

زن در انتخاب مرجع تقلید، مستقل است؛ اما اگر زن و شوهر هر کدام مرجع تقلید متفاوتی داشته باشند، در مسائل مشترک و اختلافی که به هر دو نفر آنان مربوط می‌شود، مثل جواز یا عدم جواز دخول بعد از پاک شدن و قبل از غسل حیض، وظیفه آنان عمل به احتیاط است (آیت‌الله بهجت).^۲

هر کس در تقلیدش آزاد است. باید تحقیق کند و مطابق آن تقلید کند (آیت‌الله مکارم).^۳

در انتخاب مرجع تقلید، افراد خانواده مختارند و می‌توانند همه یک مرجع داشته یا اگر تشخیص‌هایشان متفاوت باشد، مرجع تقلید متفاوت داشته باشند (آیت‌الله نوری).^۴

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، تقلید، س ۲۲ و ۲۳.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۸۶ و س ۱۰۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۵، سایت، راه‌های شناخت اعلم، س ۹.

۴. حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۴.

۵. ۷. مسائل مربوط به مجتهد

۵. ۷. ۱. تقلید مجتهد از دیگری

تقلید بر مجتهد حرام است. این مسئله، هم شامل مجتهد مطلق می‌شود و هم متجزی (آیت‌الله مکارم).^۱

هرکسی که مجتهد باشد، چه اعلم و چه غیراعلم، تقلید از مجتهد دیگر برای او جایز نیست (آیات عظام گلپایگانی و نوری).^۲ اگر کسی واقعاً مجتهد باشد، باید در خصوص این مسئله اجتهاد کند (آیت‌الله تبریزی).^۳

۵. ۷. ۲. خطا در نقل فتوا

اگر مجتهد بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، باید اشتباه را برطرف کند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، گلپایگانی، اراکی و نوری؛ آیت‌الله‌خویی به تفصیل قائل است).^۴

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲۸.

۲. سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۲۵؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۰.

۳. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۴۲.

۴. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۸؛ سیدروح‌الله خمینی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند»؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۳۰؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۷ و ۱۸؛ سیدابوالقاسم خویی، عروه؛ «در این مطلب، تفصیل است بین اینکه مجتهد به اباحه شیء فتوا داده باشد و بعد مشخص شود که واجب یا حرام بوده است یا اینکه مجتهد به حرمت یا وجوب فتوا داده و بعداً مشخص شود که مباح بوده است. در حالت اول، اعلام، بر مجتهد واجب است و در دومی واجب نیست.»

۵.۷.۳. اعلام تغییر فتوا

پرسش: هرگاه رأی مجتهد از مسئله برگشت، آیا واجب است مجتهد، آن را به مقلدان خود اعلام کند؟ پاسخ: در این مسئله تفصیل است؛ به این نحو که اگر فتوای سابق او با احتیاط موافق است، ظاهر این است که اعلام واجب نباشد و اگر با احتیاط مخالف است، باید اعلام کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، اراکی، گلپایگانی و نوری).^۱

پرسش: هرگاه رأی مجتهد از مسئله برگشت، آیا واجب است آن را به مقلدان خود اعلام کند؟ پاسخ: در این مسئله تفصیل است؛ به این نحو که اگر فتوای سابق او با احتیاط موافق است، ظاهر این است که اعلام واجب نباشد (در اطلاق این مسئله اشکال است؛ زیرا گاهی فتوای سابق موجب ضرر مالی یا شبه آن بر مقلد است. در این صورت، اعلام واجب است.) اگر با احتیاط مخالف است، باید اعلام کند (آیت الله مکارم).^۲ اگر رأی مجتهد عوض شد، اعلام بروی مطلقاً واجب نیست؛ به شرط اینکه رأی اول با موازین اجتهاد باشد (آیات عظام سیستانی، تبریزی، خویی و وحید).^۳

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۹، سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید علی سیستانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سید ابوالقاسم خویی.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۹؛ ناصر مکارم شیرازی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۹؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ۱۴۳۰، م ۲۷؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۲۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین.

۵. ۷. ۴. نظر مرجع تقلید در موضوعات

محضه یا صرفه

تشخیص موضوع محضه، به نظر خود مکلف موکول است و متابعت از مجتهد در تشخیص آن واجب نیست؛ مگر اینکه به آن تشخیص اطمینان پیدا کند یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن به استنباط نیاز دارد (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام وحید، فاضل، خویی، نوری و مکارم).^۱

میزان تشخیص موضوعات محضه عرف است و اگر بین مجتهد و مقلد اختلاف باشد، باید از عرف، نظرخواهی کنند و اگر هریک مدعی است که عرف چنین است، هریک به نظر خود عمل کند (حضرت امام).^۲

تشخیص موضوع محضه، به نظر خود مکلف موکول است و متابعت از مجتهد در تشخیص آن واجب نیست. در حکم مترتب بر موضوعات مستنبطه، باید از مجتهد تقلید کند (آیات عظام گلپایگانی و اراکی).^۳

تشخیص مصادیق موضوعات محضه به عهده خود مکلف است (آیات عظام تبریزی و بهجت).^۴

ج ۱، م ۲۷.

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۷؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س ۳.

۲. سیدروح‌الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۴۰.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۷.

۴. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۵۹؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۰۲.

۵.۷.۵. اعلام ازدست دادن شروط مرجعیت

اگر مرجع تقلید یا مجتهدی احساس کند شروط مرجعیت یا اجتهاد را ازدست داده است، لازم است اعلام کند (آیت الله مکارم).^۱

۵.۸. مسائل مربوط به پاسخ گو

۵.۸.۱. وظیفه پاسخ گو در پاسخ گفتن

۵.۸.۱.۱. جواب دادن طبق مرجع خودش

۱. کسی که پاسخ گوی مسائل شرعی است، آیا می تواند مسائل را به صورت احتیاط، به مقلدان پاسخ دهد؟

۲. آیا پرسیدن نام مرجع تقلید ایشان لازم است؟

۳. آیا می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش جواب بدهد؟

۴. در صورتی که احتیاط، مثلاً موجب پرداخت خمس بیشتر شود، آیا حکم تفاوتی دارد؟
پاسخ ۱ و ۴: اگر بگوید احتیاط در این است که این گونه عمل کنید، اشکال ندارد.

پاسخ ۲ و ۳: اگر سؤال کننده نظر مرجع خاصی را نپرسیده است، در پاسخ می تواند طبق نظر مرجع تقلید خودش پاسخ دهد (مقام معظم رهبری).^۲

اگر مسئله گو بداند مرجع تقلید خودش و

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۷، سایت، شرایط مرجع تقلید، س ۴.

۲. سیدعلی خامنه ای، استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۹۳۲۲۱۸۴۱.

مرجع تقلید سؤال کننده یکی است، می تواند طبق فتوای مرجع تقلید خودش مسئله را بیان کند. همچنین است اگر مسئله گو علمیت مجتهدی را که خود از او تقلید می کند، احراز کرده باشد، ولی احتمال دهد تقلید سؤال کننده صحیح است و علمیت مجتهد خود را احراز نکرده است، باید فتوای مجتهد او را بگوید (آیت الله فاضل).^۱

در صورت نداشتن علم به مخالفت فتوای مرجع تقلید خودمان با مرجع سائل، می توانیم طبق فتوای مرجع تقلید خودمان جواب دهیم (آیت الله خویی).^۲

اگر از کسی مسئله محل اختلافی را سؤال کنند، او نمی تواند نظرو فتوای خودش را اجتهاداً یا تقلیداً بگوید؛ بلکه باید طبق فتوای مرجع سؤال کننده جواب دهد؛ چون سؤال کننده از وظیفه فعلیه خودش سؤال کرده است که همان فتوای مرجع خودش است (آیت الله بهجت).^۳ اگر مسئله ای از روحانی یا مسئله گو یا غیر آن پرسیده شود، لازم نیست مرجع تقلید مخاطب را جویا شود. می تواند براساس فتوای مرجع خود جواب دهد (آیت الله مکارم).^۴ باید رأی مجتهدی را بگوید که سائل از او تقلید می کند (آیت الله گلپایگانی).^۵

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۷.

۲. سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۱۳.

۳. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۱۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، راه های دستیابی به فتوای مجتهد، س ۳.

۵. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۳۰.

۵. ۱۰۸. ۲. وجوب ارشاد جاهل به حکم

ارشاد جاهل بدون عسر و محذور، لازم است
(آیت الله بهجت).^۱

ارشاد جاهل واجب است؛ مگر اینکه عذری
برای مسئول باشد (آیت الله فاضل).^۲

ارشاد جاهل واجب است (آیت الله صافی).^۳
اگر مسئله محل اختلاف نباشد، ولی احتمال
داده شود شخصی که آن را مرتکب می شود،
به حکم مسئله نادان باشد، ظاهر این است
که امرونهی او واجب است؛ مخصوصاً اگر (در
ندانستن حکم) مقصر باشد. احتیاط این است
که اولاً او را به حکم مسئله ارشاد کند؛ آنگاه اگر
به آن اصرار کرد، انکارش کند؛ مخصوصاً اگر
(جاهل) قاصر باشد (حضرت امام).^۴

چنانچه فردی در مسئله ای، از حکم شرعی
بی اطلاع باشد و به سبب ندانستن مسئله
شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود،
در صورتی که فرد جاهل در صدد فراگیری است
و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد
وی و یاد دادن مسئله شرعی به او واجب است؛
مگر در هنگام عسر و حرج تحمل ناپذیر یا ضرر
چشمگیر.

۱. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۱۲ و ۱۱۵.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۲۹ و ج ۳، س ۲۴: «کسی که مسئله شرعی می پرسد، چنانچه مسئله محل ابتلای او باشد و کسی نباشد پاسخ او را بدهد و برای یادگرفتن به جز سؤال راهی ندارد، اگر شما بدانید که وی عبادات را از روی جهل به مسئله و حکم آن، باطل انجام می دهد، ارشاد جاهل به حکم، واجب است؛ مگر اینکه برای مسئول عذری باشد؛ ولی در خصوص انتخاب مرجع، تذکر لازم نیست.»

۳. استفتای کتبی خصوصی.

۴. سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب امر به معروف، القول فی شرایط وجوبهما، م ۳.



بنابراین، کسی که نمی‌داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لیهوی و غنا حرام است یا دست دادن و مصافحه با نامحرم هرچند از خویشاوندان باشد، حرام است یا نمی‌داند نماز آیات در وقت زلزله واجب است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است و به سبب جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محل ابتلاش احکام مذکور را رعایت نمی‌کند، ارشاد او با جمع شدن شروط بالا واجب است. والله العالم (آیت الله سیستانی).^۱

ارشاد جاهل به احکامی کلی که علما آن را در توضیح المسائل یا استفتائاتشان بیان نکرده‌اند و در معرض آگاهی فرد جاهل قرار نگرفته است، چنانچه از احکام الزامی محل ابتلای فرد باشد، لازم است؛ چون تنها راه رسیدن به حکم آن، بیان فرد عالم است (آیت الله خویی).^۲

ارشاد جاهل در واجبات و محرمات واجب است (آیت الله مکارم).^۳

ارشاد جاهل به حکم شرعی کلی که تکلیف الزامی باشد، واجب است؛ مثل کسی که نمی‌داند پوشیدن انگشتر طلا بر مرد جایز نیست یا نماز آیات در وقت زلزله واجب است (آیت الله تبریزی).^۴

۱. استفتای کتبی خصوصی.

۲. سید ابوالقاسم خویی، صراط النجاه، ج ۳، س ۹۴۵؛ سید ابوالقاسم خویی،

استفتائات، تقلید، س ۱۴؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲،

امریه معروف و نهی از منکر، القول فی شرائطها، الرابع.

۳. استفتای کتبی خصوصی.

۴. استفتای کتبی خصوصی.

۵. ۱۰۸. ۳. وجوب ارشاد جاهل به موضوع

اگر فاعل به موضوع جاهل باشد، نه انکار او و نه برطرف کردن جهل او واجب نیست؛ مثل اینکه نماز را از روی غفلت یا فراموشی ترک کند یا مایع مست کننده ای را از باب اینکه موضوع را نمی داند (که مست کننده است) بنوشد. ولی اگر مطلب از چیزهای با اهمیت باشد و مولا مطلقاً به فعل یا ترک آن رضایت نداشته باشد، واجب است آن را برپا دارد و او را امر یا نهی کند؛ مانند قتل نفس محترمه (حضرت امام).^۱

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛^۲ مگر در جایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار هرچند درباره جاهل به موضوع رضایت ندارد؛ مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است، با کسی که قتل او جایز است (آیات عظام مکارم، فاضل، سیستمی، خویی و وحید).^۳

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛ مگر در جایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار هرچند درباره جاهل به موضوع رضایت ندارد؛ مثل شرب خمری که شاربش به خمریت جاهل

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب امر به معروف، القول فی شرائط وجوبهما، م ۳.

۲. برای مثال، وقتی فردی اطلاع ندارد لباسش نجس است و با لباس مذکور نماز می خواند یا فردی می داند باید رو به قبله نماز بخواند، اما اشتباهاً به سمتی نماز می خواند که قبله نیست، بر دیگری که از این امر مطلع است، لازم نیست وی را آگاه کند.

۳. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س ۲؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، طهارات و نجاسات، س ۹۴، ص ۸۴؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، امر به معروف و نهی از منکر، القول فی شرائطها، الرابع؛ سیدعلی سیستمی، منهاج الصالحین، ج ۱، امر به معروف و نهی از منکر، القول فی شرائطها، الرابع.

است یا خوردن سمی که فاعلش به سم بودن آن آگاهی ندارد یا اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است یا ازدواج با محارم (آیت الله خویی).^۱

ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست؛ مگر درجایی که احراز شود شارع مقدس به وقوع آن کار، هرچند درباره جاهل به موضوع رضایت ندارد؛ مثل شرب خمری که شاربش جاهل به خمریت است یا خوردن سمی که فاعلش به سم بودن آن آگاهی ندارد یا اشتباه کسی که قتل او حرام است با کسی که قتل او جایز است یا ازدواج با محارم. آنچه بیان شد، در غیر مصادیق تسبیب به حرام است؛ اما درجایی که عالم سبب ارتکاب حرام توسط جاهل شده است، اعلام لازم است (آیت الله تبریزی).^۲

ارشاد جاهل به موضوع واجب نیست (آیت الله صافی).^۳

۵. ۸. ۲. عوض شدن فتوای مجتهد

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوای ایشان عوض شده است (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، نوری، شاهرودی، سیستانی،

۱. سیدابوالقاسم خویی، صراط النجاه، ج ۳، س ۹۴۵؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج

الصالحین، ج ۲، امریه معروف و نهی از منکر، القول فی شرائطها، الرابع.

۲. تبریزی، صراط النجاه، ج ۳، س ۹۴۵.

۳. استفتای کتبی خصوصی.

وحید، خویی، گلپایگانی و اراکی).^۱
 اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری
 بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود
 (آیت‌الله شبیری: در صورت امکان و عدم حرج)
 بنا بر احتیاط واجب لازم است به او خبر دهد
 که فتوا عوض شده است (آیات عظام فاضل و
 شبیری زنجانی).^۲

در صورت تغییر فتوای مرجع تقلید، احتیاط
 واجب این است که اگر اطلاع پیدا کرد، اطلاع
 دهد (آیت‌الله مکارم).^۳

پرسش: با توجه به اینکه طی استفتایی
 فرموده بودید اعلام تغییر فتوا احتیاط واجب
 است، می‌خواستم بدانم چرا در مسئله ۱۵ رساله،
 اعلام تغییر فتوا را لازم ندانسته‌اید. پاسخ: هرگاه
 تغییر فتوا به سبب خطا باشد، باید اعلان کند؛
 اما اگر طبق موازین، خطایی سر نزده، بلکه
 مدارک جدیدی پیدا کرده است و فتوای او تغییر
 کرده، اعلام آن لازم نیست (آیت‌الله مکارم).^۴

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۳؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۱۳، وسیلة النجاه، م ۲۷؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی، سید روح‌الله خمینی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند»؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله: «باید به هر کسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد»، ج ۱، تقلید، م ۳۰؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی: «اعلام در صورتی واجب است که از عدم اعلام مخالفت حکم الزامی پیش آید»، ج ۲، تقلید، م ۲۷ و توضیح المسائل، م ۱۳؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ سید علی سیستانی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند».

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸، محمد فاضل لنکرانی و جامع المسائل، ج ۲، س ۳۰، الاحکام الواضحه، تقلید،

م ۱۷ و ۱۸؛ سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، سایت، راه‌های دستیابی به فتوای مرجع، س ۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، لزوم فراگیری احکام، س ۴.

۵. ۸. ۳. اشتباه گفتن فتوای مجتهد

در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست؛ ولی کسی که دچار خطا می شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در مسئله ای اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه کند. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا به صحت گفتار گوینده اطمینان پیدا نکرده است، به نقل او عمل کند (رهبر معظم انقلاب).^۱

اگر شخصی فتوای مجتهد را اشتباه بگوید، باید به هر کسی که از او یاد گرفته است، اطلاع دهد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۲

اگر کسی بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، در صورتی که ممکن باشد، باید اشتباه را برطرف کند (آیات عظام تبریزی، بهجت و شاهرودی).^۳

اگر کسی بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، در صورتی که حرجی نباشد، باید اشتباه را

۱. سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۸ و تحریر المسائل، م ۳۲.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۸ و ۵۸؛ محمدعلی اراکی، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی و جامع المسائل، ج ۲، س ۳۰؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۷ و ۱۸؛ سید روح الله خمینی؛ «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند» (تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳۰)؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی. هدایة العباد، ج ۱، م ۳۳.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۳؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۱۳ و وسیلة النجاه، م ۲۷.

برطرف کند (آیت‌الله شبیری زنجانی).^۱

اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید و بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است و گفته او موجب آن می‌شود که آن شخص به خلاف وظیفه شرعی‌اش عمل کند، باید بنا بر احتیاط لازم^۲ اشتباه را برطرف کند (آیات عظام سیستانی، وحید و خویی).^۳

هرگاه کسی در نقل فتوای مجتهدی اشتباه کرده است، باید بعد از اطلاع، صحیح آن را بگوید و اگر در منبر و سخنرانی گفته است، باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده‌اند، از اشتباه در آیند. اما اگر فتوای آن مجتهد تغییر کرده است، اعلام تغییر بر او لازم نیست (آیت‌الله مکارم).^۴

۹.۵. مسائل مربوط به مقلد

۱.۹.۵. شروط مقلد

۱. به سن تکلیف برسد؛ ۲. مجتهد نباشد؛ ۳. محتاط نباشد (رهبر معظم انقلاب).^۵

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۳.

۲. سیدابوالقاسم خویی: «بر او، اعلام به کسی که این مسئله را از او شنیده است، واجب است» (منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲۷).

۳. توضیح المسائل، م ۱۳؛ حسین وحید خراسانی: «اعلام در صورتی واجب است که از عدم اعلام مخالفت حکم الزامی پیش آید» (منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲۷)؛ توضیح المسائل، م ۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ سیدعلی سیستانی و سیدابوالقاسم خویی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند».

۴. توضیح المسائل، م ۱۵؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ آیت‌الله مکارم: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند».

۵. سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۱۲.

۵.۹.۲. شک در جامع الشرائط بودن مرجع

۵.۹.۲.۱. در صورت شک (ساری) در جامع الشرائط

بودن مجتهد

اگر در جامع الشرائط بودن مجتهدی که از او تقلید می‌کنیم، شک (مراد شک ساری است) کردیم، واجب است جست‌وجو کنیم. اگر جامع الشرائط بود که بر تقلید ایشان باقی می‌مانیم و اگر جامع الشرائط نبود یا مشخص نشد که جامع الشرائط است یا نیست، عدول به مجتهد دیگر واجب است (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، مکارم، فاضل، نوری، گلپایگانی، صافی و تبریزی؛ آیت‌الله اراکی جمله داخل پرانتز را ندارد).^۱

اگر شخصی درباره شروط لازم در مرجع تقلید خود دچار شک شود، باید همان کاری را بکند که پیش از انتخاب آن مرجع باید می‌کرد؛ یعنی اگر به اعلم بودن مرجعی گمان دارد،

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۱؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ محمدفاضل لنکرانی در عروه؛ «اگر شک ساری باشد»؛ ناصر مکارم شیرازی؛ جواد تبریزی؛ «اعمال سابق در صورتی که از روی حجت شرعی تقلید کرده است، در عبادات و عقود و ایقاعات به تدارک و اعاده نیاز ندارد؛ چه کیفیت آن اعمال را بدانند، چه ندانند و در صورتی که تقلیدش از روی حجت شرعی نبوده باشد، اگر کیفیت آن‌ها را بدانند، در آن اعمال به مجتهد جامع الشرائط رجوع کند و در صورتی که کیفیت آن را نمی‌داند، باید آن را تدارک کند. البته در صورتی که شک در خارج از وقت باشد، قضا ندارد» (منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۱)؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۹؛ آیات عظام گلپایگانی و صافی؛ «اما حکم اعمال گذشته در صورتی که احتمال عقلایی بر صحت آن باشد، تا قبل از فحص صحیح است.»

در صورتی که گمانش به حد اطمینان برسد، باید از او تقلید کند؛ بلکه اگر برای او اطمینان حاصل نشد، بعید نیست ترجیح مرجعی که فقط به اعلم بودن او گمان دارد یا احتمال می دهد؛ ولی بهتر این است که در این صورت به قول کسی عمل کند که موافق احتیاط باشد؛ اما اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست، باید از او تقلید کند. اگر چند نفر در نظر او از دیگران اعلم و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنها تقلید کند (آیت الله بهجت)^۱.

۵.۹.۲.۲. شک در فوت مجتهد یا تبدیل رأی یا زائل شدن شروط مرجعیت (شک غیرساری)
بنا بر احتیاط، تقلید از غیر اعلم در مسائل محل اختلاف، به مجرد احتمال نبود شروط معتبر در اعلم، جایز نیست (رهبر معظم انقلاب)^۲.
اگر در فوت مجتهد یا تبدیل رأی ایشان یا عارض شدن چیزی شک کنیم که موجب جایز نبودن تقلید از ایشان شود، برای مقلد جایز است بقای بر همین مجتهد تازمانی که حال ایشان آشکار شود (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم، سیستانی، فاضل، اراکی، گلپایگانی، نوری، وحید، تبریزی و صافی)^۳.

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۷۸.

۲. سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۱۷.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۹، سیدروح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید.

اگر در زائل شدن بعضی شروط مرجعیت، مانند عدالت یا اجتهاد شک کردیم، جست و جو لازم نبوده و جایز است بر حالت اول بنا کنیم (آیت الله بهجت).^۱

۵. ۹. ۲. ۳. شک در جامع الشرایط بودن مجتهدی بعد از فوت

اگر بعد از فوت مرجع تقلید شک شود که آیا تا لحظات آخر، شروط مرجعیت را داشته است یا نه، می توان بر تقلید او باقی ماند (آیت الله فاضل).^۲

۵. ۹. ۲. ۴. مجتهد مجهول الحال

مجتهدی که عادل نیست یا مجهول الحال است، تقلید او جایز نیست (آیت الله اراکی: زمانی که سابقاً عادل نباشد)؛ اگرچه در نقل فتاوای خود موثق باشد.^۳ ولی فتاوای او برای عمل خود او معتبر است؛ چنان که حکم او و نه تصرفات او، در امور عامه و نه ولایت او، در اوقاف و وصایا و اموال صغار و غائبان نافذ نیست

۱. م ۲۱؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، شرایط مرجع تقلید، س ۶؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۶؛ منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۳؛ سید ابوالقاسم خویی و حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۳؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۲۰؛ آقای صافی فقط قسمت «عارض شدن چیزی که موجب شود جایز نبودن تقلید از ایشان» را دارد.

۱. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۷.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، تقلید، س ۱۴.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷۱، ناصر مکارم شیرازی: «بنا بر احتیاط واجب، اگر موثق باشد، جایز نیست و قد مر الکلام فیه و کذا ما بعده.»

(حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی،
فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).^۱

۵.۹.۳. تقلید ناصحیح

۵.۹.۳.۱. تقلید از مجتهدی که جامع الشرایط
نیست

اگر شخصی از مجتهدی که جامع الشرایط
نیست، تقلید کند و بعد از مدتی بفهمد وی
جامع الشرایط نبوده است، این شخص مانند
کسی است که بدون تقلید اعمالی را انجام داده
است (حضرت امام و آیات عظام وحید، خویی،
سیستانی، فاضل، مکارم، بهجت، اراکی،
گلپایگانی، نوری، تبریزی و صافی).^۲

۵.۹.۳.۲. فاقد شدن شروط مرجعیت

زمانی که مجتهدی شروط مرجعیت را از دست
بدهد، بر مقلد واجب است به دیگری عدول کند
(حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خویی،

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷۱، ناصر مکارم
شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ سید روح الله خمینی؛ سید ابوالقاسم خویی؛
حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛
محمد فاضل لنکرانی؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۷.
۲. حسین وحید خراسانی و سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید،
م ۱۳؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۵؛
حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛
محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ سید روح الله
خمینی؛ آقای سید علی سیستانی درباره جاهل قاصر و مقصر در عروه، م ۲۵
توضیح داده است؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۸؛
محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، م ۱۱؛ حسین وحید خراسانی، سایت،
استفتائات، تقلید، س ۱۶؛ محمد تقی بهجت، وسیله النجاه، ج ۱، م ۱۷ و ۱۸؛ جواد
تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۳؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و
لطف الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۲۱.



مکارم، فاضل، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۱

اگر شخص از مجتهد اعلم تقلید کند، بعد دیگری اعلم شود، واجب است به اعلم عدول کند (آیت الله تبریزی).^۲

۵. ۹. ۳. ۳. ۳. اعمالی که بدون تقلید انجام داده ایم اگر اعمال، موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است (رهبر معظم انقلاب).^۳

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا (آیت الله نوری: احتمال بدهد) عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده است یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد (حضرت امام^۴ و آیات عظام بهجت و شاهرودی و نوری؛ آیت الله نوری: و در

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۴، سید روح الله خمینی: «بنا بر احتیاط واجب عدول واجب است»؛ سید علی سیستانی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۸ (در تحریر، فتاوی به وجوب عدول دارد) و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۷؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، م ۱۰؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۸؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۲۱.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۰.

۳. سید علی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۷ و تحریر المسائل، م ۱۸.

۴. فتاوی مراجع فوت شده در مسئله بقا، از درجه اعتبار ساقط است. بقا باید با اجازه مرجع زنده باشد.

آن‌ها قصد قربت داشته باشد).^۱

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد (آیت‌الله گلپایگانی: و اگر عبادی بوده است، به قصد قربت آن را به جا آورده باشد) (و در غیر این صورت، باید آن مقداری را که یقین دارد موافق نبوده است، قضا کند و احتیاط مستحب است که به اندازه‌ای قضا کند که به برائت ذمه یقین پیدا کند) (آیات عظام گلپایگانی و اراکی؛ آیت‌الله تبریزی متن داخل پرانتز را ندارد).^۲

اگر مکلف مدتی بدون تقلید عمل کند، در صورتی صحیح است که مطابق با واقع انجام شده باشد و اگر عبادی بوده است، به قصد قربت آن را به جا آورده باشد. راه به دست آوردن

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷؛ حسین نوری همدانی؛ توضیح المسائل، سید روح‌الله خمینی، م ۱۴؛ استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۵ و ۷ و ۱۸ و ۲۷ تا ۳۲؛ نوری همدانی، استفتانات، ج ۲، س ۱؛ آیت‌الله نوری؛ «اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد؛ مگر عمل را طوری انجام داده باشد که از گفته آنان به احتیاط نزدیک تر باشد. در این صورت هم صحیح است» (توضیح المسائل)؛ محمد تقی بهجت، «و عباداتی که قبلاً انجام داده است، با قصد قربت انجام داده باشد»، م ۲۰ و استفتانات، ج ۱، س ۴۹ و ۸۴ و ۹۲.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و توضیح المسائل، م ۱۴ و مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۹؛ «پرسش: کسانی که مقلد نبوده‌اند و بیست سال یا بیشتر، کورکورانه عبادت کرده‌اند، الان که متوجه شده‌اند، تکلیفشان چیست؟ پاسخ: اگر اعمال گذشته مطابق با فتوای مجتهدی باشد که اکنون از او تقلید می‌کنند، صحیح است؛ وگرنه واجب است اعمال گذشته را تدارک کنند و اگر احتمال صحت بدهند، قضا واجب نیست»؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲ و استفتانات، ج ۱، س ۶۶، و توضیح المسائل، م ۱۴.

مطابق شدن آن با واقع این است که یا بعد علم پیدا کند که مطابق با واقع بوده است یا اینکه مطابق فتوای مجتهدی واقع شده باشد که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست (آیت الله صافی گلپایگانی).^۱

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید کند، در صورتی که آن مجتهد به صحت اعمال گذشته حکم کند، آن اعمال صحیح است؛ وگرنه محکوم به بطلان است (آیت الله مکارم).^۲

اگر مکلفی مدتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده است و مقدار آن عبادات را نمی داند، چنانچه کیفیت آن ها را بداند و به موافقت آن با واقع (آیت الله گلپایگانی: یا احتمال موافقت با واقع) علم داشته باشد یا بداند طبق فتوای مجتهدی بوده است که باید از او تقلید می کرده است، صحیح است (آیت الله فاضل).^۳

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، سپس از مجتهدی تقلید کند، چنانچه علم داشته باشد که اعمال گذشته مطابق با واقع یا مطابق فتوای کسی است که فعلاً تقلید از او واجب است، اعمال او صحیح است (آیات عظام وحید و خویی).^۴

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۱۴؛ لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱.

۲. توضیح المسائل، م ۱۴؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۵؛ سایت، تقلید، عمل بدون تقلید، س ۸ و ۴.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۴.

۴. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲ و توضیح المسائل، م ۱۴.

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، چنانچه اعمال او مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که اکنون می‌تواند مرجع او باشد، صحیح است. در غیر این صورت، اگر جاهل قاصر بوده و نقص عمل از جهت ارکان و مانند آن نبوده است، عمل صحیح است. همچنین است اگر جاهل مقصر بوده است و نقص عمل از جهتی بوده است. این اعمال نیز در صورت جهل، صحیح است؛ مانند جهل به جای اخفات یا به عکس. همچنین اگر کیفیت اعمال گذشته را نداند، محکوم به صحت است؛ به جز در بعضی مسائل که در منهاج الصالحین، مسئله ۲ و ۱۱، تفصیل آن بیان شده است (آیت‌الله سیستانی).^۱

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد و پس از آن، از مجتهدی تقلید کند، در صورتی که این مجتهد اعمال گذشته را صحیح بداند، آن اعمال صحیح است و اگر باطل بداند، محکوم به بطلان است و چنانچه در صحت آن اعمال احتیاط کند، مکلف، به وظیفه احتیاطی عمل می‌کند (آیت‌الله شبیری زنجانی).^۲

۱. توضیح المسائل، م ۱۲ و منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲؛ سید محمد کاظم

طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۰.

۲. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۱۴.

۴.۳.۹.۵. حکم جاهل به مقدار اعمالی که بدون

تقلید انجام شده است

چنانچه مکلف بداند مدتی عباداتش را بدون تقلید انجام داده است، ولی مقدار آن را نداند، اگر اعمال با واقع یا با فتوای مجتهدی که وظیفه، تقلید از او بوده است یا مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، موافق باشد، صحیح است و در غیر این صورت^۱ باید عباداتش را به اندازه‌ای قضا کند که به برائت ذمه یقین کند؛ هرچند جواز اکتفای به قدر متیقن، بعید نیست (حضرت امام و آیات عظام مکارم و خویی).^۲

اگر مکلفی مدتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده است و مقدار آن عبادات را نداند، چنانچه کیفیت آن‌ها را بداند و به موافقت آن با واقع (آیت‌الله گلپایگانی: یا احتمال موافقت با واقع) علم داشته باشد یا بداند طبق فتوای مجتهدی بوده است که باید از او تقلید می‌کرده است، صحیح است و اگر مطابق نباشد، قضای به مقدار متیقن واجب است. البته در صورتی که آن مجتهد قضا را واجب بداند، احتیاط مستحب این است: به مقداری که یقین به برائت

۱ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۰؛ ناصر مکارم شیرازی: «وگرنه عباداتش را اگر جاهل مقصر باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید به اندازه‌ای قضا کند که یقین به برائت ذمه پیدا کند و اگر جاهل قاصر باشد، بنا بر احتیاط مستحب باید به اندازه‌ای قضا کند که یقین به برائت ذمه پیدا کند و اگرچه بعید نیست جواز اکتفا به قدر متیقن»؛ سید ابوالقاسم خویی: «وگرنه در صورتی که به مخالفت با واقع علم داشته باشد و این مخالفت به نظر مجتهدی که فعلاً رجوع به او واجب است، موجب قضا باشد، واجب است قضا کند.»

۲ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۰؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۲۴.

ذمه پیدا کند، قضا کند (آیات عظام فاضل، گلیایگانی، اراکی و صافی).^۱

اگر مکلفی مدتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام دهد و مقدار آن عبادات را نداند، چنانچه کیفیت آن‌ها را بداند و به موافقت با واقع یا با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می‌کرده است، علم داشته باشد، صحیح است. اگر مطابق نباشد، قضا به مقدار متیقن واجب است (آیت‌الله تبریزی).^۲

با توجه به توضیح مسئله قبل (اعمالی که بدون تقلید انجام داده‌ایم)، اگر مکلف متوجه شد که عمل ایشان باطل است، قضای آن به مقدار متیقن واجب است (آیات عظام سیستانی و نوری).^۳

۵. ۳. ۹. ۵. اعمال کسی که در انتخاب مرجع

اعلم اشتباه کرده است

کسی که مقلد مجتهدی بوده و به دستور او عمل کرده است و بعداً متوجه شده که علم و عدالتش کمتر از مجتهدان دیگر است، اگر در تشخیص اول، جهات شرعی را رعایت کرده باشد، اعمال گذشته او صحیح است (آیت‌الله فاضل).^۴

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۳؛ جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۸ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲ و ۱۱؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۰ و ۷؛ محمد علی اراکی، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۷.

۲. جواد تبریزی، استفتانات، ج ۲، س ۳۹.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۰ و ۷؛ حسین نوری همدانی؛ سید علی سیستانی.

۴. محمد فاضل لنکرانی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۱۰.

فردی که قبلاً از مجتهدی تقلید می‌کرده و اعمال خود را مطابق فتوای او انجام می‌داده و اکنون متوجه اشتباه خود در انتخاب مرجع شده است، اگر مرجعش را با تحقیق انتخاب کرده، اعمال گذشته او قضا ندارد (آیت‌الله مکارم).^۱

زمانی که مکلف بدون فحص از مجتهدی تقلید کند یا قطع پیدا کند به جامع‌الشرایط بودن مجتهد، سپس در جامع‌الشرایط بودن او شک کند، اگر اعمال گذشته موافق فتوای ایشان بود، احتیاج به اعاده نیست؛ اما اگر موافق نبود، اصلاح اعمال گذشته به وسیله اعاده کردن واجب است؛ اگر به اعاده نیاز داشته باشد (آیت‌الله بهجت).^۲

پرسش: اگر شخصی اعلم بودن مجتهدی را از راه دو شاهد عادل خبره به دست آورد و به فتوای آن مجتهد عمل کند و بعد از چند سال متوجه شود آن دو عادل، خبره نبودند و پیدا کردن دو عادل خبره برای او مشکل باشد، آیا می‌تواند از مجتهدی تقلید کند که به اعلم بودن او گمان دارد؟ آن چند سال که از مجتهد قبلی تقلید کرده است، اعمالش چه حکمی دارد؟ پاسخ: در فرض سؤال اگر متمکن از فحص است، تفحص کند تا احراز علمیت بکند و با عدم تمکن، مظنه کفایت می‌کند. درباره اعمال گذشته، در صورتی که عملش با رأی مجتهدی که به تقلید او مکلف بوده، مطابق بوده است و در

۱. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، متفرقه.

۲. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۷.

عبادات هم قصد قربت داشته، عملش صحیح و مجزی است (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

۵. ۹۰۳. ۶. احراز صلاحیت مرجع بعد از مدتی تقلید

پرسش: اگر کسی پس از مدتی که از مجتهدی تقلید کرد، صلاحیت مجتهد را برای تقلید احراز کرد، آیا حکم کسی را دارد که می‌خواهد از آغاز از او تقلید کند؟ مثلاً در صورتی که صلاحیت وی، بعد از فوت او احراز شد، می‌تواند بر تقلید وی باقی باشد؟ پاسخ: اعمال او در این مدت به صحت محکوم است؛ ولی در فرض سؤال، بقای بر تقلید مشکل است (آیت‌الله بهجت).^۲

پرسش: شخصی در ابتدای بلوغ، بدون در نظر گرفتن مبنای شرعی، از زید تقلید کرده است و پس از مدتی فهمیده که باید تقلید بر مبنای شرعی باشد. از این رو با در نظر گرفتن تساوی بین مراجع عظام، از دیگری تقلید کرده و پس از مدتی باز برای او شبهه ایجاد شده است و چون در ابتدای بلوغ از زید تقلید کرده بود و مبنای شرعی، تساوی بین آنهاست، باز از زید تقلید کرده است. حال این شخص دچار این شبهه شده است: آیا تقلید زید درست است چون اول بلوغ از او تقلید کرده است؟ یا اینکه تقلید آن دیگری درست است چون تقلید بر مبنای شرعی، از وی شروع شده است؟ پاسخ: در فرض مرقوم، بنا بر احتیاط واجب، از مجتهد

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۵ و ۳۹.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۹۰.

دوم تقلید کند که طبق موازین صحیح، از او تقلید کرده است؛ مگر اینکه مجتهد دوم، تقلید را عبارت از عمل به فتوای مجتهد بداند. در این صورت، در مسائلی که عمل نکرده است، با احراز تساوی هر دو مجتهد، می‌تواند از هر کدام که بخواهد تقلید کند. همچنین اگر مجتهد دوم، تقلید را اخذ فتوای مجتهد برای عمل بداند، در مسائلی که از او اخذ فتوا نکرده است، مختار است (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

۷.۳.۹.۵. تقلید کردن از کسی که اهلیت فتوا ندارد
اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد و بعداً متوجه شود، عدول واجب است و اعمال گذشته مانند عمل جاهل است که تقلید نکرده است. همچنین اگر از غیر اعلم تقلید کند، بنا بر احتیاط واجب باید به اعلم رجوع کند؛ اما اگر از اعلم تقلید کند و بعد مشخص شود دیگری اعلم بوده است، بنا بر احتیاط واجب، باید به اعلم عدول کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، اراکی، گلپایگانی، سیستانی و صافی).^۲
اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد و

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۶.

۲. سید روح‌الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۷؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سید ابوالقاسم خویی و ناصر مکارم شیرازی: «به احتیاط واجب، با علم به مخالفت به فتوا رجوع به اعلم واجب است.» آیت‌الله سید علی سیستانی در مسئله ۲۵ عروه توضیح بیشتری داده است؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، «بنا بر احتیاط واجب در مسائلی که تفصیلاً می‌داند فتوای آن دو مخالف یکدیگر است، به اعلم عدول کند»، ج ۱، م ۱۲؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۳.

بعداً متوجه شود، عدول واجب است و اعمال گذشته مانند عمل جاهل است که تقلید نکرده است. همچنین اگر از غیر اعلم تقلید کند، باید به اعلم رجوع کند؛ اما اگر از اعلم تقلید کند و بعد مشخص شود که دیگری اعلم بوده است، در اینجا هم باید به اعلم عدول کند و اگر تقلیدش صحیح بوده است، اعمال گذشته صحیح است (آیات عظام فاضل و خویی).^۱

اگر از کسی تقلید کرده است که اهلیت فتوادادن ندارد، واجب است از او عدول کرده و از کسی تقلید کند که برای فتوادادن اهلیت دارد و اعمال گذشته، اگر مطابق با واقع یا فتوای مجتهدی باشد که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست، صحیح است (آیت الله وحید).^۲

اگر از کسی تقلید کند که اهلیت فتوا ندارد، عدول به کسی که اهلیت فتوا دارد، واجب است (آیت الله تبریزی).^۳

۵. ۹. ۳. ۸. در صورت تقلید اشتباهی از مرجع دیگر اگر از شخصی تقلید کند به خیال اینکه زید است، سپس آشکار شود عمرو بوده است، در اینجا اگر هر دو در فضیلت، مساوی بودند، تقلید هم صحیح است (حضرت امام و آیات عظام خویی، مکارم، گلپایگانی و نوری).^۴

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۷؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۷ و جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۳۲.

۲. حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۶.

۳. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۰.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۵؛ حسین

هرگاه از شخصی تقلید کرد به خیال اینکه زید است، سپس ظاهر شد که او عمرو است، اگر هر دو در فضیلت مساوی اند و تقلید او هم بر وجه تقلید نبوده است، صحیح است؛ وگرنه مشکل است (آیات عظام فاضل و اراکی).^۱

اگر از شخصی تقلید کند به خیال اینکه زید است، سپس آشکار شود عمرو بوده است، در اینجا اگر یکی از دو مجتهد افضل بودند، با نداشتن علم به مخالفت بین آن دو مرجع تقلید، تقلید مطلقاً صحیح است؛ هرچند زید افضل باشد. در صورت علم به مخالفت، تقلید از عمرو صحیح نیست؛ مگر زمانی که عمرو افضل باشد. اما اگر تقلیدش بر وجه تقلید باشد، تقلید به این معنا تحقق پیدا نکرده است (آیت الله سیستانی).^۲

۹.۳.۹.۵. عمل بدون توجه به تقلید

شخصی که متوجه عنوان تقلید نبوده است، ولی اگر مسئله‌ای برایش پیش می‌آمده است به رساله مجتهد وقت رجوع و بدان عمل می‌کرده است، همانند فرد بدون تقلید بوده و بقای بر آن میت در صورت فوت مشکل است؛ اگرچه

نوری همدانی؛ ناصر مکارم شیرازی: «اگر در فضیلت مساوی هم نبودند، تقلید صحیح است»؛ سیدروح الله خمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی.

۱. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۵؛ محمد فاضل لنکرانی؛ محمد علی اراکی.

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۵؛ سیدعلی سیستانی.

عملش صحیح است (آیت الله بهجت).^۱
 عمل بدون توجه به تقلید باطل است؛ مگر
 اینکه مطابق با واقع یا تقلید صحیح باشد
 (آیت الله تبریزی).^۲

شخصی تقلید نمی کند و حاضر به تقلید هم
 نیست. اگر اعمال او طبق فتوای مجتهدی
 باشد که باید از او تقلید کند، صحیح است
 (آیت الله نوری).^۳

عمل بدون تقلید محکوم به بطلان است؛
 مگر در صورتی که مطابق با فتوای مجتهدی
 باشد که فعلاً وظیفه، تقلید از اوست و درباره
 عبادات، باید با قصد قربت انجام گرفته باشد
 (آیت الله صافی).^۴

۱۰.۳.۹.۵. رجوع قهری احتیاط واجب بدون نیت

رجوع

پرسش: اگر اعلم در مسئله ای فتوا نداده و
 تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم،
 آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلد اعلم،
 بداند مرجعش احتیاط واجب کرده است و باید
 نیت رجوع به فالاعلم کند یا همین که در مقام
 انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای
 فالاعلم است، کافی است؟ به عبارت دیگر اگر
 اعلم مثلاً در احرام از مکّه قدیم احتیاط واجب
 دارد، ولی فالاعلم چنین احتیاطی ندارد و مقلد

۱. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۳۰.

۲. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۶۴.

۳. نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، س ۱.

۴. لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱ و ۳.

اعلم، از مکۀ جدید محرم شده و بعد از اعمال حج، فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است؟ اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ:

اگر عمل او در هنگام صدور از وی مطابق با فتوای کسی بوده است که شرعاً می‌توانست از او تقلید کند، صحیح و مجزی است (رهبر معظم انقلاب).

اگر با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند، مطابقت داشته باشد، الان می‌تواند به او رجوع کند (آیت‌الله سیستانی).

در فرض سؤال، بعد از خاتمۀ اعمال اگر نیت کند که «آنچه انجام داده‌ام، طبق نظر فالاعلم باشد»، اشکال ندارد؛ البته مشروط به اینکه هنگام احرام از مکۀ جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد (آیت‌الله صافی).

بعد از اعمال حج، به فالاعلم رجوع می‌کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست (آیت‌الله مکارم).

همین‌که عمل مطابق فتوای مشهور باشد، صحیح است و نیت رجوع و حتی گفتن و ارجاع دادن لازم نیست. بلی اگر سؤال کردند، باید گفت و اگر بعد از عمل متوجه آن احتیاط شدند، اعاده لازم نیست؛ هرچند اگر بخواهند طبق احتیاط اعاده و عمل کنند، مانعی ندارد (آیت‌الله فاضل).

می‌تواند با رجوع فعلی، آن عمل را تصحیح

کند (آیت الله بهجت).

پس از فهمیدن فتوای فالاعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می‌کند (آیت الله تبریزی).^۱

۵. ۹. ۳. ۱۱. تقلید از میت با لزوم تقلید از حی

فردی در مسئله‌ای که باید از مجتهد زنده تقلید کند، مطابق فتوای مجتهد میت عمل کرده است. اگر اعمالی که انجام داده است، مطابق با فتوای مجتهد اعلم زنده باشد، صحیح است. در غیر این صورت، اگر احتیاج به اعاده دارد، باید آن‌ها را اعاده کند (آیت الله بهجت).^۲

۵. ۹. ۴. راه‌های دستیابی به فتوای مجتهد

۱. شنیدن از خود مجتهد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، فاضل، سیستانی، وحید، نوری، شاه‌رودی، اراکی، گلپایگانی، زنجانی و صافی؛ آیت الله مکارم؛ یا ملاحظه دست خط او).^۳

۱. مناسک حج، ج ۳، ۱۳۹۱، احکام تقلید، فتاوی آیات عظام سیستانی، تبریزی،

صافی، مکارم و فاضل؛ مناسک حج، ج ۳، ۱۳۸۶، احکام تقلید، م ۱۳۵۹،

فتاوی مقام معظم رهبری و آیت الله بهجت.

۲. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۳۹.

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی،

ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛

محمد علی اراکی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی، م ۷؛ سید علی

خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵، تحریر المسائل، م ۳۱؛ سید روح الله

خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ توضیح المسائل، حسین وحید

خراسانی؛ سایت، استفتائات، تقلید، س ۲۰، م ۵؛ محمد فاضل لنکرانی،

الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۶؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاة، م ۲۵؛ آیت الله

شیرازی زنجانی؛ «مسئله به دست آوردن فتوا، یعنی نظر مجتهد، دو راه دارد:

اول، از هر طریقی که علم یا اطمینان برای خود انسان یا نوع مردم بیاورد؛

مثل شنیدن از خود مجتهد یا دیدن در رساله مجتهد یا شنیدن از کسی که



۲. شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، بهجت، خویی، سیستانی، وحید، نوری، اراکی، گلپایگانی، صافی، شاهرودی؛ آیت الله فاضل: خبر دادن یک نفر عادل کفایت نمی‌کند؛ مگر اینکه از قول او علم یا اطمینان حاصل شود؛ آیت الله زنجانی: دو مرد عادل ضابط).

۳. شنیدن از کسی که مطمئن و راست گوشت (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام تبریزی، نوری، شاهرودی، زنجانی؛ وحید: در صورتی که ظن به خلاف نباشد).
شنیدن از کسی که معتمد است (آیت الله مکارم).

شنیدن از کسی که موثق است و به گفته‌اش اطمینان است (حضرت امام و آیات عظام بهجت،

از گفته‌ی اطمینان حاصل شود. دوم، شنیدن از دو مرد عادل ضابط که فتوای مجتهد را نقل کنند. مراد از ضابط، کسی است که اشتباهش در نقل، از متعارف مردم بیشتر نباشد؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۴.

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۷، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵ و تحریر المسائل، «یا عادل واحد»، م ۳۱؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۵ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۲۰؛ حسین وحید خراسانی در سایت در ادامه مطلب بالا، این مطلب را هم آورده است: «و ظن برخلاف گفته‌ی او نیست یا به گفته‌ی او اطمینان دارد»؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاة، م ۲۵؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۴.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵، تحریر المسائل، م ۳۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۵ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۲۰؛ توضیح المسائل مراجع، م ۵.

۳. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۷.

سیستانی، خویی، فاضل، اراکی، گلپایگانی و صافی).^۱

۴. دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام سیستانی، مکارم، وحید، نوری، شاهرودی، اراکی، گلپایگانی، تبریزی، زنجانی، خویی و صافی؛ آیت الله بهجت: بنا بر احوط؛ آیت الله فاضل: یعنی بداند که تمام رساله را خود مجتهد یا افراد موثق وی ملاحظه کرده اند).^۲

۵. مشهور بودن در میان مردم به طوری که سبب اطمینان شود (آیت الله مکارم).^۳

۵. ۹. ۴. ۱. احتمال تغییر فتوای مرجع

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده است، عمل کند. اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده است، جست و جو لازم نیست (حضرت امام و آیات عظام تبریزی،

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسم خویی، محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م ۲۵؛ توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۴.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۵؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل؛ ناصر مکارم شیرازی، م ۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۶؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۵، تحریر المسائل، م ۳۱؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۱؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۵ و سایت، استفتائات، تقلید، س ۲۰؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۶؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، م ۲۵، (بنا بر احوط را در وسیله ندارد)؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۴.

۳. توضیح المسائل، م ۷.

شاهرودی، فاضل، صافی گلپایگانی، نوری، مکارم، بهجت، وحید، خویی، سیستانی، گلپایگانی و اراکی).^۱

اگر انسان احتمال عقلایی بدهد که فتوای مجتهد عوض شده است و تحقیق کردن برای وی حرجی نباشد، لازم است تحقیق کند. کار حرجی کاری است با مشقتی که معمول مردم در امور خود آن را متحمل نمی‌شوند. در زمان تحقیق می‌تواند به همان فتوای سابق عمل کند؛ به شرط اینکه در اولین زمان ممکن درصدد تحقیق برآمده باشد. ولی اگر تحقیق را تأخیر انداخته باشد، در زمان تحقیق باید احتیاط کند (آیت‌الله زنجانی).^۲

۵.۹.۴.۲. تعارض در گفتن فتوای مجتهد

هرگاه میان دو ناقل در نقل فتوا معارضه شد، نقل هر دو ساقط است.^۳ همچنین است حکم در تعارض میان دو بینة. هرگاه نقل با سماع از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. همچنین است هرگاه فتوای در رساله با شنیدن از آن مجتهد معارضه

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۶؛ محمد فاضل لنکرانی و محمدتقی بهجت، م ۹؛ ناصر مکارم شیرازی، م ۸؛ سیدعلی سیستانی و سیدابوالقاسم خویی و حسین وحید خراسانی: «یا عارض شدن حالتی برای مجتهد که شروط اجتهاد را از دست بدهد»؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۳؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۲۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۶.

۲. رساله مراجع، م ۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی: «مگز زمانی که به یکی از آن دو (نه دیگری) وثوق حاصل شود و همین‌گونه است در صورت تعارض نقل با شنیدن و مابعد مسئله»؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹.

کرد. اگر نقل با آنچه در رساله است، معارضه کرد، رساله مقدم است با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. در این صورت حرف ناقل مقدم می شود (حضرت امام و آیت الله مکارم).^۱

اگر دو ناقل در فتوای مجتهدی تعارض کردند، چنانچه اطمینان ناشی از قراین عقلانیه درباره یک طرف حاصل شد، همان، فتوای مجتهد است؛ وگرنه اگر ممکن نبود، تا زمان استعلام از مجتهد به احتیاط عمل کند یا به غیراعلم رجوع کند یا کارش را به تأخیر بیندازد تا از مجتهدش استعلام کند. همچنین است حکم در تعارض میان دو بینة هرگاه نقل با شنیدن از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. همچنین است هرگاه فتوای در رساله با شنیدن از آن مجتهد معارضه کرد. اگر نقل با آنچه در رساله است، معارضه کرد، رساله مقدم است با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. در این صورت حرف ناقل مقدم می شود (آیت الله سیستانی).^۲

اگر دو ناقل در فتوای مجتهدی تعارض کردند و اختلاف تاریخ در این نقل بود و عدول مجتهد از رأی اولش را احتمال بدهیم، به

۱. سیدروح الله خمینی و ناصر مکارم شیرازی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹.

۲. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۸؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹.

متأخرالتاریخ عمل می‌کنیم. در غیر این صورت، به احتیاط عمل می‌کنیم بنا بر احتیاط واجب (آیت‌الله وحید: بل علی الاقوی)، تازمانی که حکم مرجع آشکار شود (آیات عظام وحید و خویی و تبریزی).^۱

اگر قول دو نفر در جواب سؤالی مخالف یکدیگر بود و به رساله یا مرجع تقلید هم دسترسی نبود، قول هر کدام را که اطمینان به وثاقت و صحتش دارید، اخذ کرده و بدان عمل کنید. اگر مساوی هستند، قول هر کدام را که موافق احتیاط است، مقدم بدارید یا به احتیاط عمل کنید. همچنین است حکم در تعارض میان دو بینه.

هرگاه نقل با شنیدن از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. همچنین است هرگاه فتوای موجود در رساله با شنیدن از آن مجتهد معارضه کرد. اگر نقل با آنچه در رساله است، معارضه کرد، در صورتی که رساله به خط مجتهد بوده یا همه‌اش به رؤیت مجتهد رسیده باشد، رساله مقدم است، با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید

۱. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۲۸؛ آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی در عروه این‌گونه دارد: «هرگاه معارضه شد میان دو ناقل در نقل فتوا، نقل هر دو ساقط است. همچنین است حکم در تعارض مابین دو بینه. هرگاه نقل با سماع از مجتهد معارضه کرد، آنچه از زبان مجتهد شنیده شد، مقدم است. (در این مسائل و مسائل بعدش به‌طور مطلق نیست) همچنین است هرگاه فتوای در توضیح المسائل با شنیدن آن از مجتهد معارضه کرد. اگر نقل با آنچه در توضیح المسائل است، معارضه کرد، توضیح المسائل مقدم است با ایمنی از غلط بودن آن؛ مگر زمانی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در توضیح المسائل است، عدول کرده است؛ در این صورت حرف ناقل مقدم می‌شود.» سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۸.

مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. در این صورت حرف ناقل مقدم می شود (آیت الله فاضل).^۱

زمانی که دو ناقل در نقل فتوای مجتهد اختلاف کردند، به قول کسی اخذ می شود که بین آن دو ثقه است. با مساوی بودن آن دو در وثاقت، قول هر دو ساقط می شود. اگر امکان رجوع به مجتهد یا رساله باشد، به احتیاط عمل می کند یا احوط از دو فتوا را عمل می کند. در صورتی که برخی از طریق های چهارگانه ارائه شده برای به دست آوردن نظر مجتهد با یکدیگر منافات پیدا کرد، شنیدن از خود مجتهد یا دو نفر عادل، بر دیدن از رساله یا شنیدن از فرد مطمئن مقدم است. در صورت تعارض بین دو راه اخیر، باید تا کسب نظر مجتهد در آن مسئله به احتیاط عمل کند (آیت الله بهجت).^۲ در صورتی که نقل شخص معتبر با نوشته رساله معتبر مخالفت کند و اشتباه در یکی معلوم نشود، شخص باید تا روشن شدن فتوای مجتهد به احتیاط عمل کند. اگر ناقل نقل خود را به رساله ای نسبت بدهد که در آن رساله خلاف نقل مذکور است، نقل او اعتبار ندارد (آیت الله تبریزی).^۳

در صورتی که انسان فتوایی را از خود مجتهد بشنود، ولی به سببی احتمال مخالفت آن فتوا را

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۲۷ و الاحکام الواضحه، تقلید،

م ۱۹؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹.

۲. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۲۶ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۰۸.

۳. توضیح المسائل، م ۵.

با رساله مجتهد بدهد، بدین گونه که مثلاً مجتهد در نقل فتوای خود اشتباه کرده است، نمی تواند به گفته مجتهد اعتماد کند. همچنین تا به درستی رساله مجتهد اطمینان حاصل نشود، نمی تواند بدان عمل کند (آیت الله شبیری زنجانی).^۱

اگر دو نفر مسئله گو و ناقل فتوا در خصوص یک مسئله، فتوای یک مجتهد را به دو گونه نقل کنند، قول هر کدام که بیشتر محل وثوق و اعتماد است، مقدم است و اگر از نظر وثاقت و اطمینان، مساوی باشند، قول هر دو از بین می رود. حال اگر ممکن باشد، باید به خود مجتهد یا رساله او مراجعه کرد و اگر ممکن نبود، می توان به هریک از این دو قول که موافق احتیاط است، عمل کرد یا می توان احتیاط کرد (آیت الله صافی).^۲

اگر قول دو ناقل یا دو بینة در نقل فتوا تعارض کند، در صورتی که متکافئ باشند، قول هر دو ساقط می شود و در صورت عدم تکافؤ به قول کسی اخذ می شود که به آن وثوق حاصل می شود. در صورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند و خود مجتهد به آنچه در رساله است، التفات داشته باشد، شنیدن مقدم است؛ وگرنه ایشان را به

۱. رساله مراجع، م ۵.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۵.

آنچه در رساله است، توجه می‌دهیم؛ پس هرکدام را مجتهد اختیار کرد، اخذ می‌کنیم. اگر نقل ناقل با آنچه در رساله است، تعارض کند، در صورتی که رساله، مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

اگر قول دو ناقل یا دو بینه در نقل فتوا تعارض کند، قول هر دو ساقط می‌شود. در صورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند، شنیدن، مقدم است. اگر نقل ناقل با آنچه در رساله است، تعارض کند، در صورتی که رساله، مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت‌الله اراکی).^۲

اگر قول دو ناقل یا دو بینه در نقل فتوا تعارض کند، در صورت عدم تکافؤ، به قول اوثق اخذ می‌شود؛ مگر در صورتی که ناقل بگوید مجتهد از آنچه در رساله است، عدول کرده است. در این صورت در فرض ممکن نبودن احتیاط، عمل به آن واجب است؛ وگرنه در صورت امکان تأخیر، باید احتیاط کند. در صورتی که نقل ناقل با شنیدن از خود مجتهد به صورت شفاهی تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر آنچه در رساله است، با شنیدن از خود مجتهد تعارض کند، شنیدن مقدم است. اگر نقل ناقل با

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، ۵۹م؛

سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، ۲۵م و مجمع المسائل،

ج ۱، س ۲۶ و ۲۷.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، ۵۹م.

آنچه در رساله است، تعارض کند، در صورتی که رساله مأمون از غلط باشد، رساله مقدم است (آیت الله نوری).^۱

۵. ۹. ۴. ۳. وظیفه مقلد، در صورتی که مرجع در

مسئله ای فتوا نداشته باشد

در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسئله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد، با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم اشکال ندارد (رهبر معظم انقلاب).^۲

هرگاه اعلم در مسئله ای فتوا نداشت، اخذ فتوای غیراعلم با رعایت الاعلم فالاعلم (گلیایگانی و صافی: بنا بر احتیاط واجب) جایز است؛ هرچند احتیاط ممکن باشد (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، خویی، اراکی، گلیایگانی، نوری و صافی).^۳

هرگاه اعلم در مسئله ای فتوا نداشته باشد، در صورت نیاز و ممکن نبودن احتیاط یا مشقت داشتن آن، رجوع به غیر، با رعایت الاعلم فالاعلم مانعی ندارد (آیت الله فاضل).^۴

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۹.

۲. سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۸.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلیایگانی؛ سیدعلی سیستانی؛ «یا استعلام فتوا حین ابتلا برای مکلف ممکن نباشد»؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛ ناصر مکارم شیرازی؛ «ندانستن فتوا هم مانند همین است»؛ سیدابوالقاسم خویی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلیایگانی و لطف الله صافی گلیایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۲.

۴. محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۲۱ و عروه، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ «بنا بر احتیاط واجب اخذ حکم از غیراعلم جایز است».

هرگاه مجتهد اعلم در مسئله‌ای فتوا نداشت یا تشخیص فتوای ایشان ممکن نبود، جایز است. در این مسئله با رعایت الاعلم فالاعلم به مرجع بعد رجوع کند (آیت الله بهجت).^۱

۵.۴.۹.۴. توقف و تردد مجتهد در مسئله

زمانی که فتوای مجتهد به توقف و تردد تبدیل شد، بر مقلد واجب است که یا احتیاط کند یا (امام: بنا بر احتیاط واجب) به مرجع اعلم بعد از او عدول کند (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی، نوری و تبریزی).^۲

۵.۴.۹.۵. تقلید در احکام پنج گانه

تقلید در واجبات و محرمات واجب است؛ بلکه تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات نیز واجب است؛ بلکه تعلم هر فعلی که از انسان صادر می شود و حکم آن را نمی داند، لازم است؛ چه از عبادات باشد چه معاملات و چه عادیات؛ مگر عقل استقلالاً درباره آن حکم کند یا از ضروریات باشد یا برای مکلف قطع به حکم حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام خویی و مکارم و اراکی).^۳

۱. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۱.

۲. محمد فاضل لنکرانی: «ولا یتک الاحتیاط»؛ سیدروح الله خمینی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۲؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، م ۱۱؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۵.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹؛ سیدروح الله

تقلید در واجبات و محرمات واجب است؛ بلکه تقلید در جمیع احکام (غیر از قطعیات و ضروریات) از حیث التزام و نفی تشریع واجب است. اما از حیث عمل، تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات چنانچه به عدم وجوب و عدم حرمت علم داشته باشیم، واجب نیست (آیت الله نوری).^۱

تقلید در واجبات و محرمات واجب است و در صورتی که احتمال وجوب بدهیم، تقلید در مستحبات و مکروهات و مباحات واجب است و در صورت عدم احتمال وجوب، تقلید در آنها واجب نیست؛ همچنان که در خصوص دوران امر بین استحباب و اباحه تقلید لازم نیست (آیت الله فاضل).^۲

تقلید در واجبات و محرمات واجب است و در مکروهات و مستحبات و مباحات که در آن احتمال وجوب یا حرمت می‌رود، واجب است، همچنان که تشریع با جهل حرام است (آیت الله گلپایگانی).^۳

انسان باید (آیت الله وحید: در مسائلی که احتمال مخالفت حکم الزامی می‌دهد) در جمیع عبادات و معاملات و سایر افعال و ترکش یا تقلید کند یا احتیاط؛ مگر در جایی که به حکم شرعی

خمینی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد علی اراکی؛ شیرازی؛ ناصر مکارم.
 ۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹؛ حسین نوری همدانی.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹؛ محمد فاضل لنکرانی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱.

علم دارد. همین طور است در بیشتر مستحبات و مباحات (آیات عظام خویی و وحید).^۱

همچنان که تقلید در واجبات و محرمات واجب است، در مکروهات و مستحبات و مباحات هم تقلید لازم است؛ مگر در جایی که علم داشته باشد از فعل یا ترک آن عمل، مخالفت حکم الزامی پیش نمی آید (هرچند حرامی مانند حرمت تشریع باشد) یا حکمی باشد که از ضروریات دین یا مذهب باشد و برای او علم وجدانی یا اطمینانی حاصل شود که از منشأ عقلا حاصل شده باشد؛ مانند شیاع و خبر دادن خبره مطلع بر آن؛ همان طور که در بسیاری از مستحبات و مکروهات این گونه است (آیت الله سیستانی).^۲

برای غیرمجتهد و محتاط واجب است در عبادات و معاملات و جمیع اعمال حتی مستحبات و مباحات تقلید کنند؛ مگر زمانی که آن ها از ضروریات یا یقینیات باشند (آیت الله صافی).^۳

پرسش: آیا تقلید در واجبات و محرمات و مستحبات و مباحات و مکروهات واجب است؟ پاسخ: اگر بخواهد قصد ورود از شارع کند، در غیر ضروریات، تقلید یا عمل به احتیاط واجب است (آیت الله بهجت).^۴

۱. سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین؛ حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۱.

۲. منهاج الصالحین، سید علی سیستانی، ج ۱، م ۱؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۹.

۳. لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱.

۴. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۶۶.

۵.۹.۴.۶. ندانستن حکم مسئله

زمانی که مکلف بداند کاری حرام نیست، اما نداند که واجب یا مکروه یا مستحب یا مباح است، به علت احتمال مطلوبیت و رجای ثواب، جایز است که آن را انجام دهد (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).^۱

زمانی که مکلف بداند کاری حرام نیست، اما نداند که واجب یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا قبل از فحص، واجب است آن را انجام دهد (آیت الله مکارم).^۲

زمانی که مکلف بداند کاری حرام نیست؛ اما نداند که واجب یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا زمان استعلام حکم از مفتی، واجب است آن را انجام دهد (آیت الله سیستانی).^۳

زمانی که مکلف بداند کاری واجب نیست؛ اما نداند که حرام یا مکروه یا مستحب یا مباح است، به علت احتمال مبعوضیت، جایز است آن را ترک کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، اراکی، گلپایگانی و نوری).^۴

زمانی که مکلف بداند کاری واجب نیست،

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰.

۳. سید علی سیستانی؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی.

اما نداند که حرام یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا قبل از فحص واجب است آن را ترک کند (آیت الله مکارم).^۱

زمانی که مکلف بداند کاری واجب نیست، اما نداند که حرام یا مکروه یا مستحب یا مباح است، تا زمان استعمال حکم از مفتی، واجب است آن را ترک کند (آیت الله سیستانی).^۲

۵. ۹. ۴. ۷. وظیفه مقلد در صورت تبدیل رأی

مجتهد

زمانی که رأی مجتهد عوض شود، بر مقلد جایز نیست که بر رأی اول باقی باشد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، خویی، فاضل، نوری، اراکی و گلپایگانی).^۳

۵. ۹. ۴. ۸. اجرای اصالة البرائه و... برای مقلد

برای مقلد اجرای اصالت برائت و اصالت طهارت و استصحاب در شبهات حکمیه جایز نیست؛ اما در شبهات موضوعیه، به شرط اینکه مجتهد او به حجیت آن‌ها قائل باشد، جایز است (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی،

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰.

۲. سید علی سیستانی؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۰.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ «الا زمانی که رأی اول موافق احتیاط باشد. در این صورت بقا به عنوان احتیاط جایز است»؛ سید روح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ سید علی سیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۶.

فاضل، خویی، نوری، اراکی و گلپایگانی).^۱

۵. ۹. ۴. ۹. آیا ظن در نقل فتوا حجت است؟

ظن حجت نیست؛ مگر زمانی که از ظواهر الفاظ مجتهد، چه شفاهاً و چه در رساله‌اش یا از طریق ناقل حاصل شود (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، فاضل، خویی، گلپایگانی و نوری؛ آیت‌الله اراکی: ظاهر لفظ حجت است؛ اگرچه ظن هم پیدا نشود).^۲ ظن حجت نیست و حق این است که مجرد ظن در باب الفاظ نیز حجیت ندارد و مدار بر ظهور عرفی است (آیت‌الله مکارم).^۳

۵. ۹. ۴. ۱۰. وقتی حکم مجتهد را نمی‌دانیم و

مجتهد در دسترس نیست

هرگاه برای عامی مسئله‌ای عارض شد که حکم آن را نمی‌داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، اگر احتیاط ممکن است، احتیاط می‌کند یا واقعه را به تأخیر می‌اندازد تا وقتی که حکم به دستش برسد و سؤال کند. اگر احتیاط

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷۰؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ ناصر مکارم شیرازی: «با علم به شروط آن اصل و شناخت سببی و مسببی و سایر احکام آن»؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدفاضل لنکرانی.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷۲؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدعلی سیستانی: «حجیت ظواهر از باب افاده ظن نیست؛ همچنان که در محله گذشت»؛ سیدروح‌الله خمینی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدفاضل لنکرانی.

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی و ناصر مکارم شیرازی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۷۲.

ممکن نیست، در صورتی که محذوری در عمل نباشد، یک طرف را انجام می‌دهد و حداکثر این است که در صورت مخالفت با واقع یا قول فقیه، عمل را اعاده می‌کند. اگر احتیاط ممکن باشد، با رعایت العلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است. اگر آن هم نباشد و رساله او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی قدرت داشته باشد قول مشهور را معین کند. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که از او تقلید می‌کرد، معلوم شد، باید اعاده یا قضا کند. اگر تعیین قول مشهور هم ممکن نبود، بنا بر احتیاط واجب، به اعلم از علمای اموات مراجعه کند. در صورت ممکن نبودن تعیین اعلم، مخیر است فتوای هر کدام را که می‌خواهد، انجام دهد؛ هر چند بهتر این است که به قول اوثق مراجعه کند و اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنه خود عمل کند و اگر به هیچ طرف مظنه ندارد، بنا بگذارند بر یک طرف. در همه صورت‌ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کند (حضرت امام).^۱

زمانی که مسئله‌ای پیش آید که حکمش را نمی‌دانیم و فتوای اعلم در هنگام حاجت، در معرض وصول نباشد، بین سه امر مخیر هستیم:

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و سید روح الله خمینی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید،

۱. احتیاط؛ ۲. رجوع به غیراعلم؛ ۳. تأخیر واقعۀ تا زمان تمکن از سؤال. با عدم تمکن از این سه امر، اگر امر بین دو محذور دائر باشد، مخیر هستیم. در غیر محذورین، اگر امر بین امثال ظنی و امثال احتمالی دائر باشد، امثال ظنی مقدم می‌شود؛ بلکه لازم است به قوی‌ترین ظن عمل شود. اگر شک در اصل تکلیف باشد، از لحاظ عمل، مخیر است (آیت‌الله سیستانی)^۱. زمانی که مسئله‌ای پیش آید که حکمش را نمی‌دانیم و مرجع اعلم هم نیست، اگر به اختلاف فتوا علم نداشته باشیم، به فتوای یکی از مجتهدان عمل می‌کنیم و اگر به اختلاف علم داشته باشیم، بین تأخیر و احتیاط مخیریم. اگر تأخیر و احتیاط ممکن نبود، با رعایت الاعلم فالاعلم، جایز است به مجتهد دیگری رجوع کنیم و اگر مجتهد دیگری نبود یا رساله‌اش در دسترس نبود، جایز است به قول مشهور بین علما عمل کنیم؛ هرگاه کسی قدرت داشته باشد تا قول مشهور را معین کند. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کردیم و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که از او تقلید می‌کردیم، معلوم شد، اقوا عدم وجوب اعاده یا قضا است؛ زیرا دلیلی بر حرمت تقلید میت نداریم. اگر تعیین قول مشهور هم ممکن نبود، به اوثق اموات رجوع می‌کنیم و اگر خلافش ظاهر شد، اعاده و قضا ندارد. اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنّه

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و سید علی سیستانی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۰.

خود عمل کنیم و اگر به هیچ طرف مظنه نداریم، یک طرف را انجام دهیم. بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده ایم، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کنیم (آیت الله مکارم).^۱

هرگاه برای عامی مسئله‌ای عارض شد که حکم آن را نمی‌داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست و اگر تأخیر واقع شود تا وقتی که دستش برسد و سؤال کند، ممکن است، تأخیر واجب است (اگر از اول قصد تقلید را داشته و اراده احتیاط نکرده باشد)؛ وگرنه اگر احتیاط ممکن است، معین است احتیاط و اگر آن هم ممکن نیست، با رعایت الاعلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است. اگر آن هم ممکن نبوده و رساله او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی بر تعیین قول مشهور قدرت داشته باشد. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی معلوم شد که از او تقلید او می‌کرده است، باید اعاده یا قضا کند. اگر قدرت تعیین قول مشهور را ندارد، باید به اوثق اموات رجوع کند. اگر آن هم ممکن نباشد، باید به مظنه خود عمل کند. اگر به هیچ طرف مظنه ندارد، باید بنا بگذارد بر یک طرف. در همه صورت‌ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و ناصر مکارم شیرازی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۰.

اعاده کند یا قضا (آیت الله فاضل).^۱

هرگاه برای عامی مسئله‌ای عارض شد که حکم آن را نمی‌داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست (آیت الله اراکی: پس اگر تأخیر واقع شود تا وقتی که دستش برسد و سؤال کند، ممکن است، بنا بر احتیاط، تأخیر واجب است؛ البته اگر از اول قصد تقلید را داشته و اراده احتیاط نکرده باشد؛ وگرنه با رعایت الاعلم فالاعلم، رجوع به مجتهد دیگر جایز است) (آیت الله خویی: جایز است تأخیر واقع یا رجوع به غیر اعلم با رعایت الاعلم فالاعلم) و اگر آن هم ممکن نباشد و رساله او هم در دسترس نباشد، عمل به قول مشهور بین علما جایز است؛ هرگاه کسی قدرت تعیین قول مشهور را داشته باشد. هرگاه به قول مشهور بین علما عمل کرد و بعد مخالفت آن با قول مجتهدی که تقلید او را می‌کرد، معلوم شد، باید اعاده یا قضا کند. اگر بر تعیین قول مشهور قدرت ندارد، به اوثق اموات رجوع کند. اگر آن هم ممکن نباشد، به مظنه خود عمل کند و اگر به هیچ طرف مظنه ندارد، بنا بگذارد بر یک طرف. در همه صورت‌ها، بعد از اطلاع از فتوای مجتهد، اگر آنچه عمل کرده است، با فتوای او مخالف است، باید آن عمل را اعاده کند یا قضا (آیات عظام خویی و اراکی).^۲

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۰؛ محمد فاضل

لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۶ و ج ۳، تقلید، س ۱۲.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۰؛

سید ابوالقاسم خویی؛ محمد علی اراکی؛ توضیح المسائل، م ۱۲؛ سید ابوالقاسم

خویی، استفتائات، تقلید، س ۱۲.

هرگاه برای عامی مسئله‌ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، مخیر است بین اینکه احتیاط کند یا تا زمان سؤال از مرجع، عملش را به تأخیر بیندازد یا با رعایت الاعلم فالاعلم به نظر مرجع بعد رجوع کند. اگر مجتهد دیگری نبود، می‌تواند براساس قول مشهور یا اوثق اموات یا هر ظنی عمل کند که از طریق اسباب به دست آمده باشد. (اسباب در طریق استنباط قرار می‌گیرند.) هرگاه بر طبق یکی از این‌ها (مشهور اوثق یا ظن) عمل کرد و معلوم شد با فتوای مجتهدش مخالف بود، باید آن را اعاده یا قضا کند (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

هرگاه دست مقلد به مجتهد، چه اعلم و چه غیراعلم نرسد، باید به احتیاط عمل کند، اگر موجب عسر و حرج نشود؛ وگرنه هجرت از آن محل واجب است، اگر عسر و حرج نباشد؛ وگرنه به قول مشهور اخذ کند، ثم الاشهر فالاشهر. اگر آن‌هم متعذر باشد، به اوثق اموات رجوع کند؛ بلکه با رعایت اعلمیت و اوثقیت به ترتیب و تفصیل مقرر در احیا، اظهر است و لزوم عسر بر عامی یا عدم آن، در غیر تقلید میت واضح است. همچنین اعتبار اعلمیت و اوثقیت در بین امواتی که وصول به آخرین فتاوی‌ای ایشان ممکن است؛ وگرنه به مظنون خود عمل می‌کند. اگر ظن ندارد، به احتمال عمل کند (آیت‌الله بهجت).^۲

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، ۶۰م؛

سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و مجمع المسائل، ج ۱، س ۸.

۲. محمدتقی بهجت، جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۴ و استفتانات، س ۹۶: «اگر صبر ممکن است، وظیفه، به دست آوردن فتوای مرجع است. در غیر این صورت،

هرگاه برای عامی مسئله‌ای عارض شد که حکم آن را نمی‌داند و مجتهد اعلم هم حاضر نیست، در صورتی که احتیاط یا تأخیر واقعه، هر دو امکان دارد، بین این دو مخیر است. در غیر این صورت، رجوع به مرجع بعد با رعایت الاعلم فالاعلم جایز است. اگر مجتهد یا رساله او موجود نباشد، عمل بر طبق قول مشهور بین علما جایز است و زمانی که قدرت بر تعیین قول مشهور موجود باشد و طبق آن عمل کند و بعد معلوم شود که این قول مخالف فتوای مجتهد خودش بوده است، باید آن عمل را اعاده یا قضا کند. در صورتی که نتواند قول مشهور را مشخص کند، به اوثق اموات رجوع کند و اگر آن هم ممکن نباشد و اخذ قول صحیح مجتهدی ممکن نباشد، به ظن خود عمل می‌کند و اگر به هیچ طرفی ظن ندارد، بنا را به یک طرف بگذارد. در همه این حالات، اگر عمل شخص مخالف فتوای مجتهد خودش باشد، باید عمل را اعاده یا قضا کند (آیت‌الله نوری).^۱

اگر برای انسان مسئله‌ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند، لازم است احتیاط کند یا با شروطی که ذکر شد، تقلید کند؛ ولی چنانچه مخالفت غیراعلم با اعلم را اجمالاً بداند و

اگر احتیاط ممکن است، به احتیاط عمل کند و اگر احتیاط ممکن نباشد، چنانچه از انجام عمل، محذوری پیش نیاید، می‌تواند عمل را به جا آورد و بعد از دسترسی به فتوای مرجع، در صورت مخالفت، اعاده کند. این‌ها در صورتی است که عدم دسترسی در تمام مسائل نباشد. در غیر این صورت، می‌تواند به مجتهد اعلم پس از او مراجعه کند.

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و حسین نوری همدانی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۰ و توضیح المسائل، م ۱۲.

تأخیر واقع و احتیاط ممکن نباشد و دستش به اعلم نرسد، جایز است از غیراعلم تقلید کند (آیت الله تبریزی؛ آیت الله وحید: یا حرجی باشد، می تواند از غیراعلم تقلید کند).^۱

اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که فتوای اعلم را نداند، اگر مخالفت فتوای غیراعلم با اعلم معلوم نباشد یا فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد، می تواند به غیراعلم رجوع کند و می تواند از روی احتیاط، وظیفه خود را انجام دهد (آیت الله صافی گلپایگانی).^۲

اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، چنانچه ممکن است، باید صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد. اگر ممکن نیست، باید به فتوای مجتهدی عمل کند که علم او کمتر از مجتهد اعلم و بیشتر از مجتهدهای دیگر است یا اگر می تواند، از راه احتیاط وظیفه خود را انجام دهد (آیت الله شاهرودی).^۳

اگر برای غیرمجتهد مسئله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، لازم است احتیاط کند یا از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند. چنانچه احتمال مخالفت غیراعلم با اعلم را بدهد و تأخیر واقع و احتیاط ممکن نباشد یا با حرج همراه باشد و دستش به اعلم نرسد، جایز است با رعایت الاعلم فالاعلم از غیراعلم تقلید کند (آیت الله شبیری زنجانی).^۴

۱. جواد تبریزی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۲۰؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۲.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲.

۳. توضیح المسائل، م ۱۲.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۲.

۱۱.۴.۹.۵. ظهور و اطلاق کلام مجتهد

پرسش: آیا می‌شود به اطلاق کلام مجتهد عمل یا به ظهور آن اکتفا کرد؟ پاسخ: در جایی که عَقْلاً به ظهور و اطلاق تمسک می‌کنند، مانع ندارد؛ به شرطی که از مظان آن جست‌وجوی کامل شده باشد (آیت‌الله بهجت).^۱

۱۲.۴.۹.۵. توهّم مطابق نبودن فتاوی مرجع

بنا بر احتیاط واجب، به مجرد توهّم مطابق نبودن فتاوی مرجعی که تقلید از او واجب است با ویژگی‌های زمان یا به مجرد سخت بودن فتاوا، عدول از مجتهد اعلم به غیراعلم، جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).^۲ برای انتخاب مرجع تقلید روش‌هایی غیر از آنچه در توضیح المسائل آمده است، معیار نیست؛ نظیر: ۱. از مرجعی تقلید کنیم که شاگرد مرجع قبلی ما باشد؛ ۲. مرجعی را انتخاب کنیم که فتاوی آسان‌تری داشته باشد؛ ۳. مرجعی را برگزینیم که بیشتر اقوام و آشنایان از او تقلید می‌کنند؛ ۴. مقلد مرجعی شویم که پدر و مادر یا معلم ما معرفی می‌کنند. معیار، آگاه‌تر بودن آن مرجع است؛ از هر طریقی که علم به آن حاصل شود (آیت‌الله مکارم).^۳

۱۶۲



احکام تقلید

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۱۷.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۳۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۹ و سایت، تقلید، راه‌های شناخت اعلم، س ۱۸.

۵.۹.۵. مسائلی که یادگرفتن آنها واجب

است

مكلف بايد مسائلی را كه انجام تكالیف شرعی روزمره، به دانستن آن وابسته است، فرا بگیرد؛ مانند مسائل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن. اگر نیاموختن احكام به ترك واجب یا ارتكاب حرام بینجامد، گناهكار است (رهبر معظم انقلاب).^۱

مسائلی را كه انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد (حضرت امام و آیات عظام خویی، بهجت، مكارم، سیستانی، نوری، وحید، صافی گلپایگانی، شاهرودی، اراکی و گلپایگانی).^۲

مسائلی را كه انسان احتمال عقلایی می دهد به آنها احتیاج پیدا كند و نتواند احتیاط كند، باید پیش از عمل یاد بگیرد تا در هنگام عمل، برخلاف وظیفه شرعی خود رفتار نکند (آیت الله شبیری زنجانی).^۳

بر هر مكلفی واجب است اجزا و شروط و

۱. رساله آموزشی، درس ۱، ص ۱۱ و اجوبة الاستفتائات، س ۶ و تحریر المسائل، م ۱.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۱؛ سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۱، تقلید،

س ۷۳ و ۹۵؛ ناصر مكارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ سیدعلی سیستانی،

منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۹؛ حسین وحید خراسانی، منهاج

الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۹؛ حسین وحید خراسانی،

توضیح المسائل، م ۱۱؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۷؛ «اما در

مسائلی كه به ندرت اتفاق می افتد، اخذ توضیح المسائل كافی است تا موقعی

كه مبتلا شد، به آن مراجعه كند؛ به گونه ای كه از وقوع در مخالفت به سبب

جهل به احكامی كه ابتلا به آنها فرض شده است، ایمن باشد و به آن

توضیح المسائل در آینده نزدیک مراجعه كند به احتمال اینکه در زمان وقوع

ابتلا ممكن است نتواند یک باره مراجعه كند؛ «وسيلة النجاة، م ۲۸؛ لطف الله

صافی گلپایگانی، جامع الاحكام، ج ۱، س ۲؛ «مقصود این است كه مسائل

محل ابتلا را كه اگر یاد نگیرد، در مخالفت تكلیف واقع می شود، یاد بگیرد.»

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۱.

موانع و مقدمات عبادات را هرچند اجمالاً بداند (آیت الله فاضل: به گونه ای که بداند عبادتش جامع اجزا و شروط و فاقد موانع است) (حضرت امام و آیات عظام فاضل، سیستانی، خویی، مکارم، اراکی، تبریزی و نوری).^۱

یادگرفتن مسائل شک و سهو و دیگر مسائلی که غالباً محل ابتلاست، واجب است؛ همان طور که یادگرفتن اجزا، شروط، موانع و مقدمات عبادات واجب است. البته اگر اجمالاً بداند عملش همه اجزا و شروط را دارد و فاقد موانع است، صحیح است؛ هرچند علم تفصیلی نداشته باشد. همچنین اگر اطمینان به آن ها داشته باشد یا اطمینان نداشته باشد، اما عمل را به امید این انجام دهد که برای او شکی پیش نیاید یا شک به وجود آید و عمل را به امید مطابقت با وظیفه انجام دهد، در صورت مطابقت اعمال، صحیح است (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۲

یادگرفتن مسائل شک و سهو به مقداری که غالباً محل ابتلاست، واجب است؛ ولی اگر مطمئن باشد^۳ که به شک و سهو مبتلا نمی شود، عملش صحیح است؛ هرچند به احکام شک و سهو علم پیدا نکرده باشد (حضرت امام و

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۷؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید علی سیستانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳۱؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۸.

۲. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۶؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۷.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸، سید ابوالقاسم خویی: اگر احتمال هم بدهد.

آیت الله مکارم).^۱

یادگرفتن مسائل شک و سهو واجب نیست و اگر یاد نگرفت و شک یا سهوی اتفاق افتاد و رجاء برطبق وظیفه عمل کرد یا از این نماز، به وسیله نماز دیگری رفع ید کرد که خالی از شک و سهو است، نمازش صحیح و بدون اشکال است (آیت الله فاضل).^۲

یادگیری اجزای عبادات واجب و شروط آنها واجب است و علم اجمالی به اینکه عباداتش تام الاجزاء و الشرایط است، کفایت می کند و علم تفصیلی لازم نیست. یادگرفتن مسائل شک و سهوی که در معرض ابتلای مکلف است، واجب است (آیات عظام سیستانی و وحید و خویی).^۳

یادگیری مسائل شک و سهوی که در معرض ابتلاست، واجب است؛ برای اینکه در مخالفت واقع گرفتار نشود. همچنین است یادگرفتن دیگر مسائلی که در معرض ابتلاست و برایش احراز نشده است که در حال عمل، امکان یادگیری یا احتیاط در آن مسئله وجود دارد (آیت الله تبریزی).^۴

۱۶۷

فتاوی

فصل پنجم / مسائل مربوط به مجتهد

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۳.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۲۵.

۳. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۹ و ۱۸؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سید ابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۹ و ۱۸؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸.

۴. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۹.

۱.۵.۹.۵. حکم جاهل بودن به مسئله‌ای که در

نماز اتفاق می‌افتد

هرگاه برای مکلف در اثنای نماز مسئله‌ای پیش بیاید که حکم آن را نمی‌داند و تمکن از استعلام ندارد، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال آن را می‌دهد، عمل کند و نماز را به آخر برساند؛ ولی پس از نماز باید مسئله را بپرسد و اگر آنچه عمل کرده است، موجب بطلان نمازش شده باشد، نماز را دوباره بخواند (رهبر معظم انقلاب).^۱

هرگاه بین نماز مسئله‌ای اتفاق افتاد که حکم آن را نمی‌داند، (آیات عظام بهجت و گلپایگانی و صافی؛ و تمکن از استعلام ندارد) جایز است که بنا را بر یکی از دو طرف گذارد (آیت‌الله گلپایگانی؛ اگر احتیاط ممکن نباشد؛ وگرنه باید احتیاط کند).^۲ اگر آنچه عمل کرده است، برخلاف واقع باشد، اعاده کند. پس هرگاه چنین کرد و اتفاقاً آنچه عمل کرده است، مطابق با واقع شد، بر او اعاده واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، ص ۲۰، تحریر المسائل، سیدعلی خامنه‌ای، م ۳۷.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۹، ناصر مکارم شیرازی؛ «اگر یکی از آن دو طرف مطابق احتیاط یا ارجح باشد، به حسب ظنش بنا را بر همان می‌گذارد»؛ سیدابوالقاسم خویی؛ «و برای او قطع نماز جایز است تا نماز را دوباره بخواند».

۳. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۹؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ متن داخل پراوتز را آقای سیستانی و آقای

۵.۹.۶. شک در صحت تقلید

۵.۹.۶.۱. شک در صحت تقلید اعمال گذشته

اگر بدانند که اعمال گذشته‌اش از روی تقلید بوده است، اما نمی‌داند که تقلیدش صحیح بوده یا نه، بنا را بر صحت تقلید می‌گذارد (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی؛ آیت‌الله بهجت: مگر درجایی که به کوتاهی مکلف در فحص علم پیدا شود).^۱

۵.۹.۶.۲. شک در انجام دادن اعمال از روی تقلید

اگر شخصی بعد از بلوغ درباره صحت تقلیدش شک کند که آیا اعمالش از روی تقلید صحیح بوده است یا نه، اعمال سابق را بنا بر صحت می‌گذارد و درباره اعمال آینده واجب است که از روی تقلید صحیح عمل کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۲

مکارم شیرازی ندارند؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳۱؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳۲؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۲۱؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۸؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۴.

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۱؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۵؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۱۴؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۲۳ و ۲۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۸.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۴۵؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ سیدعلی سیستانی؛

۵. ۹. ۷. تقلید بچه ممیز

۵. ۹. ۱۰. تقلید صبی

تقلید بچه ممیز صحیح است؛ بنابراین چنانچه بچه نابالغ ممیز از مجتهدی تقلید کند، سپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کند، حکم تقلید وی مانند سایر بالغان است (رهبر معظم انقلاب و آیات عظام وحید و خویی و تبریزی).^۱

تقلید بچه ممیز صحیح است؛ بنابراین چنانچه بچه نابالغ ممیز از مجتهدی تقلید کند، سپس آن مجتهد قبل از بلوغش فوت کند، حکم تقلید وی مانند سایر بالغان است؛ مگر درباره علم اجمالی منجز که در بحثی با عنوان «اگر چند مجتهد مساوی باشند، تکلیف چیست؟» بیان شد (آیت الله سیستانی).^۲

بچه های ممیزی که خوب و بد را می فهمند و طبق فتوای مجتهد اعلم عمل کرده اند، می توانند بر تقلید او بعد از فوت باقی بمانند (آیت الله فاضل).^۳

در اصل تقلید کردن و همچنین برای باقی ماندن بر تقلید از میت، بلوغ شرط نیست.

ناصر مکارم شیرازی؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۶؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۵؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۹.

۱. حسین وحید خراسانی، سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۵؛ سایت، حسین وحید خراسانی، تقلید، س ۱؛ تحریر المسائل، سیدعلی خامنه ای، م ۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۵ و استفتائات، ج ۲، س ۳۷.

۲. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۵.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۱۶.

اگر ایشان را اعلم یا مساوی با حی می دانید، واجب یا جایز است باقی بمانید؛ به شرحی که در رساله آمده است (آیت الله بهجت).^۱

در صورت علم به اینکه تقلید او در حال تمیز و قبل از بلوغ، از آن مجتهد صحیح بوده است، جواز بقای بر آن تقلید بعید نیست؛ اما اصالة الصحه درباره عمل قبل از بلوغ، خواه تقلید باشد یا عمل، دیگر جاری نیست (آیت الله صافی گلپایگانی).^۲

۵. ۹. ۷. ۲. انتخاب مرجع تقلید توسط بچه ممیز

قبل از بلوغ

پرسش: اگر بچه ممیز قبل از سن تکلیف و رسیدن بلوغ، با تحقیق، از مجتهد اعلم جامع الشرایط یا مجتهد جامع الشرایطی تقلید کند که احتمال اعلم بودن او را می دهد، آیا لازم است بعد از بلوغ درباره شناخت اعلم جامع الشرایط یا محتمل الاعلمیه جامع الشرایط تحقیق کند یا جایز است به تقلید اولیه خود ادامه دهد؟ پاسخ: اگر احراز علمیت یا محتمل الاعلمیه که قبل از بلوغ کرده، روی میزان بوده است، لازم نیست دوباره تحقیق کند (آیت الله تبریزی).^۳

۱. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۲۴ و ۱۲۸ و ۱۲۹.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۲۸.

۳. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۳۰.

۵. ۹. ۸. عبادت جاهل قاصر و مقصر

عمل جاهل مقصر ملتفت بدون تقلید باطل است؛ مگر اینکه هرچه می‌کرده است، به امید درک واقع کرده باشد و مطابق واقع یا مطابق فتوای مجتهدی هم انجام داده باشد که تقلید از او جایز است. همچنین عمل جاهل قاصر یا مقصر غافل، اگر قصد قربت داشته است، صحیح است؛ به شرطی که مطابق با واقع یا با فتوای مجتهدی باشد که تقلید از او جایز است (حضرت امام).^۱

عمل جاهل مقصر ملتفت در صورتی که موافق واقع باشد، صحیح است. این صحت به دلیل این است که آن عمل، به قصد قربت نیاز نداشته است و اگر به قصد قربت نیاز داشته، قصد قربت حاصل شده است؛ همچنان که این مسئله برای بعضی از عوام، اتفاق می‌افتد؛ زیرا تقلید، مانند اجتهاد، فقط طریقی است. مطالبی که ذکر شد، برای زمانی است که شخص، عالم به واقع باشد؛ در غیر این صورت، طریق به واقع، نظر مجتهدی است که اکنون باید از او تقلید کند؛ پس به درستی که حکم آن مرجع برای او منجز است؛ حتی در خصوص حکم قضای اعمال گذشته (آیت الله مکارم).^۲

عمل جاهل مقصر ملتفت باطل است؛ هر چند مطابق واقع باشد. اما جاهل قاصر یا مقصری

۱. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۲۰؛ استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۳۲؛ سیدروح الله خمینی و سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۲. سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

که حین عمل غافل بوده و قصد قربت داشته است، در صورتی که مطابق واقع باشد، صحیح است. طریق به واقع، همان فتوای مجتهدی است که اکنون باید از او تقلید کند. البته در حصول قصد قربت از جاهل مقصر در عبادات در بعضی از صورت‌ها اشکال است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهد، با فتوای مجتهدی که حین عمل باید از او تقلید می‌کرده است نیز مطابق باشد (آیت‌الله نوری).^۱

عمل جاهل مقصر ملتفت در صورتی که عملی عبادی باشد و قصد قربت نکرده باشد، باطل است؛ هرچند آن را مطابق واقع انجام داده باشد. اما جاهل قاصر یا مقصری که حین عمل غافل بوده و قصد قربت کرده است، در صورتی که مطابق واقع باشد، یعنی مطابق با فتوای مجتهدی باشد که اکنون باید از او تقلید کند، صحیح است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهد، با فتوای مجتهدی که حین عمل باید از او تقلید می‌کرده است نیز مطابق باشد (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۲

عمل جاهل مقصر ملتفت در صورتی که مطابق واقع نباشد، باطل است؛ ولی به عبادتی که حکم آن معلوم نیست، نمی‌شود اکتفا کرد؛ تازمانی که مطابقت آن با واقع احراز شود و وجهی برای بطلان در صورت احراز مطابقت با

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۲۳.

واقع نیست. اما جاهل قاصر یا مقصر که حین عمل غافل بوده است و قصد قربت کرده، در صورتی که مطابق فتوای مجتهدی باشد که تقلید از او در حین عمل واجب بوده است، عملش صحیح است (آیت الله فاضل).^۱

عمل جاهل مقصر ملتفت باطل است، هر چند مطابق واقع باشد؛ مگر اینکه عمل را به قصد رجا به جا آورد و بعد از عمل معلوم شود مطابق وظیفه اش عمل کرده است. در این صورت، عملش صحیح است و بر مکلف واجب است پس از عمل، مطابق بودن آن با وظیفه اش را تحقیق کند. اما جاهل قاصر یا مقصری که هنگام عمل، غافل بوده و قصد قربت کرده است، در صورتی که عملش مطابق فتوای مجتهدی باشد که بعد از آن از او تقلید کرده است، صحیح است. احتیاط این است که علاوه بر مطابقت با این مجتهد، با فتوای مجتهدی که حین عمل باید از او تقلید می کرده است نیز مطابق باشد (آیت الله اراکی).^۲

عمل جاهل مقصر ملتفت در صورتی که مطابق با واقع نباشد، باطل است؛ اما جاهل قاصر یا مقصری که در حین عمل غافل بوده و قصد قربت کرده است، در صورتی که مطابق واقع باشد، صحیح است. راه دستیابی به واقع، فتوای مجتهدی است که اکنون باید به او

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

رجوع کند (آیت الله خویی).^۱

عمل جاهل (همه اقسام جاهل) در صورتی که به مطابقت آن با واقع یا با فتوای مجتهدی که اکنون^۲ باید از او تقلید کند، علم پیدا کند، به آن اکتفا می شود؛ بلکه همین حکم در جایی که در مطابقت آن عمل با واقع شک دارد، جاری است. این حکم به علت این است که در کیفیت عملی که از او صادر شده است، شک دارد. مگر در بعضی جاها؛ مانند جایی که مکلف بنایش بر مانعیت جزء یا شرطی بوده است و احتمال می دهد آن جزء یا شرط را غفلتاً اتیان کرده باشد. در همین جا هم در صورتی که بر آن مخالفت، اثری غیر از وجوب قضا مترتب نباشد، به وجوب قضا حکم نمی شود و به همان عمل قبلی اکتفا می شود (آیت الله سیستانی).^۳

عمل جاهل مقصر ملتفت، بدون تقلید اگرچه مطابق واقع باشد، باطل است؛ مگر در صورتی که قصد قربت حاصل شده باشد. همچنین در صورت مخالفت هنگامی که مرجع تقلید قائل به عدم وجوب اعاده باشد، صحیح است؛ هر چند در زمان عمل قائل به اعاده بوده است. اما عمل جاهر قاصر یا مقصر غافل در حین عمل، با تحقق قصد قربت صحیح است، اگر مطابق فتوای مجتهدی باشد که بعد از عمل از

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶.

۲. مطابقه مع فتوی من یجب تقلیده حین النظر.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۶؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید روح الله خمینی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ «العبرة فی الصّحة بمطابقة العمل للواقع، و الطريق إليها هو فتوی من یجب الرجوع إليه فعلاً».

او تقلید می‌کند و آن مجتهد به عدم لزوم اعاده و قضا فتوای بدهد؛ هرچند مخالف فتوای کسی باشد که در حین عمل، وظیفه‌اش تقلید از او بوده است (آیت‌الله بهجت).^۱

۵. ۹. ۹. وظیفه انسان تا زمان انتخاب مرجع

بر هر شخصی در زمان جست‌وجو برای انتخاب مرجع واجب است در اعمالش احتیاط کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل، خویی، سیستانی، اراکی و تبریزی؛ آیات عظام گلپایگانی و صافی و مکارم: یا احوط اقوال را اخذ کند؛ آیت‌الله نوری: در احتیاط، اقوال کسانی که محتمل‌الاعلمیه هستند، کفایت می‌کند).^۲

۵. ۹. ۱۰. وظیفه عامی تا زمان مشخص شدن

حکم شرعی

عامی در اطراف شبهه تازمانی که به تساوی یا رجحان در بعضی از اطراف، علم پیدا کند، مخیر است و احتیاط لازم نیست (آیت‌الله بهجت).^۳

۱. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۲۰.

۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۹؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۳؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، م ۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۱۱؛ سیدروح‌الله خمینی: «بر مکلف عامی واجب است در زمانی که مشغول فحص و پیدا کردن مجتهد یا تشخیص اعلم است، به احتیاط عمل کند و در فرض دوم که درحال جست‌وجو از اعلم است، کافی است فتوای چند مجتهد محتمل‌الاعلمیه را به دست آورد و در آن‌ها احتیاط کند؛ یعنی به آن فتوایی عمل کند که به احتیاط نزدیک باشد» (تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۹، استفتانات و ج ۱، تقلید، س ۲۱).

۳. محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۹.

۵. ۹. ۱۱. وظیفه وکیل و وصی در انجام اعمال

۵. ۹. ۱۱. وکیل و اجیر و وصی چگونه اعمال خود را انجام دهند؟

کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، در صورت اختلاف فتوای وکیل و موکل، باید این اعمال را مطابق تقلید موکل خود انجام بدهد، نه مطابق تقلید خودش. اما اگر از ناحیه وصی یا ولی اجیر شده باشد که نماز یا عبادتی نظیر آن را به نیابت از میت انجام دهد، اقوا این است که مراعات تقلید خود را بکند، نه تقلید میت و نه تقلید وصی یا ولی را (حضرت امام و آیات عظام فاضل و خویی).^۲

کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، واجب است در صورت اختلاف فتوای وکیل و موکل، این اعمال را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه مطابق

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۴؛ سید ابوالقاسم خویی: «در اینجا وصی به مقتضای تقلید خودش در نفس اجازه دادن که عمل خودش است عمل کند و اما اعمالی که اجیر انجام می دهد، به مطابق تقلید خودش انجام دهد و احتیاط این است که مراعات تقلید خودش و میت را بکند.»

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۴، سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۳۲ و استفتائات، ج ۱، س ۴۵؛ جامع المسائل، محمد فاضل لنکرانی، ج ۱، تقلید، س ۳۰ و ۳۱، ج ۲، س ۲۶ و ۲۷ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۹.

تقلید خودش. همچنین است درخصوص وصی؛ مگر درجایی که موصی به (اگر وصیتی نباشد) از اصل مال خارج می‌شود؛ پس بنا بر احتیاط، دراین باره باید بر طبق تقلید ورثه عمل کند تا عمل صحیح باشد و در نتیجه تصرف در ترکه بعد از عمل به وصیت، برای ورثه جایز باشد (آیت الله تبریزی).^۱

وکیل در عمل مطابق تقلید موکلش عمل می‌کند؛ مگر زمانی که آن عمل عبادی باشد، مانند ادای زکات و وکیل واقعاً احتمال صحت آن را ندهد. درخصوص وصی بنا بر احتیاط واجب، باید به احتیاط بین تقلید خود و موصی عمل کند (آیت الله وحید).^۲

کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه تقلید خودش؛ البته درجایی که وکیل شرعاً در قبال نفس عمل خارجی یا در قبال آثار عمل مسئول نباشد.^۳ در غیر این صورت، باید مراعات فتوای هر دو مرجع را بکند. در وصی هم حکم

۱. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۴.

۲. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۴.

۳. مثال نفس عمل خارجی: مرجع موکل، فروش چک به شخص ثالث را حلال می‌داند؛ اما مرجع وکیل آن را حرام می‌داند. در اینجا وکیل نمی‌تواند چک موکل را به شخص ثالث بفروشد. مثال آثار عمل خارجی: اگر پسر پدر خویش را وکیل در امر ازدواج کند و مرجع موکل عقد به فارسی را صحیح بداند، اما مرجع وکیل صحیح نداند، در اینجا اگر وکیل (پدر) عقد را به فارسی بخواند، نمی‌تواند آثار محرمیت را بر همسر فرزندش بار کند؛ زیرا هر چند خواندن عقد به فارسی اشکالی ندارد، این عقد به نظر مرجع تقلید وکیل باعث ایجاد علقه زوجیت برای موکل نمی‌شود؛ از این رو آثار زوجیت بار نمی‌شود.

همین است (آیت الله سیستانی).^۱

شکی نیست در اینکه موکل و موصی در این خصوص، طبق نظر مراجع خودشان عمل می‌کنند؛ زیرا هر دوی آن‌ها مأمور به نتیجه هستند؛ اما طریق رسیدن به آن نتیجه، به تشخیص خودشان موکل است؛ مگر اینکه موکل و موصی طریق خاصی را معین کنند. در این صورت واجب است طبق همان انجام شود (آیت الله مکارم).^۲

کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه مطابق تقلید خودش؛ اما وصی باید بر اساس فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند. در استیجار، اجیر باید تقلید خودش را رعایت کند؛ از جمله در نماز (آیت الله نوری).^۳

کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا کفاره وکیل یا وصی شده است، واجب است بر طبق فتوای مرجع خودش عمل کند؛ مگر اینکه موصی یا موجر خصوصیتی را در عمل لحاظ کرده باشد. در این صورت، تخلف از آن

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۴؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۴.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۵۴؛ ناصر مکارم شیرازی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۵۴؛ حسین نوری همدانی؛ برای آگاهی بیشتر درباره استیجار نک: عروه، استیجار، م ۱۵.

خصوصیت جایز نیست (آیت الله اراکی).^۱
 کسی که از طرف غیر برای انجام کاری از قبیل
 اجرای عقد یا ایقاع یا پرداخت خمس یا زکات یا
 کفاره وکیل شده است، بر او واجب است که آن
 عمل را مطابق تقلید موکل خود انجام دهد، نه
 تقلید خودش. اما در وصی، اگر موصی وصیت
 کند به انجام عملی بدون اینکه خصوصیت
 خاصی را در آن لحاظ کند، وصی بر طبق تکلیف
 خودش عمل می کند و در اجیر هم همین گونه
 است. البته اگر موصی وصیت کند به استیجار
 عمل مخصوص، نباید از آن تخلف کرد.
 همین گونه است در اجیر (آیات عظام گلپایگانی
 و صافی).^۲

کسی که برای انجام عباداتی چون نماز و روزه
 و حج نایب می شود، باید به فتوای مرجع تقلید
 خودش عمل کند و در نیابت از حی در حج،
 فی الجمله احتیاط کند. اگر وصی یا ورثه با
 متوفی در مرجع تقلید متفاوت باشند، در مقدار
 محاسبه دیون بر میت، میزان تکلیف میت در
 زمان حیاتش است؛ اما در کیفیت پرداخت، اگر
 درباره آن اختلاف باشد، میزان، تقلید وصی و
 ورثه است (آیت الله بهجت).^۳
 وکیل در عمل از غیر، مانند اجرای عقد یا

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۵۴؛ محمد علی اراکی؛

برای آگاهی بیشتر درباره استیجار نک: عروه، استیجار، م ۱۵.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۵۴؛ سید محمد رضا

موسوی گلپایگانی؛ برای آگاهی بیشتر درباره استیجار نک: عروه، استیجار،

م ۱۵؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة

العباد، ج ۱، م ۳۵.

۳. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۱ و ۱۱۱.

ادای خمس یا زکات یا کفاره، واجب است که به مقتضای تقلید موکل عمل کند، نه تقلید خودش؛ البته در صورتی که فتوای مراجعشان مختلف باشد. در صورتی که به مخالفت رأی موکل با واقع علم نداشته باشد. اگر به مخالف علم داشته باشد، باید در عمل توقف کند. اما وصی در مثل استیجار شدن نماز میت، به فتوای مرجع خودش عمل می کند (آیت الله بهجت) ^۱.

۲. ۱۱. ۹. ۵. وظیفه نایب در انجام اعمال عبادی

پرسش: کسی که برای انجام عباداتی چون نماز و روزه و حج نایب می شود، آیا باید به فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند یا به فتوای مرجع تقلید منوب عنه؟ پاسخ: اگر هنگام عقد اجاره، قید نکرده باشد که طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه عمل کند، باید مطابق فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند و در صورت امکان، بهتر است طوری عمل کند که با فتوای هر دوی آن ها مطابق باشد (آیت الله فاضل) ^۲.

۱۲. ۹. ۵. وظیفه مکلف در عقود درجایی که

فتوای مرجع طرفین مختلف است

۱. ۱۲. ۹. ۵. اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو

طرف متفاوت بود

اگر بایع، مقلد مرجعی باشد که مثلاً به صحت معاطات یا صحت عقد به فارسی قائل است و

۱. محمد تقی بهجت، وسیله النجاه، م ۳۲.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۳۱.

مشتري، مقلد مرجعی باشد که به بطلان قائل است، بیع برای بایع، صحیح و برای مشتری باطل است (حضرت امام و آیات عظام مکارم، سیستانی، خویی، فاضل، بهجت، اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۱

پرسش: اگر در عقود، فتوای مرجع تقلید دو طرف متفاوت بود، تکلیف چیست؟ مانند اینکه بایع مقلد مرجعی باشد که به بطلان بیع حکم کند؛ اما مشتری مقلد کسی باشد که به صحت بیع حکم کند. پاسخ: هرکدام باید بر طبق نظر مرجع تقلید خود عمل کنند (رهبر معظم انقلاب).^۲

۵. ۹. ۱۲. ۲. تفاوت نظر مرجع تقلید طرفین در

کارهای مشترک

ممکن است اجتهاد دو فقیه در صحت ازدواج و فساد آن مختلف باشد. مثلاً در این مسئله اختلاف وجود دارد که تزویج زانی با مادر کسی که با او زنا کرده است یا تزویج زانی با زنی که از آب زانی خلق شده باشد، جایز است یا نه. اگر کسی که به صحت آن قائل است یا کسی که مقلد اوست، با آن زن ازدواج کند، آن دیگری که قائل به فساد ازدواج است، حق ترتب آثار صحت را بر

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۵؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدعلی سیستانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۳۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۶.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، استفتای خصوصی، استفتای ۲۵، کد رهگیری: ۲۵۶۵۲۶۶۰.

آن ندارد. پس نزد کسی که آن را باطل می‌داند، توارثی بین آن‌ها نیست (حضرت امام).^۱

پرسش: در مسائلی مانند ازدواج، اگر مرجع تقلید دو نفر متفاوت باشد و هر کدام بر سر یک موضوع فقهی نظری متفاوت داشته باشند، در صورتی که احتیاط ممکن باشد و در صورتی که احتیاط ممکن نباشد، وظیفه طرفین چیست؟ پاسخ: به هر حال، اگر امکان احتیاط وجود دارد، به طوری که بر طبق هر دو نظر عمل شود، لازم است انجام گیرد؛ وگرنه هر کدام باید بر طبق فتوای مرجع خود عمل کنند (رهبر معظم انقلاب).^۲

پرسش: در مسائلی مثل ازدواج که بین دو نفر است، اگر مراجع تقلید دو نفر، هر کدام بر سر یک موضوع فقهی نظری متفاوت داشته باشند، تکلیف چیست و باید نظر کدام مرجع را اجرا کرد؟ پاسخ: باید نظر مرجعی اجرا شود که موافق احتیاط است (آیت‌الله مکارم).^۳

پرسش: زن و شوهری، هر کدام مقلد یک مرجع تقلید هستند. مسلماً گاهی برخی از دیدگاه‌های آن دو باهم فرق می‌کند. مثلاً مجتهدی خون در تخم مرغ را نجس و مجتهد دیگر، آن را پاک می‌داند. این اختلاف دیدگاه‌ها باعث عسر و حرج می‌شود. چه کنند؟ پاسخ: مرجع تقلید هر کدام اعلم باشد، آن دیگری نیز باید از او تقلید

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الموارث، لواحق ارث، فصل سوم، م ۱۰.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، استفتای خصوصی، استفتای ۱۹، کد رهگیری: ۱۹۷۵۳۱۴۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، عمل به احتیاط، س ۸.

کند و تقلید از مجتهد دیگر مجزی نیست. اگر هر کدام مجتهد خود را از دیگری اعلم تشخیص بدهد، با موازینی که در رساله عملیه ذکر شده است، باید از مجتهد خود تقلید کرده و به فتوای او عمل کند (آیت الله تبریزی).^۱

۱۰.۵. ملاک تقلید

تقلید عمل مستند به فتوای مجتهد است (حضرت امام و آیات عظام فاضل، مکارم، خویی، وحید، نوری و اراکی).^۲ در تقلید، تطابق عمل با فتوای مجتهدی که قولش فعلاً حجت باشد (یعنی اکنون وظیفه اش تقلید از اوست)، با آشکار شدن مطابقت آن عمل با قول مجتهد کفایت می‌کند. در این تقلید اعتماد معتبر نیست (آیت الله سیستانی).^۳ تقلید به وسیله عمل بر وفق فتوای مجتهد جامع الشرایط و با یک بار عمل کردن تحقق می‌یابد. التزام و اخذ رساله و... از مقدمات تقلید به شمار می‌رود (آیت الله بهجت).^۴

۱. جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، س ۳۷ و ۳۸.

۲. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سید ابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۲؛ حسین نوری همدانی، محمد علی اراکی؛ سید روح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۴ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۲؛ ناصر مکارم شیرازی؛ «حال باید از مجتهد زنده در مسئله بقای بر تقلید میت، تقلید کند. چنانچه فتوای مرجع فعلی او جواز بر بقا باشد، اعمال سابق او صحیح است» (استفتانات، ج ۱، س ۳؛ سایت، تقلید، بقای بر تقلید، میت، س ۵)؛ توضیح المسائل مراجع، م ۲؛ حسین نوری همدانی، استفتانات، «تنها به نیت تقلید، محقق نمی‌شود»، ج ۱، س ۲ و ج ۲، س ۷.

۳. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۴.

۴. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، تقلید، م ۲ و استفتانات، ج ۱، تقلید،

س ۸۹ و ۱۱۶ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۳۴.

تقلید، اخذ فتوای مجتهد برای عمل است؛ هرچند به آن عمل نکرده باشد (آیت الله گلپایگانی).^۱

تقلید، التزام به عمل به فتوای مجتهد معین است و با یادگرفتن فتوای مجتهد و التزام به عمل به آن، تحقق پیدا می کند (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۲

تقلید اعتماد به فتوای مجتهد است. فرقی نمی کند این اعتماد در زمان عمل باشد یا قبل از آن (آیات عظام تبریزی و شاهرودی).^۳

تقلید پیروی کردن از دیگری در عقیده یا عمل است (آیت الله زنجانی).^۴

۱. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۲: «تقلید یادگرفتن و التزام به عمل بیان شده است.»

۲. توضیح المسائل، م ۲؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۲؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳.

۳. جواد تبریزی، منهج الصالحین، ج ۱، م ۴؛ استفتانات، ج ۱، س ۵۰: «تقلید یعنی عملی که مستند به فتوای مجتهد است و در بقای بر تقلید میت، عمل لازم نیست؛ بلکه تعلم فتوا کافی است و التزام به عمل کردن به فتوای مجتهد اثری ندارد»؛ توضیح المسائل، سید محمود هاشمی شاهرودی، م ۲.

۴. توضیح المسائل مراجع، س ۲.



فصل ششم:
مسائل مربوط به فوت مجتهد



۱.۶. بقای بر میت

حکم فقهی مراجع تقلیدی که در زیر، اسامی آنان ذکر می‌شود و فوت کرده‌اند، در مسئله بقای بر تقلید میت از درجه اعتبار و حجیت ساقط است و تنها برای نقل اقوال فقها ذکر می‌شود.

برای رعایت اختصار و سهولت فهم، ابتدا حکم فقها در جواز یا وجوب بقا ذکر می‌شود. توضیح درباره اینکه در چه مسائلی بقا واجب یا جایز است یا جایز نیست، به عنوان «دامنه بقا» پس از آن خواهد آمد؛ از این رو در هنگام مطالعه، مراجعه به قسمت دامنه بقا برای فهم حکم شرعی ضروری است.

۱.۱.۶. حکم بقا بر تقلید میت

۱. زنده اعلم است

- الف. بنا بر احتیاط واجب بقا جایز نیست (رهبر معظم انقلاب).^۱
- ب. بقا جایز نیست (آیات عظام مکارم، بهجت، صافی، سیستانی، فاضل، نوری، خویی، تبریزی، وحید و زنجانی).^۲

۱. از حجت الاسلام رضایی، مسئول دفتر استفتائات رهبر معظم انقلاب حضوراً سؤال شد. ایشان فرمود: «جایز نیست.» همچنین از دفتر ایشان استفتای شخصی شده است. این استفتا در پایان جزوه ذکر شده است: استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸.

۲. سید ابوالقاسم خویی و حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲ تقلید، م ۲؛ سید علی سیستانی، توضیح المسائل، م ۸ و منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۷؛ محمد تقی بهجت و محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ نوری، توضیح المسائل، م ۹؛ لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۹؛ سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م ۹؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۹، محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱.



۲. مردۀ اعلم است

الف. بقا جایز است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام نوری و گلپایگانی).^۱
 ۲. بنا بر احتیاط بقا واجب است (آیت الله صافی).^۲

ب. بقا واجب است (آیات عظام مکارم، سیستانی، وحید، زنجانی، فاضل، خویی، تبریزی و بهجت).^۳

۳. هر دو مساوی باشند
 الف. بقا جایز است (رهبر معظم انقلاب و

-
- س ۹۳ و ۱۵۶؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، س ۴ و ج ۲، س ۶ و ج ۳، س ۱۵ و سایت، بقای بر تقلید میت، س ۲؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۷؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۲ و هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴؛ گفتنی است فتوای امام راحل نیازمند تحقیق بیشتر بوده و محتمل است از آنجاکه معظم له تقلید از اعلم را بنا بر احتیاط واجب لازم می داند، رجوع به حی نیز در این مسئله بنا بر احتیاط لازم باشد.
۱. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹؛ نوری، توضیح المسائل، م ۹؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۲ و استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۲۳ تا ۲۴؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتانات، س ۳۵؛ تحریر المسائل، م ۱۳ و ۱۴، «احتیاط مستحب بقای بر تقلید میت اعلم است»، استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۸ و ۱۵؛ سیدمحمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۵.
 ۲. لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۹ و جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۷ و ۲۱ و ۴۲ و هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴.
 ۳. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۷ و توضیح المسائل، م ۸؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۷ و توضیح المسائل، م ۹؛ توضیح المسائل مراجع، سیدموسی شبیری زنجانی، م ۹؛ ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۰؛ جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، س ۱۸ و ۲۱ و ۲۶ و ۵۴، «در صورتی که مجتهد اعلم باشد، وظیفه، تقلید از اعلم است؛ ولی در صورتی که محتمل الاعلمیه باشد، می توان در همه مسائل به حی رجوع کرد»؛ سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، م ۶۲، محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۴ تا ۲۵ و ج ۲، س ۱۵ و ۱۶ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۳؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۷ و استفتانات، س ۱۶؛ جواد تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۹؛ محمدتقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۲ و استفتانات، ج ۱، س ۱۱۸ و ۱۲۳ و ۱۴۱؛ جامع المسائل، ج ۱، تقلید میت؛ وسیلة النجاه، م ۱۳.

آیات عظام فاضل، نوری، بهجت، صافی، مکارم، تبریزی و گلپایگانی).^۱

ب. بقا جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف، مانند اختلاف در قصر و اتمام که بنا بر احتیاط لازم احتیاط کند (آیت الله سیستانی).^۲

ج. بقا جایز است در صورتی که علم به مخالفت فتوای مرجع میت با مرجع زنده نداشته باشد؛ وگرنه باید بین دو قول احتیاط کند (آیات عظام وحید و خویی).^۳

د. بقا واجب است. در صورتی که به فتوای او عمل کرده باشد و در صورتی که به فتوای او عمل نکرده است، مخیر است از هر کدام که خواست، تقلید کند (آیت الله زنجانی).^۴

هـ. نمی دانیم کدام اعلم است. ممکن است باهم مساوی باشند یا نباشند و احتمال اعلیت درباره هر دو مجتهد یکسان است. مانند صورت تساوی است (آیات عظام سیستانی، تبریزی،

۱. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹؛ نوری، توضیح المسائل، م ۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س ۳۵ و تحریر المسائل، م ۱۳؛ استفتای خصوصی، ۱۷، کد پیگیری: ۳۷۹۱۷۸۳۸؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل م ۱۲ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۳؛ محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۲ و استفتائات، ج ۱، س ۱۱۸ و ۱۲۳؛ وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۳؛ جامع المسائل، ج ۱، تقلید، میت، لطف الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، م ۹ و جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲؛ استفتائات، ج ۱، س ۴؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۷ و استفتائات، ج ۱، س ۱۸ و ج ۲، س ۳۳؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۵.

۲. منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۸ و توضیح المسائل، م ۷.

۳. سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۷ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۵ و ۱۶؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۷ و سایت، تقلید، س ۱۳.

۴. سید موسی شبیری زنجانی، توضیح المسائل مراجع، م ۹.

۱.۱.۱.۶. دامنه بقا

در صورتی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده است، بعد از مردن آن مجتهد می تواند در همه مسائل از او تقلید کند. در این صورت فرقی بین مسائلی که عمل کرده و مسائلی که عمل نکرده است، وجود ندارد (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام فاضل و نوری).^۲

در مسائلی که عمل کرده یا اخذ فتوا برای عمل کرده است، بقا جایز^۳ است (آیت الله مکارم).^۴ در صورتی که فتوای مرجع فوت شده در نظر مقلد بوده و فراموش نکرده باشد، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است؛ اما اگر فتوای او را یاد نگرفته یا فراموش کرده است، لازم است به مجتهد زنده رجوع کند (آیت الله خویی).^۵ واجب است بقا بر تقلیدش در مسائلی که تعلم کرده است؛ هر چند که فراموش کرده باشد و تفاوتی ندارد که به آن ها عمل کرده باشد یا



۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۷ و ۸؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۷ و استفتائات، ج ۱، س ۲۶ و ۲۷؛ منهاج الصالحین، حسین وحید خراسانی، ج ۲، م ۷؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۷؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۱۹.

۲. سیدروح الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹؛ سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۱؛ محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۹ و هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۶.

۳. در فرضی که مجتهد متوفی اعلم است، بقا واجب است.

۴. ناصر مکارم شیرازی، توضیح المسائل، م ۱۰ و استفتائات، ج ۱، س ۴ و ج ۳، س ۱۵.

۵. سیدابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، م ۹.

نباشد و در غیر این صورت‌ها، رجوع به زنده واجب است (آیت‌الله تبریزی).^۱

اگر کسی در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کرده است یا آن را یاد گرفته و به عمل به آن ملتزم شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند^۲ در آن مسئله به فتوای مجتهدی باقی باشد که از دنیا رفته است؛ بلکه جواز بقا بر تقلید او در سایر مسائل نیز بعید نیست؛ ولی اگر مجتهد میت اعلم از حی باشد، بنا بر احتیاط واجب باید بر تقلید او باقی بماند (آیت‌الله صافی).^۳

در صورتی که به متابعت از فتوای مجتهد فوت شده التزام داشته است، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است و فرقی بین مسائل عمل کرده و عمل نکرده نیست (آیت‌الله سیستانی).^۴

چنانچه مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند، از دنیا برود، پس از وفات، حکم زنده بودن را دارد؛ بنابراین اگر مجتهدی که از دنیا رفته است، اعلم باشد یا در صورت تساوی به فتوای او عمل کرده باشد، لازم است بر فتوای او باقی بماند. اگر به فتوای مجتهد متوفی که با مجتهد زنده مساوی است، عمل نکرده باشد، از هریک از آن‌ها که بخواهد، می‌تواند تقلید

۱. توضیح المسائل مراجع، ۹۰ م و استفتانات، ج ۱، س ۷ و ۳ و ۱۴ و ۲۳ و ۳۹ و ۴۱ و ۵۰ و ج ۲، س ۱۰ و ۱۱ و منهاج الصالحین، ج ۱، م ۷.

۲. در فرضی که مجتهد متوفی اعلم باشد، بقا به احتیاط واجب لازم است.

۳. لطف‌الله صافی گلپایگانی، توضیح المسائل، ۹ م و جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۷ و ۲۰؛ گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴.

۴. سیدعلی سیستانی، توضیح المسائل، ۸ م.

کند. در مسئله بقا کافی است که فرد در سن تمییز، زمان حیات آن مجتهد را درک کرده باشد (آیت الله زنجانی).^۱

باقی ماندن بر تقلید میت در مسائلی که در آن‌ها تقلید و عمل کرده است، بنا بر اقوا جایز^۲ است (آیت الله بهجت).^۳

در مسئله بقا فرقی نمی‌کند که در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد و چه فتوای او را یاد گرفته یا نگرفته باشد؛ بلکه در بقا کافی است که فرد در سن تمییز، زمان حیات آن مجتهد را درک کرده باشد (آیت الله وحید).^۴

کسی که در مقدار زیادی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده و همان‌گونه که متعارف و معمول است، بنا بر عمل در بقیه هم داشته است، بعد از مردن آن مجتهد می‌تواند در همه مسائل از او تقلید کند (آیت الله اراکی).^۵

کسی که در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کرده است یا آن را یاد گرفته و به عمل به آن ملتزم شده باشد، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسئله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، باقی بماند

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۹.

۲. در فرضی که مجتهد متوفی اعلم است، بقا واجب است.

۳. محمد تقی بهجت، توضیح المسائل، م ۱۲.

۴. حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۹.

۵. توضیح المسائل، م ۹.

(آیت الله گلپایگانی).^۱

اگر انسان مجتهدی را در زمانی درک کند که می‌توانسته است از او تقلید کند، یعنی در هنگامی که ممیز بوده و خوب و بد را می‌فهمیده، هرچند بالغ نشده باشد، می‌تواند پس از مرگ آن مجتهد هم از او تقلید کند؛ خواه در زمان زنده بودن مجتهد از او تقلید کرده باشد یا از او تقلید نکرده باشد. در غیر این صورت بنا بر احتیاط، عمل کردن به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، جایز نیست (آیت الله شبیری زنجانی).^۲

۲.۱.۶. بقا بر میت

اگر از مجتهدی تقلید کنیم که بقا بر میت را جایز نمی‌داند و ایشان فوت کند و مرجع زنده اجازه بقا بر میت را بدهد، در غیر این مسئله می‌توانیم از مجتهد اول تقلید کنیم (حضرت امام و آیات عظام خویی، سیستانی، مکارم، فاضل، اراکی، نوری و گلپایگانی).^۳

۳.۱.۶. بقا بر میت، بدون رجوع به زنده

اگر شخصی بر تقلید میت باقی باشد، بدون اینکه در این مسئله به مجتهد زنده رجوع کرده

۱. توضیح المسائل، م ۹؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴.

۲. توضیح المسائل مراجع، م ۹.

۳. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۶، سید علی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

باشد، عمل این شخص مانند کسی است که بدون تقلید، اعمالی را انجام داده است (آیات عظام گلیایگانی و صافی: مانند کسی است که بدون تقلید عمل کرده است؛ اگر بقا مطابق مرجع زنده بود، صحیح است؛ وگرنه مانند عمل بدون تقلید است) (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، فاضل، مکارم، خویی، بهجت، اراکی، گلیایگانی، نوری، تبریزی و صافی).^۱

پرسش: نظر مبارک را راجع به کسی که مرجع او از دنیا رفته و همین طور باقی مانده است، بیان فرمایید. پاسخ: باید به مجتهد حی رجوع کرده و در مسئله بقا بر تقلید، فتوای او را مراعات کند و اعمالش را طبق فتوای او انجام دهد. اعمال سابقی که بعد از فوت مجتهد اول انجام داده است، اگر با فتوای مجتهد حی یا با فتوای مجتهد میت، در مسائلی که بقا در آن مسائل به نظر مجتهد حی جایز است، مطابق است، مجزی است (آیت الله تبریزی).^۲

پرسش: شخصی پس از فوت آقای بروجردی رحمته الله در مسئله بقا بر تقلید میت، از

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۲؛ حسین نوری همدانی؛ محمد علی اراکی؛ سید محمد رضا موسوی گلیایگانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ سید روح الله خمینی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید ۱۳؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۲؛ محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۲۲؛ وسیله النجاه، ج ۱، س ۱۳؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۳، سایت، بقای بر تقلید، میت، س ۵؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۵؛ جواد تبریزی، منهج الصالحین، ج ۱، م ۱۲ و استفتائات، ج ۱، س ۱۰؛ سید محمد رضا موسوی گلیایگانی و لطف الله صافی گلیایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۵.

۲. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۱۰.

یکی از آقایان مراجع، تقلید کرده است و اکنون فراموش کرده که در آن وقت کدام یک از آنان را در نظر گرفته است؛ ولی او را اجمالاً بین چند نفر می‌داند. بنابراین، تکلیف او در صورتی که همه ایشان در قید حیات باشند، چیست و اگر بعضی از آنان فوت کرده باشند، وظیفه او چیست؟ پاسخ: با فرض عدم تمکن از تحصیل علم یا ظن به مرجع قبلی، فعلاً مثل شخصی که ابتدا می‌خواهد تقلید کند، به مجتهد حی که واجد شروط تقلید باشد، رجوع کند و با تعدد و تساوی، مخیر است به هریک رجوع کند و فرق نیست که مرجع قبلی مردد بین احیا باشد یا بین احیا و اموات (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

۴.۱.۶. اجازه از اعلم در بقای بر میت

در بقای بر تقلید میت، اعلمیت مجتهدی که اجازه بر بقا می‌دهد، شرط است. اگر کسی با اجازه مجتهد غیر اعلم بر تقلید میت باقی مانده بود، اکنون عدول به اعلم و دریافت نظر او در چگونگی بقای بر میت لازم است (آیت‌الله بهجت).^۲

بنا بر احتیاط، رجوع در مسئله بقا بر تقلید میت و شروطش به مجتهد حی اعلم واجب است. البته اگر بقا بر تقلید میت محل اتفاق جمیع فقهای معاصر باشد، رجوع در این مسئله

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۲.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۳۱ و ۱۳۲.

لازم نیست (رهبر معظم انقلاب).^۱
 باقی ماندن بر تقلید میت باید به نظر مجتهد
 حای باشد. مراجع فعلی بقا بر میت را معمولاً
 جایز می دانند. در گذشته نیز مسئله به همین
 منوال بوده است (آیت الله مکارم).^۲
 در مسئله بقای بر تقلید باید به مجتهد زنده
 اعلم (آیت الله تبریزی: یا محتمل العلمیه)
 رجوع کند و در خصوصیات مسئله به فتوای او
 عمل کند (آیات عظام تبریزی و صافی).^۳

۱.۵.۱.۶. اجازه بقا بر میت با فوت مرجع دوم

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس
 آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر
 تقلید کند، او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئله
 بقا بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند،
 اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر
 تقلید مجتهد اول باقی می ماند و اگر فتوایش
 این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است
 بین بقای بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به
 مجتهد زنده (حضرت امام و آیات عظام فاضل،
 خویی، نوری، گلپایگانی و صافی).^۴

۱. سیدعلی خامنه ای، تحریر المسائل، م ۱۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، بقای بر تقلید میت، س ۳؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۱.

۳. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۲، س ۵۷ و ج ۱، س ۳۸؛ لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۲۳.

۴. سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۶؛ «پرسش: اگر کسی از چند مجتهد پس از فوت دیگری تقلید کرد و در بعضی از مسائل که به فتوای مجتهد

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئله بقاء بر تقلید میت، از مجتهد سوم تقلید کند، چنانچه فتوای او این باشد که بقاء واجب یا جایز است، بنا بر ظاهر، باید از مجتهد دوم تقلید کند (آیت الله اراکی).^۱

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند او نیز از دنیا برود و به ناچار در مسئله بقاء بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، در صورتی که مرجع اول اعلم یا محتمل الاعلمیه از مرجع حی باشد، در مسائلی که در زمان حیات مرجع اول از وی یاد گرفته است، باید در

میت اولی عمل کرده بود، به فتوای مجتهد دوم رجوع و عمل کرد یا اینکه در بعضی از مسائل که به رأی مجتهد اولی عمل کرده بود، به رأی مجتهد دوم، بر تقلید، مجتهد اولی باقی ماند، حال در این دو دسته از مسائل، به رأی کدام یک از دو مجتهد باقی بماند؟ پاسخ: در مسائلی که به مجتهد حی رجوع کرده و به فتوای او عمل کرده است، جایز نیست مجدداً به اولی رجوع کند و اگر خواسته باشد باقی بماند، باید بر تقلید دوم باشد. اما در مسائلی که در زمان حیات مجتهد دوم نیز بر فتوای اولی باقی بوده است، می تواند با تقلید از حی در بقاء، باقی بر تقلید اولی باشد؛ «سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۶؛ آیت الله صافی: «اگر میت، اعلم از حی باشد، حقیر، بقاء را بنا بر احتیاط لازم می دانم؛ بنابراین اگر آخرین مجتهدی که از او تقلید می کرده است، اعلم از سابقان بر او و از حی بوده است، بقاء بر تقلید او بی اشکال است و اگر مجتهد قبل از او اعلم بوده و مجتهد بعد اعلم از حی بوده است، در فتوای این دو مجتهد به احتیاط عمل کند. این در صورتی است که مجتهد حی بقاء را به تفصیل مذکور احتیاطاً لازم بدانند؛ ولی اگر جزماً واجب بدانند، باید به تقلید هر کدام که اعلم است، باقی بماند و اگر مجتهد حی بقاء را جایز می داند، ظاهر این است که اگر بخواهد به تقلید آخری باقی بماند، باقی بماند و در صورت اول و همچنین دوم، فروع دیگر نیز هست که مجال تفصیلش نیست؛ ولی اگر فقط در مسئله بقاء از مجتهد بعد تقلید کرده است، نمی تواند از این مجتهد تقلید کند؛ جامع الاحکام، ج ۱، س ۲۶ و ۲۷ و ۳۴ و ۳۵ و ۴۳.

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و محمد علی اراکی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱.

آن مسائل باقی باشد. همچنین در مسائلی که از مرجع دوم در زمان حیاتش یاد گرفته است، اگر اعلم یا محتمل العلمیه از حی باشد، باید در آن مسائل نیز باقی بر مرجع دوم باشد و در بقیه مسائل به حی مراجعه کند (آیت الله تبریزی).^۱ اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه در بعضی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کند، سپس مجتهد دیگر نیز بمیرد، مکلف می‌تواند در مسائلی که از مجتهد اول عدول نکرده است، بر او باقی بماند و در مسائلی که به دومی عدول کرده است، بین بقا بر دومی یا عدول به مجتهد زنده مخیر است (رهبر معظم انقلاب).^۲

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند که به جواز عدول به حی یا وجوب عدول مطلقاً یا در خصوص فتاوایی که از مرجع اول یاد نگرفته است، قائل است، پس به زنده عدول کرد و بعد از آن این مرجع هم فوت کرد، در اینجا در مسئله بقا بر میت، باید از اعلم احیا تقلید کرد. نظر ما این است که در صورت علم به اختلاف فتاوا بین آنان، باید از اعلم این سه مرجع تقلید کرد؛ مانند اینکه اگر مجتهد اول اعلم باشد، باید به او عدول کرد و بر او باقی ماند (آیت الله سیستانی).^۳

۱. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۲۵ و ۲۶، ج ۲، س ۳۸ و ۳۹ و منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۶ و ۱۷.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۱۷.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱؛ سیدعلی

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند و سپس آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند او نیز از دنیا برود و در مسئله بقای بر تقلید میت از مجتهد سوم تقلید کند، اگر فتوای او این باشد که بقا واجب است، بر تقلید مجتهد دوم باقی می ماند و اگر فتوایش این باشد که بقا جایز است، مکلف مخیر است بین بقا بر تقلید مجتهد دوم و بین رجوع به مجتهد زنده (آیت الله مکارم).^۱

اگر مکلف از مجتهدی تقلید کند، آن مجتهد از دنیا برود، آنگاه از مجتهدی دیگر تقلید کند، او نیز از دنیا برود و از مجتهد سوم تقلید کند، در مسئله بقای بر میت، کسی که به وجوب یا جواز بقا حکم می کند، این شخص باقی می ماند بر مجتهد دوم جوازاً یا وجوباً. جایز است بقا بر اولی در صورتی که اولی اعلم از احیا باشد (آیت الله بهجت).^۲

۶.۱.۶. تقلید از همه مراجع در مسئله جواز

بقای در تقلید

انسان در مسئله بقای بر میت می تواند در مقداری که همه قبول دارند، از همه مراجع فعلی تقلید کند و همه آنها را در این مسئله، مرجع تقلید خود بداند (رهبر معظم انقلاب و

سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۶.

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۱؛ ناصر مکارم شیرازی.

۲. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۴.

آیات عظام بهجت و نوری و صافی).^۱

۷.۱.۶. بقای بر تقلید درباره احتیاط بین دو نفر
در بقا بر فتوای میت لازم است که در حال حیات، مشخصاً از او تقلید شده باشد یا بین فتوای او و مجتهد دیگری احتیاط شود و اگر به قول هر دو تقلید کرده است، بعد از فوت هر کدام در مسئله‌ای که از او تقلید کرده است، جایز یا واجب است بر تقلید او باقی بماند (آیت الله بهجت).^۲

۸.۱.۶. بقا بر میت در خصوص احتیاط واجب
پرسش: اگر مجتهد میت در مسئله‌ای احتیاط واجب داشته باشد، آیا جواز یا وجوب بقای بر تقلید، شامل آن هم می‌شود یا به فتوا اختصاص دارد؟ پاسخ: اگر به احتیاط عمل کرده باشد، می‌تواند باقی باشد؛ گرچه در احتیاط، با رعایت اعلمیت، می‌تواند به مجتهد زنده رجوع کند (آیت الله بهجت).^۳

پرسش: در مسائلی که حضرت آیت الله گلپایگانی احتیاط می‌کرد، بنده به حضرت آیت الله اراکی رجوع می‌کردم. حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. چه باید بکنم؟ پاسخ: در مسائلی که به مرحوم آیت الله

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۳۸؛ استفتائات، نوری، ج ۲،

س ۲؛ سیدعلی خامنه‌ای، تحریر المسائل، م ۱۵؛ لطف الله صافی گلپایگانی،

جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۱، ۳۲، ۳۳ تا ۴۱.

۲. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۴۹.

آقای اراکی رحمته الله علیه رجوع کرده‌اید، می‌توانید به تقلید ایشان باقی بمانید (آیت‌الله صافی).^۱

۲.۶. فوت مجتهد

اگر مجتهدی که از او تقلید می‌کنیم، فوت کند و ندانیم فتوای او با فتوای مجتهد زنده‌ای که اکنون وظیفه داریم از او تقلید کنیم، مخالف است، می‌توانیم در مسائلی که در معرض ابتلاست، بر تقلید میت باقی بمانیم (آیت‌الله سیستانی).^۲

۳.۶. تقلید ابتدای میت

جایز نیست (حضرت امام و آیات عظام شاه‌رودی، سیستانی، خویی، نوری، مکارم، بهجت، فاضل، صافی، تبریزی، اراکی و گلپایگانی؛ رهبر معظم انقلاب: بنا بر احتیاط واجب).^۳

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۳.

۲. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۷.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، «بنا بر احتیاط واجب»، س ۲۲ و تحریر المسائل، م ۱۳؛ سیدروح‌الله خمینی، توضیح المسائل، م ۹ و تحریر الوسيلة، ج ۱، تقلید، م ۱۳؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۶؛ سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۶؛ سیدمحمود شاه‌رودی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۶؛ توضیح المسائل مراجع، م ۹، نوری همدانی؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی؛ جواد تبریزی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۲۷؛ سیدمحمودکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۲؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، س ۸؛ محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۱۷، و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۳ و جامع المسائل، ج ۳، س ۱۹؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۳، س ۱۳؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۲۷؛ وسیلة النجاه، م ۱۳؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ (هرچند اعلم باشد)؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۶ و استفتائات، ج ۱، س ۱۶ و ج ۲، س ۳۷؛ سیدمحمدرضا

جایز است؛ به شرط اینکه در زمان حیات آن مجتهد، ممیز بوده باشد؛ هرچند بالغ نبوده و تقلید نکرده باشد (آیات عظام وحید و زنجانی).^۱

۴.۴.۶. اجازه و اذن و وکالت، بعد از فوت

۱.۴.۶. با فوت مرجع، اجازه او از بین می‌رود اگر مجتهدی فوت کند و با اجازه مرجع زنده، بر تقلید او باقی بمانیم و بعد مجتهد دوم هم فوت کند، باید به مجتهد سوم رجوع کنیم و در این اجازه (حضرت امام: بنا بر احتیاط واجب) نمی‌توانیم از مجتهد دوم تقلید کنیم (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، وحید، خویی، فاضل، مکارم، اراکی، گلپایگانی، نوری و تبریزی).^۲

۲.۴.۶. اذن و وکالت مجتهد بعد از فوت کسی که از طرف مجتهدی وکیل یا مأذون در تصرف در اوقاف یا وصیت‌ها یا تصرف در اموال افراد قاصر است، با مرگ آن مجتهد منعل

موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴۰.
 ۱. توضیح المسائل، سید موسی شبیری زنجانی، مراجع، م ۹؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۶ و استفتانات، سایت، س ۴۳۸ و ۴۳۹.
 ۲. سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۶؛ «و هر کدام از این سه مجتهد که اعلم بود، باید از او تقلید کنیم»؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۱۶؛ «و هر کدام از این سه مجتهد که اعلم بود، در فتوایی که یادش مانده است، باید تقلید کند»؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۵؛ سید روح‌الله خمینی: «بنا بر احتیاط واجب در این اجازه نمی‌توانیم از مجتهد دوم تقلید کنیم»؛ محمد فاضل لنکرانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ جواد تبریزی، استفتانات، ج ۱، س ۲۸.

می‌شود (و وکالت و اذنی که داشت، باطل می‌شود)؛ اما اگر از ناحیه او منصوب بوده باشد، مثلاً مجتهد او را به تولیت اوقافی نصب یا وی را قیم بر فردی قاصر کرده باشد، بعید نیست بگوییم با مرگ مجتهد منعزل نمی‌شود؛ ولی سزوار این است که احتیاط کند؛ یعنی از مجتهد زنده اجازه یا نصبی جدید تحصیل کند (حضرت امام و آیات عظام فاضل و مکارم).^۱

کسی که از طرف مجتهدی، در تصرف در اوقاف یا وصیت‌ها یا در تصرف در اموال افراد قاصر وکیل یا مأذون است، با مرگ آن مجتهد منعزل می‌شود (و وکالت و اذنی که داشت، باطل می‌شود)؛ اما اگر از ناحیه او منصوب بوده باشد، مثلاً مجتهد او را به تولیت اوقافی نصب یا وی را قیم بر فردی قاصر کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باطل است (آیات عظام اراکی، گلپایگانی، نوری و صافی).^۲

اجازه مجتهد و وکالت در تصرف اوقاف و اموال قاصران، بعد از فوت او باطل می‌شود و بنا بر اظهر، کسانی که از جانب او منصوب می‌شوند، عزل می‌شوند (آیات عظام سیستانی و وحید و خویی).^۳

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۵؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۱؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳۰ و جامع المسائل، ج ۲، س ۲۰.
 ۲. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۱؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۴۰ و ۱۷؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۷.
 ۳. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۵؛ «بنا بر احتیاط واجب، کسانی که از جانب وی منصوب می‌شوند، عزل می‌شوند»؛ حسین



مأذون و وکیل با فوت مجتهد عزل می شود؛ اما منصوب از جانب او در اوقاف و وصایا و اموال قاصر عزل نمی شود (آیت الله بهجت).^۱

مأذون و وکیل از طرف مجتهد در تصرف در اوقاف یا اموال قاصران بعد از فوت مجتهد عزل می شود؛ ولی کسی که از جانب او به عنوان ولی یا قیم منصوب شده است، بعد از فوت او عزل نمی شود (آیت الله تبریزی).^۲

۵.۶. اعمال مقلد بعد از فوت

۱.۵.۶. صحیح بودن اعمال گذشته با فوت

مجتهد

اگر مجتهدی که از او تقلید می کنیم، فوت کند و مرجع زنده ای انتخاب کنیم که اعلم است، لازم نیست اعمال گذشته را اعاده کنیم؛ هرچند خلاف فتوای مرجع زنده باشد. مثلاً اگر شخصی از مرجعی تقلید کند که تسبیحات اربعه را یک بار کافی می داند و مقلد به آن اکتفا کند یا درباره تیمم به یک ضربه اکتفا کند، بعد مرجع او فوت کرده و مقلد به مرجع زنده ای رجوع کند که تعدد را واجب می داند، در هر دو صورت، اعاده اعمال سابق بر مقلد واجب نیست (حضرت امام و آیات عظام سیستانی،

و حید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سید ابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید،

م ۲۵؛ سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۱؛

آیت الله خویی در عروه احتیاط واجب دارد.

۱. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۵.

۲. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۵.

فاضل، مکارم، بهجت، اراکی گلپایگانی، نوری و تبریزی).^۱

اگر مجتهدی که از او تقلید می‌کنیم، فوت کند و مرجع زنده‌ای انتخاب کنیم که اعلم است، دو صورت متصور است: ۱. نقص در آن عمل نقصی است که در صورت سهو یا جهل، ضرری به صحت آن وارد نمی‌شود. در این صورت اعاده لازم نیست. مثال: اگر از کسی تقلید کند که قائل به عدم وجوب سوره در نماز است، سپس از کسی تقلید کند که قائل به وجوب آن است، در اینجا نیازی به اعاده نیست، حتی داخل وقت. ۲. نقص در آن عمل نقصی است که به صحت آن ضرر می‌زند مطلقاً. در این صورت تفصیل دارد؛ مانند طهور: الف. اگر اجتهاد دومی از باب اخذ به متیقن و قاعده احتیاط باشد، اعاده در وقت لازم است و در خارج وقت، لازم نیست؛ ب. اگر از جهت تمسک به دلیل باشد، اعاده لازم است مطلقاً (آیت‌الله خویی).^۲

پرسش: در صورتی که از مجتهدی تقلید کنیم و او فوت کند، اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۷؛ حسین وحید خراسانی و سیدابوالقاسم خویی: «مگر در اعمالی که از روی جهل هم، خلل در آن باعث بطلان عمل می‌شود» (منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۱۷)؛ نظر آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی در عروه با تفصیل بیان شده است. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ حسین نوری همدانی؛ محمدعلی اراکی؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ سیدروح‌الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمدفاضل لنکرانی؛ سیدعلی سیستانی؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۷ و استفتائات، ج ۱، س ۲۰۱.

۲. سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۱۷؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳.

فوت شده انجام شده باشد که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، تکلیف مقلد چیست؟ آیا اعمال گذشته صحیح است؟ مثلاً در ازدواجی که مرجع زنده آن را باطل می داند و در زمان مرجع متوفی صورت گرفته است و وظیفه مقلد تقلید از مرجع زنده است، آیا اکنون همان آثار زوجیت باقی است؟ پاسخ: در فرض مرقوم، اعمال و معاملات گذشته اشکال ندارد (مقام معظم رهبری).^۱

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، برای مکلف جایز است به اعمال سابقه بنا را بر صحت بگذارد؛ اما در خصوص آینده باید از مجتهد زنده تقلید کرده و به فتوای وی عمل کند (حضرت امام و آیات عظام مکارم، فاضل، بهجت، سیستانی، اراکی، نوری و تبریزی).^۲

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجعی که اکنون از آن تقلید می کند، قائل به بطلان آن است، جایز است بنا را بر صحت اعمال سابق بگذارد؛ هرچند احتیاط آن است که آثار فعلیه بر بطلان آن ها را مترتب کند و بر او

۱. سیدعلی خامنه ای، استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۹۸۶۲۰۱۶۴.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ سیدروح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سیدعلی سیستانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ «فالظاهر عدم جواز البنا علی صحتہ فی مفروض المسئلہ مما یترتب علیہ الاثر»؛ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۱۶؛ فاضل، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۳۵؛ محمدتقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۶؛ جواد تبریزی، منهج الصالحین، ج ۱، م ۱۷.

واجب است در اعمال آتی مطابق فتوای مجتهد دوم عمل کند (آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۱

اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که او آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، اعمال گذشته صحیح است و اکنون اگر بر عقد و ایقاع سابق اثری بار می شود، ظاهر این است که جایز نیست بنا را بر صحت بگذاریم. در آینده اگر عقد یا ایقاعی صورت گرفت، باید طبق نظر مرجع زنده باشد (آیت الله خویی).^۲

اگر مرجع فوت شده غسله را پاک می دانسته است و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، نمازها و اعمالی که در گذشته انجام داده ایم، صحیح است؛ اما اگر همان غسله بعد از فوت مرجع باقی باشد، دیگر محکوم به طهارت نیست و نمی توانیم با آن نماز بخوانیم. همچنین است در حلیت و حرمت (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، بهجت، اراکی، نوری و تبریزی).^۳

اگر مرجع فوت شده غسله را پاک می دانسته

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۱۸؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ گلپایگانی، عروه: «اگر عقد یا ایقاعی در زمان مرجع فوت شده انجام شود که وی آن را صحیح می دانسته است، اما مرجع زنده آن را صحیح نمی داند، بنا بر احتیاط واجب، عقد باطل است و باید آثار فعلیه در بطلان را رعایت کند؛ مانند اینکه اگر وطی به شبهه باشد، باید عده نگه دارد.»

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ سید ابوالقاسم خویی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ سید روح الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۷ و استفتائات، ج ۱، س ۱ و ۲.



است و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، نمازها و اعمالی که در گذشته انجام داده ایم، صحیح است. اگر همان غسله بعد از فوت مرجع باقی باشد، محکوم به طهارت نیست (آیات عظام فاضل و سیستانی).^۱

اگر مرجع فوت شده غسله را پاک می داند و بعد مرجع زنده به نجاست آن حکم کند، بنا بر احتیاط واجب غسله در زمان عمل هم محکوم به نجاست است. همین گونه است در حلیت و حرمت (آیت الله گلپایگانی).^۲

چنانچه مرجع فوت شده به حلیت یا حرمت چیزی قائل بود، ولی نظر مرجع زنده به عکس آن بود، اگر اعمالی در زمان مرجع اول انجام داده است که آثارش همچنان باقی است، می تواند طبق نظر مرجع اول عمل کند؛ اما درخصوص اعمال آینده باید طبق فتوای مجتهد زنده عمل کند (آیات عظام فاضل و سیستانی).^۳

اگر از کسی تقلید کند که برای مثال، ذبح حیوان را با آهن جایز می داند و حیوان را به همان گونه ذبح کند، سپس مجتهد فوت کرده و مقلد از شخص دیگری تقلید کند که ذبح به آهن را جایز نمی داند، اگر آن حیوان را در همان زمان مجتهد اول معامله کرده یا خورده باشد، معامله او صحیح و خوردن آن حلال است؛

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳، محمد فاضل لنکرانی؛ سید علی سیستانی.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۳، محمد فاضل لنکرانی؛ سید علی سیستانی.

اما اگر حیوان ذبح شده موجود باشد، بیع و خوردن آن در زمان مجتهد دوم جایز نیست (آیت الله تبریزی).^۱

۶. ۵. ۲. در صورت عدول به مرجع بعد و

تعارض فتوا

اگر انسان از مجتهدی تقلید کند که نماز را در مکانی قصر می داند و بعداً به مجتهد دیگری رجوع کند که می گوید نماز را باید تمام بخواند، اعمال گذشته این شخص صحیح است و در خصوص آینده باید نماز را تمام بخواند. در اینجا مخالفت قطعیه پیش نمی آید. در هر زمان، فتوای مجتهد فعلی به منزله حکم واقعی برای مقلد است (آیت الله فاضل).^۲

۶. ۵. ۳. اعمالی که به فتوای مرجع بعد

درست باشد

شخصی به قصد قربت، عبادتی را انجام داده است؛ ولی طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می کرده، باطل بوده است. بعد از فوت این مجتهد، به مجتهد اعلم بعد از او رجوع کرده است. حال اگر عمل مذکور بر طبق فتوای مجتهد دوم صحیح باشد و عبادات خود را با قصد قربت انجام داده باشد، اعاده لازم نیست (آیت الله فاضل).^۳

۱. جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۷.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۱۸.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۳۳ و ج ۲، س ۱۷ و ۱۸ و ۱۹.

اگر اعمال کسی منطبق بر نظر مجتهد میت نباشد، ولی با نظر مجتهد زنده منطبق باشد، چنانچه اعلم بودن مجتهد زنده را احراز کرده باشد، اعمال او قضا و اعاده ندارد و وجوب و عدم وجوب قضا، وظیفه الان است نه گذشته. بنابراین باید طبق نظر مجتهد زنده عمل کنید (آیت الله بهجت).^۱

پرسش: شخصی از مرجعی تقلید می کرده است که تسبیحات را سه مرتبه احتیاط واجب می دانسته است و همان وقت نماز قضا بر ذمه این شخص بوده است. پس از فوت مجتهدش، از مرجع زنده تقلید می کند. آیا نماز قضای آن وقت را می تواند به یک تسبیحات بخواند؟ پاسخ: بلی، می تواند قضا را به یک تسبیح به جا بیاورد (آیت الله خویی).^۲

اگر برای انسان طبق فتوای مرجع تقلید قبلی، احکامی از قبیل خمس و مانند آن، واجب یا بعضی از اعمالش باطل یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی، اعمالش صحیح باشد یا خمس و مانند آن واجب نباشد، این شخص بنا بر احتیاط واجب نمی تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل کند (آیت الله مکارم).^۳

پرسش: شخصی به قصد قربت، نماز یا حج به جا آورده است؛ ولی طبق فتوای مجتهدی

۱. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۹۹ و ۱۳۳ و ۱۴۴.

۲. سید ابوالقاسم خویی، استفتائات، تقلید، س ۱۹.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۲۰ و ج ۲، س ۳.

که از او تقلید می‌کرده، باطل بوده است. بعداً این مجتهد فوت شده و فرد به اعلم بعد از او رجوع کرده است. حال، در صورتی که حین عمل، مطابق فتوای مجتهد اول باطل بوده است، اگر طبق فتوای مجتهد دوم، عمل صحیح باشد، آیا می‌تواند عمل خود را به وسیله فتوای مجتهد دوم تصحیح کند یا باید اعاده کند؟ پاسخ: با فرض اینکه در حال عمل، قصد قربت از او ناشی شده است، فعلاً می‌تواند مطابق فتوای مجتهد دوم به عمل مذکور اکتفا کند (آیت‌الله گلپایگانی).^۱

۴.۵.۶. عمل به احتیاط پس از فوت مرجع

شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش مدتی بدون اینکه از شخص معینی تقلید کند، به احتیاط عمل کرده است. این شخص دیگر نمی‌تواند به مجتهد میت برگردد و بنا بر احتیاط واجب باید از مجتهد حی تقلید کند (آیت‌الله فاضل).^۲

۶.۶. تقلید میت بعد از تقلید از زنده

اگر در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار کند، دوباره نمی‌تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، انجام دهد (ولی اگر مجتهد زنده در مسئله‌ای

۱. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۳۳.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۱۳.

فتوا ندهد و احتیاط کند و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، عمل کند (مراجع؛ آیات عظام خویی و تبریزی متن داخل پیرانتز را ندارند).^۱

مثلاً اگر مجتهدی گفتن یک مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل کند و یک مرتبه بگوید، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید، می‌تواند دوباره به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است، برگردد و یک مرتبه بگوید. بعد از اینکه از مجتهد میت به رجوع رجوع کرد، دیگر نمی‌تواند به مجتهد میت برگردد؛ مگر اینکه کشف شود طبق فتوایی که حین رجوع حجیت داشته است، اصل رجوع او جایز نبوده است (آیت‌الله بهجت).^۲

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۰؛ سیدروح‌الله خمینی، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۳۵؛ سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، س ۳۸ و ۳۹ و تحریر المسائل، م ۳۵؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۰؛ محمدفاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۵؛ حسین وحید خراسانی، توضیح المسائل، م ۱۰؛ نظر آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی در استفتانات متفاوت است، س ۱۸؛ «پرسش: بنده از مقلدان مرحوم آیت‌الله سیدمحسن حکیم بودم سابقاً. سپس به شما رجوع کردم مطلقاً. آیا الان برای من جایز است به ایشان در طهارت کتابی (کافر اهل کتاب) رجوع کنم؟ پاسخ: بله، می‌توانید، اگر این حکم را در زمان حیات ایشان از ایشان می‌دانستید تا الان»؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۱، س ۱۶؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۴.

۲. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، س ۱۳۵ و ۱۴۰ و ۱۴۷ و ۱۴۸، وسیلة النجاه، ج ۲.

۶. ۷. وجوهات بعد از فوت

۶. ۷. ۱. آیا پرداخت وجوهات به مجتهدی
که فوت کرده است، جایز است
اجازه اخذ وجوه و سایر امور مربوط به مجتهد،
بعد از فوت از اثر و اعتبار ساقط می شود و باید از
مجتهد زنده اجازه بگیرد (آیات عظام فاضل و
بهجت).^۱

۲۱۵



فصل ششم / مسائل مربوط به فوت مجتهد

م ۱۳.

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، تقلید، س ۲۹ و ج ۳، تقلید، س ۳۱؛
محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۳۷.



فصل هفتم:

عدول از مجتهد زنده به مجتهد
زنده دیگر در مسائل اختلافی



۱. به اعلم: بنا بر احتیاط واجب است (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام گلپایگانی و صافی).^۱

- به اعلم: واجب است (آیات عظام سیستانی، خویی، وحید، فاضل، بهجت، تبریزی، اراکی، نوری و زنجانی).^۲

۲. به غیراعلم: بنا بر احتیاط جایز نیست (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و آیات عظام گلپایگانی و نوری).^۳

- به غیراعلم: جایز نیست (آیات عظام سیستانی، مکارم، فاضل، خویی، بهجت، اراکی، زنجانی و تبریزی).^۴

۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۴۴ و ۴۵؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م ۱۳؛ آموزش فقه، ص ۲۶؛ وسیله النجاه، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۱ و ۱۲ و ۳۴؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۹؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هداية العباد، ج ۱، م ۴.

۲. سیدعلی سیستانی، ج ۱، تقلید، م ۱۰؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سیدابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۰؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۱؛ محمدعلی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، س ۱۲ و ۴؛ محمد فاضل لنکرانی، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۴ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۵؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، ج ۴، م ۴ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۵۷؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۷؛ ناصر مکارم شیرازی، سایت، تغییر مرجع، س ۱ و ۳ و ۶؛ سیدموسی شبیری زنجانی، رساله مراجع، م ۹؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۱۰ و استفتائات، ج ۱، س ۵۳.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۳۱ و ۴۵؛ سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م ۱۳؛ آموزش فقه، ص ۲۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۱ و ۱۲ و ۳۴؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی؛ حسین نوری همدانی؛ هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، س ۴.

۴. سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۱؛ محمدعلی اراکی؛ سیدعلی سیستانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سیدابوالقاسم خویی؛ محمدتقی بهجت، وسیله النجاه، ج ۱، تقلید، م ۴ و استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۵۹؛ حسین وحید خراسانی، سایت، استفتائات، تقلید، س ۱۷؛ سیدموسی شبیری زنجانی، رساله مراجع، تقلید، م ۹؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۲۷ و ج ۲، س ۳۴.

۱. جایز است (آیات عظام فاضل، بهجت، نوری، تبریزی و صافی و گلپایگانی: تفصیلی دارند که در پاورقی ذکر شده است).^۱
۲. بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (حضرت امام و رهبر معظم انقلاب).^۲
۳. به مساوی، جایز نیست (آیات عظام شاهرودی، وحید، خویی، اراکی و زنجانی).^۳
۴. تغییر مرجع تقلید در مسائلی که به فتوای او عمل کرده است، جایز نیست؛ مگر اینکه ثابت شود مرجع جدید از مرجع فعلی او اعلم است؛ اما می‌تواند در مسائلی که هنوز به فتوای مرجع تقلیدش عمل نکرده است، از مرجع دیگری که

۱. محمد فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، م ۱۳ و الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۵؛ محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۵۹ و وسیلة النجاه، ج ۱، تقلید، م ۴؛ «در صورتی که محذور دیگری پیش نیاید»؛ حسین نوری همدانی، هزارویک مسئله فقهی، ج ۲، س ۱۴ و ۱۵؛ جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۱۱؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۸؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۳ و ۴؛ آیات عظام نوری، تبریزی، صافی و گلپایگانی: «در مسائلی که به فتوای مجتهد اول عمل نکرده است، (صافی، گلپایگانی: بنا بر احتیاط واجب) رجوع جایز است و اگر عمل کرده است، رجوع جایز نیست»؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی و لطف‌الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۴.

۲. سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۴۵ و ۳۱؛ سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ آموزش فقه، ص ۲۶؛ وسیلة النجاه، تقلید، م ۱۳ و ۴؛ آقای فلاح‌زاده هم در آموزش فقه، درس ۳، ص ۲۴، چاپ ۹۱، این‌گونه توضیح داده است: «در برخی از چاپ‌های کتاب تحریر الوسیله، تعبیر 'يجوز العدول...' آمده است؛ ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینی سؤال شد و فرمودند به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساوی جایز نیست.» در کتاب تفصیل الشریعه شرح تحریر الوسیله آیت‌الله فاضل لنکرانی هم عبارت «لا يجوز» وجود دارد.

۳. سید علی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۳۱؛ سید محمود شاهرودی، منهاج الصالحین، تقلید، م ۱۴؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین؛ سید ابوالقاسم خویی، ج ۲، تقلید، م ۱۴؛ آیات عظام خویی و وحید: «گفتنی است در صورت علم به اختلاف فتوا هر چند اجمالاً بین او و مجتهد مساوی در رتبه علمی، باید بین فتاوای آنان احتیاط کرد»؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۱۱؛ محمد علی اراکی؛ سید موسی شبیری زنجانی، م ۹.

هم‌ردیف اوست، تقلید کند (آیت‌الله مکارم).^۱
 ۵. جایز است؛ مگر در مصادیق علم اجمالی یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف؛ مانند اختلاف در قصر و اتمام. در این اختلاف باید بنا بر احتیاط لازم، احتیاط کند (آیت‌الله سیستانی).^۲

۱.۷. عدول بدون مجوز

اگر کسی بدون مجوز از مجتهد اعلم به مجتهد غیراعلم عدول کرد، تقلیدش در آن زمان صحیح نیست و اعمالی را که به خلاف نظر مجتهد اعلم صورت گرفته است و به نظر ایشان باطل است، باید قضا کند (آیت‌الله فاضل).^۳

۲.۷. قصد عدول به زنده و بازگشت

به میت

پرسش: شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش از مجتهدی تقلید کرده است؛ ولی قبل از عمل به فتوای آن مجتهد، مجدداً از مرجع قبلی که فوت شده تقلید کرده است. آیا عدول با توصیف یادشده جایز است؟ پاسخ: چنانچه مجتهد زنده اعلم باشد، عدولش صحیح و بازگشت از آن جایز نیست. اگر میت اعلم بوده است، تقلیدش از مجتهد زنده در مصادیق علم اجمالی یا تفصیلی به اختلاف جایز نبوده است (آیت‌الله مکارم).^۴

۱. ناصر مکارم شیرازی، سایت، تقلید، تغییر مرجع، س ۸ و ۵ و ۸.

۲. منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، ۸ و ۱۴ و توضیح المسائل، م ۸.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۱۱.

۴. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۹.

۳.۷. رجوع بعد از عمل

بعد از عمل، در صورتی که طبق فتوای مرجع اول عمل باطل بوده و طبق نظر بعدی عمل ایشان صحیح است و در صورتی که عمل را با قصد قربت انجام داده باشد و شروط صحت را داشته باشد، می تواند در زمانی که مرجع اول مساوی باشد یا احتیاط واجب داشته باشد، رجوع کند (آیت الله فاضل).^۱

پرسش: شخصی بعد از فوت مرجع خود متوجه شده اعمالی که انجام داده، بر طبق فتوای او نبوده است و همچنین اعمالش مطابق فتوای مرجع حی هم نیست. او برای آگاهی از فتوای مجتهد حی تلاش نکرد تا اینکه به مجتهد حی دیگر مراجعه کرد که اعمالش مطابق با فتوای اوست. در این صورت اعمال او چه صورتی دارد؟ پاسخ: چنانچه تقلید از مرجع سوم بر طبق مجوز شرعی باشد، باید در وجوب اعاده یا اکتفا به اعمال گذشته، طبق نظری عمل کند (آیت الله تبریزی).^۲

پرسش: شخصی از مجتهدی که تخمیس مؤونه را بعد از خروج از حاجت مطلقاً یا در صورت فروش، واجب می داند، تقلید کرده است. او بعد از فوت آن مجتهد به مجتهدی عدول نکرده است که این تخمیس را واجب نمی دانسته است. حال پس از فوت مجتهد دوم به فرض اینکه مجتهد اول از دوم اعلم باشد یا با شک

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۳۳ و ۳۴.

۲. جواد تبریزی، استفتائات، ج ۱، س ۲۷.

در علمیت او از دوم، بنا بر اینکه بقای بر تقلید میت با علمیت میت از حی را احتیاطاً لازم می‌دانید، تکلیفش درباره تخمیس این مال چیست؟ پاسخ: اگر به علمیت مجتهد اول از دوم و از مجتهد حی علم دارد، احتیاط تخمیس مال مذکور است و با شک در علمیت اول از دوم و سوم و علمیت دوم از سوم تخمیس واجب نیست (آیت‌الله صافی).^۱

۴.۷. اگر از روی اشتباه به مرجع بعد

رجوع کند

اگر در فتوای مجتهد به خیال اینکه احتیاط واجب است، به مرجع بعد رجوع کند، چنانچه مجتهد اول اعلم باشد، رجوع او صحیح نیست و باید عمل را اگر طبق نظر مجتهد اول درست نیست، اعاده کند (آیات عظام فاضل و بهجت).^۲

۵.۷. وظیفهٔ پسر در انجام تکالیف

والدین

پرسش: پدر شخصی فوت کرده است. فرزندش می‌خواهد امور پدر را انجام بدهد؛ ولی اطلاع ندارد که پدرش از چه کسی تقلید می‌کرده است. در این صورت تکلیف او چیست؟ پاسخ: اگر پسر مطابق فتوای مرجع تقلید خود، امور پدر را انجام دهد، کافی است (آیت‌الله گلپایگانی).^۳

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۶.

۲. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، تقلید، س ۳۵؛ محمد تقی بهجت،

استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۹۱.

۳. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، س ۲۷.



فصل هشتم:
ولایت فقیه



۱.۸. معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین‌شناس (رهبر معظم انقلاب)^۱. ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی، در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حق اثناعشری است. ولایت فقیه ریشه در اصل امامت دارد. اعتقادداشتن به ولایت فقیه، اعم از اینکه بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود و اگر کسی به نظر خود براساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است؛ ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست (رهبر معظم انقلاب)^۲. ولایت فقیه مسئله‌ای تقلیدی و از فروع است (آیت‌الله بهجت)^۳.

به نظر حقیر، ولایت فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف فی‌الجمله ثابت و مسلم است و تفصیل آن در رساله «ولایة الفقهاء فی عصر الغیبة» بیان شده است (آیت‌الله صافی)^۴.

۲.۸. ضرورت ولایت فقیه

دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد، دین حکومت

۱. اجوبة الاستفتائات، س ۵۶ و ۵۹ و ۶۱.

۲. اجوبة الاستفتائات، س ۵۶ و ۵۹ و ۶۱.

۳. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۷۲.

۴. لطف‌الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۷.



و اداره امور جامعه است؛ از این رو همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمانان حفظ کند و از نظام جامعه اسلامی پاسداری کرده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری کند و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را تأمین کند (رهبر معظم انقلاب).^۱

۳.۸. قلمرو ولایت فقیه

۱.۳.۸. امر ولی فقیه

همه مسلمانان باید از او امر ولایی و دستورهای حکومتی ولی فقیه اطاعت کنند و تسلیم امرونی او باشند. این حکم شامل فقههای عظام هم می شود، چه رسد به مقلدان آنان (رهبر معظم انقلاب و آیت الله فاضل).^۲

برای هیچ کس جایز نیست با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت کند. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راه های قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد (رهبر معظم انقلاب).^۳

۲.۳.۸. احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادر شده از طرف

۱. اجوبه الاستفتائات، س ۶۳.

۲. اجوبه الاستفتائات، س ۶۲ و ۶۵؛ فاضل، جامع المسائل (فارسی)، ج ۱، س ۹۱۰ تا ۹۱۳.

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۶۲ و ۶۵.

ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود؛ مگر اینکه ولی امر جدید مصلحتی در نقض آن‌ها ببیند و آن‌ها را نقض کند (رهبر معظم انقلاب).^۱

۸.۳.۳. مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه درجایی که به مصالح عمومی اسلام و مسلمانان مربوط است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است (رهبر معظم انقلاب).^۲

۸.۳.۴. اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در اموری که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است، اگر این اختلاف در مسائل مربوط به اداره کشور و در اموری باشد که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، مانند دفاع از اسلام و مسلمانان برضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود. اگر در مسائل فردی محض است، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی کند (رهبر معظم انقلاب).^۳

۱. اجوبة الاستفتائات، س ۶۴.

۲. اجوبة الاستفتائات، س ۶۳.

۳. اجوبة الاستفتائات، س ۵۲ و ۵۳؛ مکارم، استفتائات جدید؛ ج ۳، ص ۱۹ و سایت.

تقلید، حکم و فتوا، س ۴.



در مسائل مربوط به حکومت، از نظر ولی فقیه و در مسائل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می‌شود (آیت‌الله مکارم).^۱

در صورت تعارض حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان با رأی مجتهد اعلم، مقلد باید به فتوای مرجع تقلید خودش رجوع کند و مسائل خاص را سؤال کند (آیت‌الله بهجت).^۲

۴.۸. حکم حاکم

۱.۴.۸. مقصود از حاکم شرع

مقصود از حاکم شرع، مجتهد عادل است و لازم نیست مرجع تقلید باشد (آیت‌الله فاضل).^۳

۲.۴.۸. حکم حاکم جامع الشرایط

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که خطای او ظاهر شود (حضرت امام و آیات عظام مکارم، فاضل، گلپایگانی، اراکی و نوری).^۴

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، ص ۱۹ و سایت، تقلید، حکم و فتوا، س ۴.

۲. محمدتقی بهجت، استفتانات، ج ۱، تقلید، س ۱۰۵.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، س ۳۷.

۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۷؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ محمد علی اراکی؛ حسین نوری همدانی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ «مگر اینکه خطایش قطعاً آشکار شود یا طریق وصول به آن خطا باشد و منظور از طریق وصول، موازین حکم یا اجتهاد است»؛ سید روح‌الله خمینی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ محمد فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحه، تقلید، م ۲۲؛ ناصر مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، س ۲۲ و سایت، حکم و فتوا، س ۲.

نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که مخالفت آن با قرآن و سنت، قطعی باشد (آیت الله سیستانی).^۱

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای مجتهد دیگر؛ مگر زمانی که علم به خلاف واقع بودن آن پیدا کند یا بداند آن حاکم در تحصیل مقدمات آن حکم کوتاهی کرده است (آیات عظام خویی و تبریزی).^۲

نقض کردن حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست؛ حتی برای مجتهد دیگر. زمانی که علم به خلاف واقع بودن آن دارد، تجدید مرافعه و نقص آن توسط حاکم شرع دیگر خصوصاً در شبهات موضوعیه محل اشکال است. بلی، چنانچه حکم مذکور مخالف قرآن یا سنت فعلی یا اجماع مسلم باشد، نقض آن توسط حاکم شرع دیگر اشکال ندارد؛ البته اگر قائل نباشیم که چنین حکمی خودبه خود باطل محسوب می شود (آیت الله وحید).^۳

حکم مجتهد جامع الشرایط نافذ است و عمل به آن بر همه لازم است؛ مگر اینکه کسی اشتباه و خطای او را در مبانی حکم بداند. به طور کلی نفوذ حکم او در مسائلی است که اگر مکلف خودش هم عالم به آن شود، مکلف به عمل به مضمون آن حکم است (آیت الله صافی).^۴

۱. سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، تقلید، م ۲۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۷.

۲. سیدابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲۶؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۷؛ جواد تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۲۶ و استفتانات، ج ۲، س ۳۵.

۳. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، تقلید، م ۲۶.

۴. لطف الله صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۹.

۳.۴.۸. تشخیص حاکم در مرافعات

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم به دست مدعی است؛ مگر اینکه آن حاکمی که مدعی علیه تعیین می‌کند، اعلم باشد؛^۱ بلکه با وجود اعلم و امکان ترافع به سوی او، احوط (آیت‌الله گلپایگانی: و ترک نشود این احتیاط زمانی که منشأ نزاع اختلاف فتوای دو حاکم باشد) رجوع است به او مطلقاً (حضرت امام و آیات عظام مکارم، خویی، فاضل، سیستانی و گلپایگانی).^۲

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است؛ مگر در صورتی که مختار مدعی علیه اعلم باشد؛ بلکه با وجود اعلم و امکان ترافع نزد او، در صورتی که منشأ اختلاف و نزاع فتوای دو حاکم باشد، باید مطلقاً به اعلم رجوع کرد (آیت‌الله نوری).^۳

در مرافعات، اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است؛ مگر در صورتی که مختار مدعی علیه، اعلم باشد؛ بلکه با وجود اعلم و

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۶، سید علی سیستانی؛ بلکه در این صورت هم به عهده مدعی است؛ سید روح‌الله خمینی، محل اشکال این نظر بررسی شود.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۶؛ سید محمد رضا موسوی گلپایگانی؛ سید روح‌الله خمینی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ سید علی سیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و گلپایگانی و صافی: «إذا وقعت معاملة بين شخصين و كان أحدهما مقلداً لمن يقول بصحتها و الآخر مقلداً لمن يقول ببطلانها، و جب علی کل منهما مراعاة فتوى مجتهدة، فلو وقع نزاع بينهما ترافعا إلى أحد المجتهدین أو إلى مجتهد آخر، فيحكم بينهما علی طبق فتواه، و ینفذ حکمه علی الطرفین. و کذا الحال فی الإیقاع المتعلق بشخصین كالطلاق و العتق و نحوهما» (هدایة العباد، ج ۱، م ۳۶).

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۶.

امکان ترافع نزد او باید به او مراجعه کرد؛ مگر در صورتی که منشأ اختلاف، شبهه حکمی باشد و هر دو استفتاکننده یا مدعی باشند و هریک از دو حاکم، به خلاف دیگری حکم کند؛ هرچند در شبهه موضوعیه باشد. در این صورت، بنا بر احتیاط واجب باز هم باید به اعلم مراجعه کرد (آیت الله اراکی).^۱

اگر نزاع بین بایع و مشتری واقع شود، مرافعه را نزد یکی از دو مجتهد خودشان یا مجتهد دیگر می‌برند و آن مجتهد طبق فتوای خودش بین آن دو حکم می‌کند و حکمش بر دو طرف نافذ است (آیت الله بهجت).^۲

۸. ۴. ۴. تعارض قوانین و فتوای مرجع تقلید

۸. ۴. ۴. ۱. تعارض قوانین با فتوا

در تعارض قوانین تصویب شده در مجلس و شورای نگهبان با فتوای مرجع تقلید، وظیفه مقلد رجوع به فتوای مرجع تقلید خود است (آیت الله بهجت).^۳

قاضی اگر مجتهد باشد، به رأی خود حکم می‌کند و اگر بر اثر ضرورت، غیرمجتهد برای منصب قضا نصب شود، به رأی مرجع تقلید خود عمل خواهد کرد. در تعارض قوانین حکومت اسلامی با رأی مرجع تقلید، چنانچه عمل به

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۶.

۲. محمد تقی بهجت، وسیلة النجاه، م ۳۳.

۳. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۰۳.

احتیاط ممکن باشد، اولی عمل به احتیاط است و اگر ممکن نباشد یا موجب ضرر و زیان و عسر و حرج شود، قوانین حکومت اسلامی در مسائل عمومی و اجتماعی مقدم است و در مسائل خصوصی باید به رأی مرجع خود عمل کند (آیت الله مکارم).^۱

۲۰۴۰۴۰۸. تعارض حکم و فتوا

فتوا در کلیات است و حکم در قضایای شخصیه؛ بنابراین بین این دو تعارض وجود ندارد (آیت الله بهجت).^۲

۵۰۴۰۸. شروط حاکم شرع

در عمل به دستورهای حاکم شرع، شروط تقلید نیز معتبر است و حاکم شرع همان مجتهد جامع الشرایط است (آیت الله بهجت).^۳ اعلمیت فقط در خصوص تقلید شرط است و در امور دیگر که به نظر حاکم شرع منوط است، اعلمیت معتبر نیست (آیت الله فاضل).^۴

۱۰۵۰۴۰۸. اعلمیت در امور حسبیه

فقط اعلمیت در تقلید معتبر است و همچنین است در امور دیگر؛ مانند ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۲ و سایت، تعارض قوانین با فتوا، س ۱ و ۲ و ۳.

۲. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، تقلید، س ۱۰۴.

۳. محمد تقی بهجت، استفتائات، ج ۱، س ۱۰۱.

۴. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۶.

وصی ندارد. بنابراین در آن‌ها اعلیت مجتهد معتبر نیست. بلی، احوط در قاضی^۱ این است که اعلیم اهل بلد باشد و غیر بلد نیز از جاهایی که بردن مرافعه به نزد آن قاضی حرجی نیست (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، فاضل، خویی و مکارم).^۲

اعلمیت در مسائلی که امر آن به مجتهد مربوط می‌شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلید. اما در ولایت بر ایتام و مجانین و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن، اعلیت معتبر نیست. بله، احوط در قاضی این است که اعلیم آن شهر باشد یا اعلیم در غیر آن شهر؛ در صورتی که بردن ترافع نزد او حرجی نداشته باشد. درجایی که منشأ نزاع، اختلاف فتوای دو حکم است، این احتیاط نباید ترک شود (آیت‌الله گلپایگانی).^۳

اعلمیت در مسائلی که امر آن به مجتهد مربوط می‌شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلید. اما در ولایت بر ایتام و مجانین و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن، اعلیت معتبر نیست. بله، در مرافعات که اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است، مگر در صورتی که مختار مدعی علیه اعلیم باشد، بلکه

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۸؛ ناصر مکارم شیرازی؛ «و بنا بر احتیاط واجب، قاضی باید اعلیم باشد در زمانی که علم به اختلاف فتوا در زمان ابتلا باشد.»

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۸؛ سید روح‌الله خمینی؛ سید علی سیستانی؛ محمد فاضل لنکرانی؛ سید ابوالقاسم خویی؛ ناصر مکارم شیرازی.

۳. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۸.

با وجود اعلم و امکان ترافع نزد او، باید به او مراجعه کرد؛ مگر در صورتی که منشأ اختلاف، شبهه حکمیه باشد و هر دو استفتاکننده یا مدعی باشند و هریک از دو حاکم، به خلاف دیگری حکم کند (هرچند در شبهه موضوعیه باشد) که در این صورت بنا بر احتیاط واجب باز هم باید به اعلم مراجعه کرد (آیت الله اراکی).^۱

اعلمیت در اموری که امر آن به مجتهد مربوط می شود، معتبر نیست؛ مگر در تقلید. اما در ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن، اعلمیت معتبر نیست؛ بلکه در مرافعات که اختیار تعیین حاکم در دست مدعی است، در صورتی که مختار مدعی علیه، اعلم باشد یا منشأ اختلاف و نزاع، فتوای دو حاکم باشد، باید به اعلم از آن دو مراجعه کرد (آیت الله نوری).^۲

پرسش: آیا اعلمیت در امور حسبیه مانند ولایت بر ایتام و دیوانگان و اوقافی که متولی ندارد و وصایایی که وصی ندارد و مانند آن ها شرط است؟ پاسخ: ولایت این گونه امور موکول به حاکم شرع است (رهبر معظم انقلاب).^۳

۱. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۸.

۲. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۶۸.

۳. سید علی خامنه ای، استفتای خصوصی، کد رهگیری: ۱۰۴۵۸۰۲۴.

۵.۸. رعایت قوانین

۵.۸.۱. رعایت قوانین و مقررات

تخلف از مقررات دولت اسلامی جایز نیست
(حضرت امام).^۱

نباید از قوانین و مقررات دولت که به تصویب
مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان
رسیده است، تخلف کرد (آیت الله مکارم).^۲

به طور کلی قوانین و مقرراتی که برای حفظ
نظم و برای جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی
تصویب و اعلام شده است، لازم است رعایت
شود و تخلف از آن ها جایز نیست. اگر کسی
تخلف کرد و آن ها را نادیده گرفت، تعزیر او به
هر نحو که حاکم شرع صلاح دانست، اعم از
جزای نقدی یا شلاق، مشروع و بلامانع است
(آیت الله فاضل).^۳

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی تا به
مقداری که اگر تخلف کند، سبب بروز تصادف
و اختلال نظم می شود یا در آن احتمال خطریا
ضرر برای خود یا دیگری است، واجب است
(آیت الله بهجت).^۴

رعایت مقرراتی که برای نظم جامعه وضع
شده است، در هر حال واجب است. هر چند آن
قوانین را دولت غیر اسلامی وضع کرده باشد.
دریافت حقوق در برابر عمل حلال، اشکال ندارد

۱. سیدروح الله خمینی، استفتائات، ج ۲، س ۱۴۸ و ۱۵۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۸.

۳. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۴۶۳.

۴. محمدتقی بهجت، استفتائات، ج ۴، ص ۵۷۰، س ۶۵۱۳.

(رهبر معظم انقلاب).^۱
قوانین تنفیذ شده از طرف حاکم شرعی باید
رعایت شود (آیت الله سیستانی).^۲



۱. سیدعلی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۳۰۳، س ۱۳۵۸.
۲. سیدعلی سیستانی، سایت، سؤال‌ها و جواب‌ها، قانون، س ۱ و ۲ و ۳ و ۵.



فصل نهم:
مسائل متفرقه



۱.۹. کتابهای فقهی مراجع

حضرت امام: تحریر الوسیله، حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، حاشیه بر وسیله النجاه، مناسک حج، نجاه العباد، زبدة الاحکام.

رهبر معظم انقلاب: تحریر المسائل، اجوبة الاستفتائات، مناسک حج، رساله آموزشی جلد ۱ و ۲، راهنمای اختلاف فتاوا.

آیت الله سیستانی: مسائل منتخبه، منهاج الصالحین، حاشیه بر عروة الوثقی، تکمله منهاج، توضیح المسائل.

آیت الله مکارم: حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، احکام بانوان، احکام پزشکی، مناسک حج، احکام عزاداری.

آیت الله فاضل: الاحکام الواضحه، حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، جامع المسائل، احکام پزشکان و بیماران، احکام جوانان، مناسک حج، تفصیل الشریعه شرح تحریر الوسیله.

آیت الله بهجت: وسیله النجاه، توضیح المسائل، استفتائات، جامع المسائل، مناسک حج.

آیت الله خویی: منهاج الصالحین، حاشیه بر عروة الوثقی، توضیح المسائل، استفتائات، صراط النجاه، مناسک حج.

آیت الله صافی گلپایگانی: توضیح المسائل، احکام نوجوانان، جامع الاحکام، احکام پزشکی، هدایة العباد، فقه الحج، مناسک حج.



آیت الله وحید: منهاج الصالحین، توضیح المسائل، مناسک الحج.

آیت الله تبریزی: صراط النجاه، توضیح المسائل، استفتائات، المسائل المنتخبه، منهاج الصالحین، مناسک حج، رسالہ احکام جوانان و نوجوانان، احکام بانوان.

آیت الله نوری: توضیح المسائل، هزارویک مسئلہ فقہی جلد ۱ و ۲، حاشیہ بر عروہ. آیت الله اراکی: توضیح المسائل، حاشیہ بر عروہ.

آیت الله زنجانی: توضیح المسائل، مناسک حج، کتاب النکاح.

آیت الله شاهرودی: توضیح المسائل، منهاج الصالحین.

آیت الله سید محمد رضا موسوی گلپایگانی: توضیح المسائل، مجمع المسائل، حاشیہ بر عروہ، وسیلة النجاه، هداية العباد.

۲.۹. استفتائات کتبی خصوصی



حضور محترم مرجع عالی قدر حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاته)
خواهشمند نظر خود را پیرامون مسائل زیر عنوان فرماید.

۱- بنابر نظر جنابعالی سرمایه غالباً به قیمت فعلی محاسبه می شود. حال سؤالی مطرح است که آنرا در قالب مثال بیان می کنم:

سرمایه فردی هزار قوطی رب است که اگر بخواهد سر سال به قیمت کلی فروشی حساب کند هر قوطی صد تومان از او می خرد و اگر قیمت جزئی فروشی حساب کند صدو سی تومان بفروش می رسد. کدام قیمت ملاک است با توجه به اینکه محاسبه به قیمت کلی باعث ضرر به اهل خمس می شود؟ آیا کاسب کاران کلی فروش و جزئی فروش در مسئله یکسان هستند یا نه؟

ج ۱: در هر صورت قیمت کلی باقی است =

۲- در کتاب لقطه اینطور آمده «پچور تملیک مثل الحمام اذا ملک جناحیه» منظور از ملک جناحیه چیست؟ آیا منظور کیبوتری است که بالذات نمی تواند پرواز کند مساند جوجه یا کیبوتری که بالعرض نمی تواند پرواز کند مانند کیبوتری که بالاش بسته شده یا منظور هر دو است؟

ج ۲: منظور هر دو است که توانایی پرواز دارد اگر آن را ببرد و غلبه او می شود بر آن که بالاش بسته شده است. ۳- اقتداء به امام جماعت مجهول العداله باطل است؟ حال آیا فردی می تواند رجاء نمازش را به امام جماعت مجهول العداله اقتداء نماید و بعد از نماز قحص نموده و یقین کند که امام عادل است، تا در صورت احراز عدالت امام، نماز سابقش محکوم به صحت باشد؟

ج ۳: اگر چه در هر دو صورت آنرا صحیح نمی گویند =

۴- تداخل نمازهای مستحبی چه حکمی دارد؟ (مانند نافله مغرب و نماز دهه اول ذیحجه یا نافله صبح و نماز زیارت) اگر تداخل را اجازه می دهید تداخل پیشتر از دو نماز صحیح است یا نه؟

ج ۴: به هر دو رجاء ماضی ندارد =

۵- ان شاء جاهل آیا واجب است؟

ج ۵: در اجابت و حرمت واجب است =

پیشتر بر می آید =
۸/۱۳۴۸



۲۴۳

فهرست

فصل نهم / مسائل متفرقه



حضور محترم مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی (دامت برکاته)
خواهشمند نظر خود را بر اموان مسائل زیر عنوان فرماید.

۱- بنابر نظر جنابعالی سرمایه غالباً به قیمت فعلی محاسبه می شود. حال سؤالی مطرح است که آنرا در غالب مثال بیان می کنم:

سرمایه فردی هزار قوطی رب است که اگر بخواهد سر سال به قیمت کلی فروشی حساب کند هر قوطی صد تومان از او می خردند و اگر قیمت جزئی فروشی حساب کند صدو سی تومان بفروش می رسد. کدام قیمت ملاک است با توجه به اینکه محاسبه به قیمت کلی باعث ضرر به اهل خمس می شود؟ آیا کاسب کاران کلی فروش و جزئی فروش در مسئله یکسان هستند یا نه؟
بهرین یکی که در کاره در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش
به قیمت جزئی در هر کسب و فروش

۲- در کتاب لفظه اینطور آمده «بجوز تمليك مثل الحمام اذا ملك جناحیه» منظور از ملك جناحیه چیست؟ آیا منظور کیوتری است که بالذات نمی تواند پرواز کند مانند جوجه یا کیوتری که بالعرض نمی تواند پرواز کند مانند کیوتری که بالش بسته شده یا منظور هر دو است؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۳- اقتداء به امام جماعت مجهول العداله باطل است؟ حال آیا فردی می تواند رجا نماز را به امام جماعت مجهول العداله نماید و بعد از نماز فحص نموده و بفهمد که امام عادل است، تا در صورت احراز عدالت امام، نماز سابقش محکوم به صحت باشد؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۴- تداخل نمازهای مستحبی چه حکمی دارد؟ (مانند نافله مغرب و نماز دهه اول ذیحجه یا نافله صبح و نماز زیارت) اگر تداخل را اجازه می دهید تداخل پیشتر از دو نماز صحیح است یا نه؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۵- ارشاد جاهل آیا واجب است؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش



۸۱/۱۷

شماره ۱۷/۱۸۱



حضور محترم مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی (دامت برکاته)
خواهشمند نظر خود را بر اموان مسائل زیر عنوان فرماید.

۱- بنابر نظر جنابعالی سرمایه غالباً به قیمت فعلی محاسبه می شود. حال سؤالی مطرح است که آنرا در غالب مثال بیان می کنم:

سرمایه فردی هزار قوطی رب است که اگر بخواهد سر سال به قیمت کلی فروشی حساب کند هر قوطی صد تومان از او می خردند و اگر قیمت جزئی فروشی حساب کند صدو سی تومان بفروش می رسد. کدام قیمت ملاک است با توجه به اینکه محاسبه به قیمت کلی باعث ضرر به اهل خمس می شود؟ آیا کاسب کاران کلی فروش و جزئی فروش در مسئله یکسان هستند یا نه؟
بهرین یکی که در کاره در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش
به قیمت جزئی در هر کسب و فروش

۲- در کتاب لفظه اینطور آمده «بجوز تمليك مثل الحمام اذا ملك جناحیه» منظور از ملك جناحیه چیست؟ آیا منظور کیوتری است که بالذات نمی تواند پرواز کند مانند جوجه یا کیوتری که بالعرض نمی تواند پرواز کند مانند کیوتری که بالش بسته شده یا منظور هر دو است؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۳- اقتداء به امام جماعت مجهول العداله باطل است؟ حال آیا فردی می تواند رجا نماز را به امام جماعت مجهول العداله نماید و بعد از نماز فحص نموده و بفهمد که امام عادل است، تا در صورت احراز عدالت امام، نماز سابقش محکوم به صحت باشد؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۴- تداخل نمازهای مستحبی چه حکمی دارد؟ (مانند نافله مغرب و نماز دهه اول ذیحجه یا نافله صبح و نماز زیارت) اگر تداخل را اجازه می دهید تداخل پیشتر از دو نماز صحیح است یا نه؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۵- ارشاد جاهل آیا واجب است؟
نظر که در این است که در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش در هر کسب و فروش

۸۱/۱۸

یہی باسٹھوا ہے، اتر مشرقی واجب آست

بسم تعالی

حضرت مبارک آیت الله سید محمد تقی مدظل العالی

سؤال: عبارت با هم الاطوار لوم لمن اتقى با هم الاطوار ان لم يكن اتقى و كذا في قوله تعالى ما جئكم به من نصيحة

جواب: عبارت مذکور در حکم احتیاط واجب می باشد و با رعایت الأعلی فالأعلی قابل مراجعه به مجتهد دیگر است.

سؤال: تعریف باطل کافر و کافر را بیان فرمایید؟

جواب: جاهل فاسر فردی است که از روی علم، حکم شرعی را نمی داند و در فراگیری آن کوتاهی نکرده است و به تعبیر دیگر کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور است و در فعل یا ترک چیزی به دلیل و حجتی استناد داشته است هر چند که خطای آن بعداً آشکار گردد.

و جاهل مقصّر فردی است که امکان آموختن مسائل را داشته ولی در فراگیری آن کوتاهی کرده است و به تعبیر دیگر کسی است که در ندانستن حکم شرعی معذور نیست مانند کسی که در آموختن مسائل دینی، سستی و اعمال کرده باشد.

شایان ذکر است فردی که شک در حکم شرعی عملی دارد و قادر به فراگیری و تعلم حکم شرعی نیست

وظیفه اش احتیاط است و چنانچه با امکان احتیاط، عمداً عملی مطابق با احتیاط را ترک نماید مقصّر محسوب

می شود و داخل در عنوان جاهل فاسر به حساب نمی آید بلکه جاهل مقصّر محسوب می شود.



۲۴۶



احکام تنبیذ

سؤال: آیا بارش باطل در موضوعات واجب است؟

جواب: ارشاد جاهل در موضوعات لازم نیست و واجب نیست کسی که نسبت به موضوع اطلاع ندارد را ارشاد نمود مگر در موردی که اخراج شود شارع مفتاح به وقوع آن کار هر چند نسبت به جاهل به موضوع رضایت ندارد مثل اشتباه کسی که قتل او حرام است یا کسی که قتل او جایز است.



سؤال: آیا بارش باطل در احکام واجب است؟

جواب: چنانچه فردی در موردی بی اطلاع از حکم شرعی باشد و به خاطر ندانستن مسأله شرعی، واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب گردد، در صورتی که فرد جاهل درصدد تعلم و فراگیری است و احتمال تأثیر نیز وجود داشته باشد، ارشاد وی و یاد دادن مسأله شرعی به او واجب است مگر در موارد عسر و حرج غیر قابل تحمل یا ضرر قابل توجه.

بنابراین کسی که نمی داند استفاده از انگشتر طلا بر مرد حرام است یا گوش دادن به موسیقی لهوی و غنا حرام است یا دست دادن و مصافحه با نامحرم هر چند از خوشبوئدان باشد، حرام است یا نمی داند نماز آیات در وقت زلزله واجب است یا پوشش قدم پای زن در مقابل نامحرم واجب است، و به خاطر جهل به حکم شرعی و ندانستن مسائل محل ابتلاش موارد مذکور را رعایت نمی کند، ارشاد او با جمع شدن شرایط فوق واجب است، و الله العالم.



جواب: ۹۱

۱. به عنوان مثال، فردی که اطلاع ندارد لیست نجس است و با لباس مذکور نماز می خواند یا فردی که می داند که باید رو به قبله نماز بخواند لکن اشتباعاً به سمتی که قبله نمی باشد نماز می خواند، بر دیگری که از این امر مطلع است لازم نیست وی را آگاه کند.

شماره استفتا: ۳۴۸۹۹۸

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید

در صورتی که شخصی از مرجعی تقلید کند و بعد از گذشتن مدتی، مرجع ایشان فوت کند، وظیفه ایشان رجوع به زنده و در صورت بقا، اجازه از مجتهد زنده می‌خواهد. لطفاً مسئله را در تمام فروضش توضیح دهید:

۱. در صورتی که مجتهد زنده اعلم باشد، تکلیف چیست؟
۲. در صورتی که مجتهد فوت شده اعلم باشد، تکلیف چیست؟
۳. در صورتی که مساوی باشند، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

در بقا بر تقلید مجتهد میت، البته با اجازه از مجتهد زنده، یا عدول به مرجع زنده جامع شرایط و بنا بر احتیاط اعلم مخیر می‌باشد. موفق و مؤید باشید.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اراکی، محمدعلی، توضیح المسائل، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.
- بهجت، محمدتقی، استفتائات، چ ۱، ۱۳۸۶، شفق.
- بهجت، محمدتقی، توضیح المسائل، چ ۸۲، شفق، ۱۳۸۶.
- بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، چ ۲، ۱۳۸۴، دفتر معظم له.
- بهجت، محمدتقی، وسیلة النجاه، چ ۲، ۱۳۸۱، شفق.
- تبریزی، جوادبن علی، استفتائات، چ ۳، سرور، ۱۳۸۵.
- تبریزی، جوادبن علی، توضیح المسائل، چ ۲، ۱۳۸۱، هجرت.
- تبریزی، جوادبن علی، منهاج الصالحین، چ ۱، مجمع الامام المهدی S، ۱۴۲۶، براساس نرم افزار جامع فقه اهل بیت، مؤسسه نور.
- توضیح المسائل (مراجع)، چ ۱۲، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- جمعی از پژوهشگران، مناسک حج مطابق با فتاوی مراجع عظام تقلید، چ ۳، محراب قلم، ۱۳۹۱.
- حاشیه بر عروه (حضرت امام و آیات عظام سیستانی، خویی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، اراکی و مکارم).
- حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، چ ۱، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷.

- حسینی سیستانی، سیدعلی، سایت:
<http://www.sistani.org>
- خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتاءات،
 چ ۶۳، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی، تحریر المسائل.
- خامنه‌ای، سیدعلی، رساله آموزشی، چ ۶،
 مؤسسه فرهنگی هنری امین، ۱۳۹۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی، سایت: www.leader.ir.
- خمینی، سیدروح‌الله، استفتاءات، چ ۵، دفتر
 انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
- خمینی، سیدروح‌الله، الرسائل، چ ۱، مؤسسه
 تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۰، براساس
 نرم افزار.
- خمینی، سیدروح‌الله، آموزش فقه، چ ۲۷،
 الهادی، ۱۳۸۵.
- خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، چ ۲۳،
 دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
- خمینی، سیدروح‌الله، توضیح المسائل، چ ۷،
 نیلوفرانه، ۱۳۸۴.
- خویی، سیدابوالقاسم، استفتاءات، چ ۱،
 مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۳۸۱.
- خویی، سیدابوالقاسم، توضیح المسائل، چ ۱،
 رستگار، ۱۳۸۰.
- خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین،
 چ ۶، مدرسه امام باقرالعلوم (علیه السلام)، ۱۳۸۶.
- راهنمای فتاوا (رهبر معظم انقلاب و حضرت
 امام)، چ ۱، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی،
 ۱۳۹۲.



- سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل، چ ۸، ولایت، ۱۳۸۹.
- سیستانی، سیدعلی، رساله جامع، چاپ نشده است.
- سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، چ ۱۰، بیروت، ۱۴۲۷.
- شاهرودی، سید محمود، توضیح المسائل.
- شاهرودی، سید محمود، منهاج الصالحین، چ ۲، دفتر معظم له، ۱۴۳۲.
- شبیری زنجانی، سید موسی، توضیح المسائل، چ ۲۲، ۹۲، سلسبیل.
- شیخ طوسی، عدة فی اصول الفقه، چ ۱، چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷، براساس نرم افزار جامع فقه ۲، مؤسسه نور.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، توضیح المسائل، گلپایگانی، چ ۵، مشهد: هاتف، ۱۳۸۷.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، هداية العباد، جامع الاحکام، چ ۴، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۷، براساس نرم افزار جامع فقه، مؤسسه نور.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، هداية العباد، چ ۱، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۶، براساس نرم افزار جامع فقه، مؤسسه نور.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، چ ۱، مطبعة الزيتون، ۱۴۲۷.
- فاضل لنکرانی، محمد، الاحکام الواضحه، چ ۵، مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۴.
- فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، چ ۱۳۰، چاپخانه مهر قم، ۱۳۸۵.

-فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل،
چ ۱۱، امیرالمؤمنین.

-محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک
الوسائل، چ ۱، مؤسسہ آل البيت (علیہ السلام)، ۱۴۰۸،
براساس نرم افزار جامع فقہ ۲، مؤسسہ نور.
-مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات، چ ۵،
امام علی بن ابی طالب (علیہ السلام)، ۱۳۸۸.

-مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، چ ۴۷،
امام علی بن ابی طالب (علیہ السلام)، ۱۳۹۱.
-مکارم شیرازی، ناصر، سایت:

.persian.makarem.ir

-موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، توضیح
المسائل، قم: دارالقرآن کریم.

-موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع
المسائل، قم: دارالقرآن کریم.

-موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، ہدایۃ
العباد، چ ۱، دارالقرآن کریم، ۱۴۱۳، براساس
نرم افزار جامع فقہ، مؤسسہ نور.

-نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، دار
الکتاب الاسلامیہ، ۱۳۸۴.

-نوری ہمدانی، توضیح المسائل، چ ۲۰، دفتر
تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، ۱۳۸۵.

-نوری ہمدانی، ہزارویک مسئلہ فقہی، چ ۴،
دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، ۱۳۸۳.

-وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل،
چ ۸، مدرسہ امام باقر العلوم (علیہ السلام).

-وحید خراسانی، حسین، سایت:

.www.vahid-khorasani.ir

- وحید خراسانی، حسین، منهج الصالحین،
چ ۶، مدرسه امام باقر العلوم علیہ السلام، ۱۳۸۶.
- وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چ ۱،
چاپخانه قدس، ۱۳۸۳.

